

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد بهشهر

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق

عنوان

بررسی امکان بازداشت بدهکار مهریه در اجرای احکام مدنی

استاد راهنما

دکتر علیرضا نصیری خلیلی

پژوهشگر:

علی اصغر علیزاده ذغالچالی

بهار ۱۳۹۶

پاسکزاری:

پاسکزار کسانی هستند که سراغ از تولد من هستند. از یکی زاده شوم و از دیگری جاودانه. استادی که سپیدی را بر تخت
سیاه زندگیم گذاشت و مادری که تاری مویی از او پای من سیاه نامند.

از استاد کرامیم جناب آقای دکتر علیرضا نصیری خلیلی بسیار سپاسگذارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان تا این
پایان نامه بسیار مشکل مینمود.

تقدیم به :

خانواده عزیزم

و به تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت

جامعه، مدنی ندارند.

دانشمندان، بزرگان، و جوانمردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای این مرز و بوم فدا نموده و می نمایند.

فهرست مطالب

عنوان	فهرست
چکیده	۱

فصل اول: کلیات

۱-۱- بیان مسأله	۳
۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۵
۱-۳- مرور ادبیات و سوابق مربوطه	۶
۱-۴- اهداف تحقیق	۷
۱-۵- سؤال های تحقیق	۸
۱-۶- روش شناسی تحقیق	۹

فصل دوم: مفاهیم و ادبیات پژوهش

۱-۲- مفهوم مهریه	۱۰
۱-۱-۲- مهریه در لغت	۱۰
۱-۲-۲- مهریه در اصطلاح	۱۱
۱-۲-۳- انواع مهریه	۱۷
۱-۲-۳-۱- مهر المسمی و شرایط آن	۱۷
۱-۲-۳-۱-۱- مهر المسمی	۱۷

- ۱۸ ۲-۱-۳-۱-۲- شرایط مهرالمسمی
- ۲۱ ۲-۱-۳-۱-۲- مقدار مهرالمسمی
- ۲۲ ۲-۳-۱-۲- مهرالسنه و مقدار آن به قیمت روز
- ۲۳ ۳-۳-۱-۲- مهرالمثل
- ۲۴ ۱-۳-۳-۱-۲- موارد تعلق مهرالمثل
- ۲۵ ۴-۳-۱-۲- مهرالمتعه
- ۲۶ ۲-۴-۲- مالکیت زن بر مهر
- ۲۷ ۴-۱-۲- عوامل استقرار مهر
- ۲۹ ۱-۴-۱-۲- دلایل و مستندات پرداخت مهریه
- ۲۹ ۱-۱-۴-۱-۲- آیات
- ۳۴ ۲-۱-۴-۱-۲- روایات
- ۳۷ ۲-۴-۱-۲- کارکردها و حکمتهای مهریه
- ۴۳ ۳-۴-۱-۲- اهمیت مهر از نظر اسلام
- ۴۴ ۴-۴-۱-۲- آثار روانی مهر
- ۴۶ ۱-۴-۱-۲- احکام مهریه
- ۵۶ ۶-۴-۱-۲- نحوه مطالبه مهریه :
- ۵۸ ۱-۶-۴-۱-۲- نحوه اقدام برای مطالبه مهریه :

فصل سوم: مقدار مهریه در فقه و حقوق

- ۱-۳-۱- مقدار مهر در ایران و سایر کشورهای اسلامی ۶۲
- ۱-۳-۱-۱- مقدار مهر در حقوق ایران ۶۲
- ۱-۳-۲- مقدار مهر در حقوق کشورهای اسلامی ۶۳
- ۲-۳-۱- حکم تکلیفی و وضعی مهریه زیاد ۷۲
- ۱-۲-۳-۱- حکم تکلیفی مهریه زیاد ۷۲
- ۲-۲-۳-۲- حکم وضعی مهریه های زیاد ۷۳
- ۳-۳-۱- آسیب های پذیرش مهریه های زیاد ۷۶
- ۱-۳-۳-۱- باورهای غلط و دلایل افزایش مهریه ۷۶
- ۲-۳-۳-۲- آثار منفی مهریه های زیاد ۷۸
- ۴-۳-۱- کارکردهای منفی افزایش مهریه ۸۲
- ۳-۴-۱-۱- افزایش سن ازدواج ۸۲
- ۳-۴-۲-۲- تغییر در نوع همسرگزینی ۸۳
- ۳-۴-۳-۳- ایجاد خصومت و دشمنی ۸۴
- ۳-۴-۴-۴- تحمل اجباری زندگیمهای مصنوعی ۸۴
- ۳-۴-۵-۵- احتمال سوداگری ۸۵
- ۳-۴-۶-۶- تحت الشعاع قرار گرفتن ارزشهای دینی ۸۵

- ۳-۵- بررسی صحت یا عدم صحت مهریه‌های سنگین موجود ۹۱
- ۳-۵-۱- عقد نکاح عقدی است مالی ۹۲
- ۳-۵-۲- عقد نکاح عقدی است غیر مالی ۹۲
- ۳-۶- معنای مقصورالتسلیم بودن موضوع معامله ۹۳
- ۱-۳-۶- اثر غیر مقصورالتسلیم بودن موضوع معامله ۹۵

فصل چهارم: بررسی موارد بازاشت بدهکار مهریه

- ۴-۱- مهریه و حق حبس زن و شرایط و نتایج اعمال آن ۹۸
- ۴-۲- حد و مرز حق حبس زوجه در مطالبه مهریه ۱۰۷
- ۴-۳- قانون جدید نحوه وصول مهریه ۱۱۰
- ۳-۵- آغاز و پایان حبس ناشی از محکومیت‌های مالی مهریه ۱۱۰
- ۴-۶- اثبات اعسار در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی جدید ۱۱۲
- ۴-۷- قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۱۴
- ۴-۸- روند زوجه‌ها در دعاوی مطالبه مهریه ۱۱۵
- ۴-۹- ممنوع‌الخروجی زوج با صدور حکم اعسار و تقسیط پرداخت مهریه ۱۱۶
- نتیجه‌گیری ۱۱۸
- پیشهادات ۱۱۹
- منابع ۱۱۹

چکیده

مهریه، نخستین دین مالی است که به صرف تحقق نکاح، بر عهده زوج استقرار می یابد. زوجه حق دارد که این دین را از زوج طلب نموده در آن تصرف نماید. در قانون جدید امکان بازداشت مهریه تا سقفی از مبلغ مهریه وجود دارد و این مطلب در موارد بسیاری سوالات متعددی را مطرح می نماید. بعد از تصویب قانون جدید حمایت خانواده عموماً این تصور غالب شده است که وصول مهریه به میزان بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن صرفاً منوط به معرفی اموالی از زوج توسط زوجه است ولی جهت اجبار زوج به پرداخت مهریه کمتر از این میزان، امکان اعمال حبس ناشی از محکومیت های مالی همچنان باقی است. در مواردی می بینیم اگر پس از درخواست زوجه، زوج چنین ادعا کند که معسر و ناتوان از پرداخت آن است، رویه قضایی در دادگاه های ما چنین است که به حبس زوج حکم میکنند تا اعسار خودش را ثابت کند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که؛ از یک طرف مطالبه مهریه چه بیشتر از یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن؛ به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱، و چه کمتر از این میزان؛ به موجب ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳، منوط به اثبات توانایی مالی زوج توسط زوجه است و از طرف دیگر با اصل قرارداد عدم استطاعت مالی زوج در همین ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی، نتیجتاً حبس ناشی از محکومیت مالی مقرر در ماده ۳ این قانون به جهت عدم پرداخت محکومیت به «هر میزان از مهریه» منتفی شده است و صرفاً برای «مهریه کمتر از میزان یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن» نسبت به تقسیط پرداخت مهریه با لحاظ توانایی مالی زوج اقدام می شود.

کلید واژه: مهریه، محکومیت مالی، بازداشت، قانون

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

مهریه همزمان با انعقاد ازدواج در سند رسمی سند ازدواج (نکاح و اژه عربی پیمان زناشویی است) ثبت می شود. از مهمترین ویژگی های این سند رسمی این است که لازم الاجرا است. یعنی با درخواست زن از دفترخانه تنظیم سند ازدواج برای اجرای تعهدات آن از جمله مهریه، می توان به عنوان مثال مال موضوع مهریه را از همسر (مرد) درخواست کرد و مراجعه به دادگاه برای این کار الزامی نیست؛ مهریه از طریق ارائه دادخواست به دادگاه عمومی حقوقی خانواده هم قابل مطالبه است. زن می تواند در صورت تمایل با نوشتن خواسته خود توسط خود یا مشاور یا وکیل دادگستری در فرم مخصوص (همان دادخواست) از دادگاه محل سکونت خود یا همسرش درخواست کند که حکم الزام همسر را به پرداخت مهریه صادر کند.

همچنین مهریه را می توان پس از صدور اجرائیه از طریق اداره اجرای اسناد رسمی دریافت کرد. با صدور برگ اجرائیه از دفترخانه تنظیم سند رسمی، متقاضی مهریه می تواند به اداره اجرای اسناد رسمی ثبت مراجعه و با معرفی نشانی مرد (همسر) درخواست وصول مهریه را ارائه کند. همچنان که می تواند مالی از مرد مانند حساب بانکی، پلاک ثبتی، سهم یا حتی طلب قطعی وی را از دیگران برای توقیف و وصول مهریه معرفی کند. در سند رسمی ازدواج معنی عندالمطالبه، امکان درخواست دریافت مهریه در هر زمان است. پس در صورت نوشتن این عبارت در سند رسمی ازدواج که به امضای همسر (مرد) رسیده باشد، زن هر وقت بخواهد می تواند مهریه را از مرد بخواهد (صدراپی، ۱۳۸۹: ۳۳).

در سند رسمی ازدواج عندالاستطاعه یعنی شرط درخواست پرداخت مهریه دارا بودن مرد است. در صورت استفاده از این عبارت در متن سند رسمی ازدواج، درخواست مهریه از مرد مشروط به داشتن مال و توانایی مرد در پرداخت مهریه است. مطابق قانون جدید خانواده، برای نپرداختن مهریه بیش از ۱۰ اسکه، مرد بازداشت نمی شود. از سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون محکومیت های مالی و تا پیش از صدور رای وحدت رویه مبنی بر امکان طرح ادعای اعسار (ناتوانی و تنگدستی) برای پرداخت مهریه پیش از توقیف و بازداشت مرد بدهکار مهریه، امکان بازداشت همه محکومان مالی - از جمله محکومان به پرداخت مهریه - به استناد آن قانون فراهم شده بود .

اما با صدور رای مذکور و اثبات یا احراز اعسار بسیاری از مردان بازداشت ایشان تا زمان اثبات دارا شدن آن ها منتفی می شد. اما قانونگذار این بار این تهدید قانونی را برای وصول مهریه های تا ۱۱۰ سکه طلا زنده کرده است.

می توان هر شرطی را درباره مهریه در سند رسمی ازدواج نوشت. بدین معنی که درباره میزان و شرایط پرداخت مهریه هر توافقی میان زن و مرد (همسران) جایز است و برای دو طرف تعهدآور محسوب می شود. بنابراین طرفین می توانند با آزادی اراده در این باره گزینه های گوناگونی را پیش بینی کنند (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۹).

به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملأئت (توانایی مالی) زوج ملاک پرداخت است.

رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است». البته هم اکنون به جهت نسخ ماده ۲ قانون قدیم نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷ مذکور، ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ به جای آن اعمال می شود.

مهریه دین ممتاز است و پیش از هر بدهی از بدهکار دریافت می شود. اهمیت بدهی مرد به همسر خود و حساسیت رابطه زوجین (زوج و زوجه یا همان زن و مردی که با هم ازدواج کرده اند) و البته امتیازی که قانونگذار برای حمایت از زن پیش بینی کرده موجب شده است تا این طلب را بستانکاری ویژه و ممتاز به حساب آورد و پرداخت آن را - حتی اگر بدهی مرد مرده (فوت شده) باشد - بر هر طلب دیگری برتر و پیش تر دانسته است.

مهریه را می توان به اصطلاح بخشید یا بذل کرد. (بذل به معنی بخشش به کار برده می شود) به هر شکل و روشی که قابل اثبات و مستند باشد زن می تواند تمام یا بخشی از مهریه را به همسرش ببخشد یا از دریافت آن صرف نظر کند؛ در عین حال قانونگذار در ازدواج دائم این حق را برای زن پیش بینی کرده

است تا پیش از دریافت مهریه بتواند از انجام وظایف خود به عنوان همسر خودداری کند. حال پرسش اصلی این تحقیق این است که با تصویب قانون جدید مهریه بازداشت زوج به چه صورت است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

خانواده مجموعه و تشکلی است که بر اساس مهر و محبت متقابل زوجین نسبت به یکدیگر شکل گرفته و این عامل باعث ثبات و ماندگاری آن می‌شود. قبل از اسلام، روابط مالی نیز بر این قرارداد مقدس حاکم بوده که از جمله‌ی آنها پرداخت مهریه به زن می‌باشد. اسلام نیز این امر را تأیید کرده است. با توجه به اینکه امور مالی در نکاح امری فرعی بوده و هدف اصلی ازدواج زندگی مشترک همراه با مهر و محبت زوجین نسبت به یکدیگر است، اسلام توصیه‌های اکیدی مبنی بر کم بودن مهریه‌ی زن بیان داشته است. اما تعیین میزان مهریه با توجه به توانائی مرد و شأن زن و آداب و رسوم افراد مختلف به طرفین واگذار شده است. متأسفانه در سال‌های اخیر، میزان مهریه بدون توجه به توانائی‌های مالی مرد به صورت فوق العاده‌ای افزایش پیدا کرده است، به نحوی که امکان پرداخت درصد کمی از مهریه‌ی تعیین شده هم برای مرد وجود ندارد. این امر مشکلاتی را برای مردان و دستگاه قضائی ایجاد نموده است. بعد از تصویب قانون جدید حمایت خانواده عموماً این تصور غالب شده است که وصول مهریه به میزان بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن صرفاً منوط به معرفی اموالی از زوج توسط زوج است ولی جهت اجبار زوج به پرداخت مهریه کمتر از این میزان، امکان اعمال حبس ناشی از محکومیت‌های مالی همچنان باقی است.

قانون‌گذار به تصور اینکه تنها مشکل زیاد بودن مهریه بازداشت و حبس مردان به علت نپرداختن آن است که درصدد رفع این مشکل برآمده و با الزام رئیس قوه‌ی قضائیه به تعیین مبلغی مهریه به عنوان مهریه‌ی متعارف مردان را از بازداشت به علت نپرداختن مهریه‌ی مازاد بر مهریه‌ی متعارف معاف نموده است. این شیوه‌ی قانون‌گذاری اشکالات عدیده‌ی حقوقی و شرعی دارد.

۱-۳- مرور ادبیات و سوابق مربوطه

. محمود امامی نمینی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین» اینگونه می‌آورد:

بدون تردید آخرین نظر قانونگذار بر این قرار گرفته است که به طور کلی در مورد تعهد به پرداخت مهریه «به هر میزان» چه کمتر و چه بیشتر از یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن، در فرض عدم اطلاع از اعسار یا ایسار زوج، اصل بر اعسار زوج است و خلاف آن نیاز به اثبات توسط زوج دارد. بدین ترتیب با ناتوانی زوج در اثبات استطاعت مالی زوج در پرداخت مهریه، قانون اصل اعسار و نتیجتاً منتفی شدن حبس ناشی از مدیونیت و تقسیط پرداخت مهریه را بر زوج حاکم ساخته است.

۲. محمدعلی جعفری (۱۳۸۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع مبانی فقهی مهریه موانع و راهکارهای استیفای آن می آورد:

بدین ترتیب با لحاظ عدم استطاعت مالی زوج در پرداخت مهریه در غالب موارد و توجه به این سیر تغییرات قانونی منجر به تضعیف امکان وصول مهریه، به عنوان تعدیل کننده حقوق زوج در برابر حقوق زوج، از یک طرف و بلا تغییر ماندن سایر عناوین تقویت کننده حقوق زوج در برابر حقوق زوج از طرف دیگر؛ بی شک در حال حاضر حقوق خانوادگی زوج بسیار مؤثرتر از حقوق قانونی زوج است

ماده ۴۹ به صورت کامل در بررسی های کمیسیون حذف شد، اما ماده ۳۰ مقداری بحث برانگیز بود، در اصل این ماده آمده است اگر زوج در دوران زندگی مشترک از مال خودش در زندگی شوهر هزینه کرده باشد، از آنجا که نفقه از الزامات شوهر است، زن می تواند در هنگام متارکه و طلاق هزینه هایی را که صرف کرده، مطالبه کند که در این زمینه شورای نگهبان ایراداتی را به این موضوع وارد کرده بود.

۳. حسن زاده قمی (۱۳۹۲) در کتاب ازدواج در فقه و قانون ایران می نویسد:

مرور زمان و تغییر نگرش خانواده ها و فرهنگ جامعه نسبت به حقوق مالی زن، از طرفی جرح و تعدیل برخی قوانین خانواده، نمایندگان دوره هفتم مجلس را واداشت با هدف کاهش و کنترل نابه سامانی های ناشی از مهریه های غیرمتعارف، سقفی برای مهریه در نظر گیرند، ولی به این دلیل که گرایش جامعه به وضع مهریه های بالا مسئله ای فرهنگی است و نیازمند اتخاذ راهکارهای فرهنگی و آموزشی، عملاً به نتیجه نرسیدند. مشکل مهریه به مرور زمان تبدیل به استخوانی لای زخم شد؛ به طوری که در مواقعی به جای عامل حمایتی، تبدیل به تهدیدی بر علیه بنیان خانواده شد؛ آمار طلاق را افزایش داد و جمعیت مردان زندانی عاجز از پرداخت مهریه های سنگین و غیرمعمول را بالا برد.

۱-۴- اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

بررسی امکان بازداشت مهریه در اجرای احکام مدنی

اهداف فرعی:

بررسی شرایط محکومیت‌های مالی مهریه

بررسی نحوه اجرای محکومیت‌های مالی جدید اثبات اعسار در مهریه

بررسی روندی در دعاوی مطالبه مهریه

۱-۵- سؤال های تحقیق

حبس ناشی از محکومیت‌های مالی از جمله مهریه در چه شرایطی آغاز و پایان می‌یابد؟

به موجب این قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی جدید اثبات اعسار بر عهده کیست؟

آیا اکنون مفاد ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ توسط مفاد

ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱ در خصوص یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا

معادل آن تخصیص داده شده است یا خیر؟

زوجه‌ها باید منتظر چه روندی در دعاوی مطالبه مهریه مطروحه خود باشند؟

صدور حکم اعسار و تقسیط پرداخت مهریه، از ممنوع‌الخروجی زوج رفع اثر می‌شود یا خیر؟

۱-۶- روش شناسی تحقیق:

روشی که برای این تحقیق به کار گرفته شده است روش توصیفی-تحلیلی است. برای این منظور از ابزارهایی

استفاده خواهد شد، از جمله، استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی و آرای قضایی،

پس از جمع‌آوری منابع و فیش برداری از آن‌ها، به تشریح و تحلیل مطالب، شناسایی معضلات مربوطه و

راه‌های احتمالی پاسخگویی به آن‌ها، پرداخته خواهد شد. این پژوهش اساساً با استفاده از آخرین و

جدیدترین مقالات و کتاب ها و اسناد حقوقی و هم چنین منابع معتبر الکترونیکی انجام خواهد شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها از طریق روش تحلیلی استنباطی است.

فصل دوم

مفاهیم و ادبیات پژوهش

۲-۱- مفهوم مهریه

در این قسمت به بررسی مفهوم مهریه در لغت و اصطلاح می پردازیم.

۲-۱-۱- مهریه در لغت

مهریه به فتح میم در لغت، کابین یا دست پیمان گویند و آن مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می گردد لفظ «مهر» که جمع آن «مهور» است از ریشه مهر به ضم میم و فتح هاء که واژه ی عربی است اخذ شده است .

مهر (بر وزن شهر) مال (یا چیزی که قائم مقام مال باشد) معینی است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح می دهد یا بنفع زوج بر ذمه می گیرد.^۱

مرحوم دهخدا مهریه را به معنای کابین و دست پیمان دانسته است.^۲

مهر در لغت به معنی کابین کردن و کابین دادن زن است و آن نقد و جنسی باشد که در وقت نکاح

بر ذمه ی مرد مقرر کنند.^۳

در لسان العرب ذیل ریشه «نحل» از قول کتاب تهذیب اللغه آمده است: در جاهلیت مهریه زنان را به آنها نمی دادند لذا خداوند فرمود: و مهر زنان را به عنوان «نحله» به آنان بپردازید یعنی به عنوان هبه و هدیه ای که از جانب خداوند برای زنان بر عهده ی مردان مقرر شده است، در جاهلیت وقتی کسی می خواست دخترش

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران گنج دانش، ص ۷۰۲

۲- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، ج ۴۶، ذیل واژه مهر

۳- همان، ج ۱۴، ص ۷۰۵

را شوهر بدهد برای خودش (نه برای دختر) مبلغی مقرر می‌کند ... تا اینکه خداوند مهریه را برای زنان مقرر کرد و رسوم جاهلیت را باطل فرمود.^۱

"اصل این لغت، سامی و مشتق از کلمه «موهار» به معنای قیمت و بهای زن است. این کلمه از زبان عبری به عربی منتقل شده و به کلمه «مهر» تغییر یافته است، کلماتی مانند صَدَاق، صَدَاقَه، نَافِجَه، کابین، دست‌پیمان نیز به معنای «مهر» آمده است.

در دایره‌المعارف اسلام برای تعریف مهریه آمده است: «مهر از کلمه عبری موهار و از ریشه سریانی مهرا گرفته شده که به معنای هدیه عروس است. مهریه معانی متفاوتی دارد: از جمله قیمت خرید، مترادف با صدق به معنای محبت و دوستی و هدیه‌ای که به‌طور داوطلبانه از طرف داماد پرداخت می‌شود»^۲

در زبان انگلیسی از معادل‌های Price, Mahr, Dowry of Bride برای مهریه استفاده می‌شود.

۲-۱-۲- مهریه در اصطلاح

"قانون تعریفی از مهر ننموده است ولی از مواد مربوط به مهر معلوم می‌شود مهر عبارت از مالی است که زوج برای نکاح، به زوجه تملیک می‌نماید"^۳

۴- حائری، ایوب. عشرون سئوالات و شبهه حول المراه، ترجمه اسلام ملکی معاف قم، دارالثقلین، ۱۳۷۸: ۸۷.

۱- سایت دایره‌المعارف اسلامی به آدرس:

www.usc.edu: glossary of Islamic terms & concepts: The encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1999

۲- همان منبع

"طبق تعریف دایره المعارف اسلام، مهریه در شرع اسلامی به معنای هدیه‌ای است که داماد باید هنگام عقد ازدواج، پرداخت آن را به عروس متعهد گردد"^۱

"مهریه در اصطلاح عبارت از چیزی است (مال معین یا چیزی که جایگزین مال باشد) که در زمان عقد نکاح از طرف مرد به زن داده می‌شود یا مرد، متعهد به پرداخت آن می‌شود."^۲

فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم اسلامی، مهریه را هدیه‌ای می‌داند که مرد هنگام ازدواج به زن پرداخت می‌کند. این عمل بخشی از قرارداد ازدواج مسلمانان است و تحت هیچ شرایطی برگردانده نمی‌شود.

در کتاب‌های فقهی افزون بر واژه مهریه، واژگان دیگری همانند؛ الصِّدَاق، الصِّدَاق، نَحْلَه، فَرِيضَه، کابین و ... به کار رفته است؛ ولی مهریه رایج‌ترین واژه‌ای است که در روایات و اصطلاحات فقها و میان مردم کاربرد دارد.

وجوب پرداخت مهر به زنان مسأله‌ای است که در بین مردم و در آداب و رسوم ازدواج متداول بوده است. رسم مردم این بوده و هست که پولی یا مالی ارزشمند را به عنوان مهریه به زنان اختصاص می‌دهند، و گویا این پول را عوض بضع (کامجویی) او قرار می‌دهند.^۳

نپرداختن مهریه که ملک خاص زن است در قرآن مجید به نام ظلم و گناه آشکار خوانده شده است و نه تنها مهریه بلکه هر مال دیگر زن را باید اداء کرد. چون بعضی خیال می‌کردند و شاید هم خیال کنند که مهریه

۳. سایت مرکز فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم اسلامی به آدرس: www.usc.edu

۴- طباطبایی، محمدحسین، زن در اسلام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه، ۱۳۸۴: ص ۳۲۹.

۱- طباطبایی، محمدحسین، زن در اسلام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه، ۱۳۸۴: ص ۳۲۹.

یک حق تشریفاتی است که می توان از آن امتناع کرد. خداوند متعال در قرآن کریم با تأکید، هشدار داده است که چنین نیست و مهریه ملک و مال زن است و نپرداختن مهریه یا بازپس گرفتن آن ظلم و گناه آشکار است. " و مهر زنان را بعنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آنرا حلال و گوارا بخورید" (سوره النساء/آیه ۴)

مهریه در اسلام به معنای هدیه ایست که مرد مالک آن باشد و برای شروع یک زندگی از روی محبت به زن اهداء کند.

به نظر شهید مطهری (ره) مهریه پاسخی به نیاز فطری زن و مرد است: "این که گفته اند مرد چیزی را به عنوان صدق قرار دهد، بر اساس همین اصل و ناموس است، یعنی زن باید در مقامی خودش را معرفی کند که بگوید این تو [مرد] هستی که به من نیاز داری و نه من به تو و جنس مرد باید در شکلی ظاهر شود که اوست که باید چیزی به زن نثار کند تا زن در مقابل او آری بگوید. مرد باید به او هدیه ببخشد." قرآن کریم با لطافت و ظرافت بی نظیری می گوید: " و اتوا النساء صدقاتهن نحله" (سوره نساء/آیه ۴) یعنی کابین زنان را که به خود آنها تعلق دارد (نه به پدران یا برادران آنها) و عطیه و پیشکشی است از جانب شما به آنها به خودشان بدهید.

قرآن کریم در این جمله کوتاه به سه نکته اساسی اشاره کرده است. اول اینکه با نام " صدقه " (به)

۲- مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷، ۶۷.

ضم دال) یاد کرده است نه با نام مهر، صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است، بعضی مفسرین مانند صاحب کشف به این نکته تصریح کرده اند .

همچنانکه بنا به گفته ی راغب اصفهانی در مفردات غریب القرآن علت اینکه صدقه (به فتح دال) را صدقه گفته اند این است که نشانه صدق ایمان است.

دیگر اینکه با ملحق کردن ضمیر (هن) به این کلمه می خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر، مهر مزد بزرگ کردن و شیر دادن و نان دادن به او نیست.

سوم اینکه با کلمه " نحلہ " کاملاً تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد. یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقی به مال زن و کار زن ندارد، نه می تواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن، و نه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار ثروتی به او تعلق می گیرد مرد حق دارد که بدون رضای زن در آن ثروت تصرف کند، و از این جهت زن و مرد وضع مساوی دارند.

نحلہ به کسر "ن" در معانی، هدیه، آیین، مذهب و عقیده آمده است. بعضی از فقها نحلہ را همان مهریه می دانند و با استناد به آیه چهارم سوره نساء " و اتواالنساء صدقاتهنّ نحلہ " مهریه را به بخششی از سوی مرد برای زن می دانند.

مهریه‌ی زن، نحله و عطای خداوند است که به او داده شده است و مرد هیچ متنی بر او ندارد، مالی است که خداوند به زن عطا فرموده و بر عهده‌ی مرد قرار داده تا به او بدهد، مگر آنکه با رغبت و میل چیزی از آنرا به مرد ببخشد.^۱

گفتیم که مهریه عطیه‌ی الهی و مال خاص زن است و هیچ کس بی رضای او حق تصرف در آن ندارد، امام صادق (ع) در این باره می فرماید: "پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد مگر مهریه‌ی زن را که اگر به او نداده باشند و کسی را که مزد کارگر خود را خورده باشد و کسی را که آزادی را فروخته باشد."^۲

به مالی که مرد در هنگام وقوع عقد نکاح به زوجه خود می‌پردازد یا مکلف به پرداخت آن می‌شود، مهریه می‌گویند. خداوند در قرآن می فرماید: "زنانی را که از آنها تمتع می‌گیرید واجب است که مهرشان را بدهید" (نساء، ۲۶).

مهر یا مهریه یا صدق، تعهد مالی است که شوهر به هنگام وقوع عقد ازدواج، پرداخت آن را به همسر خود بر عهده می‌گیرد و مکلف است بلافاصله پس از امضای قرارداد ازدواج، هر لحظه که زن مطالبه کند، آن را بپردازد. بر اساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

در قانون مدنی تعریفی از مهر ارائه نشده ولی ماده ۱۰۷۸ ق.م در مورد مهر چنین می‌گوید:

۱- قادری، زهره. مهریه از دیدگاه اسلام. تهران: شمیم یاس. ۱۳۸۲، ص ۱۰.

۱- حر عاملی، محمد ابن الحسن: «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴ ص ۲۶.

"هر چیزی را که مالکیت داشته باشد و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد"

بنابراین اشیای فاقد وصف مذکور، صلاحیت مهر واقع شدن را ندارند و می دانیم که مال دارای ارزش اقتصادی است.

وصف مالیت مذکور در تعریف می تواند حداقل مهر را تعیین کند. هر چند که بسیار اندک باشد ولی حداکثر برای آن منظور نشده و مقدار آن تابع اراده ها یا عرف و اوضاع و احوال است. همین خصوصیت یعنی نداشتن حداکثر ابتلای موجود را رقم زده است.

و ماده ۱۰۸۰ ق.م مقرر می دارد:

تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است.

و طبق ماده ۱۰۸۲ ق.م مقرر می دارد:

به مجرد اینکه زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

بنابراین با توجه به تعاریف ذکر شده و موارد قانونی می توان مهر را اینگونه تعریف کرد:

"مهر عبارت از مقدار مالی است که با توافق زوجین مشخص می شود و به محض وقوع عقد به ملکیت زن درمی آید و مرد به صورت نقد یا تعهد به ذمه ملزم به پرداخت آن می شود.

البته باید توجه داشت که اگر مهر عین معین باشد از لحظه عقد به ملکیت زن درمی آید ولی اگر مهر کلی باشد یعنی مال در ذمه شوهر باشد برای مثال: ۵ سکه طلا باشد مالکیت زن مستقر نمی شود مگر اینکه شوهر مشخص نماید و بگوید این ۵ سکه مهر همسرش می باشد در این صورت مالکیت زن استقرار می یابد."^۱

۱- طباطبایی، محمدحسین، زن در اسلام، همان، ص ۳۳۰

۲-۱-۳- انواع مهریه

با مطالعه مطالب مربوط به مهر در قانون مدنی و منابع فقهی درمی یابیم که انواع مختلفی از مهریه را می توان

مورد نظر قرار داد.^۱

منشأ این تقسیم بندی هیأت آن و حالاتی است که نوع خاصی از مهریه در آنها واجب می شود که هر یک را

به طور مفصل شرح خواهیم داد.

بنابراین در فقه و قانون مدنی مهر بر سه قسم است:

۲-۱-۳-۱- مهر المسمی و شرایط آن

۲-۱-۳-۱-۱- مهر المسمی

"در اصطلاح مهری که در عقد نکاح معین می گردد مهرالمسمی نامند"^۲

مهرالمسمی مقدار مهریه ای است که ضمن عقد نکاح مورد توافق و رضایت عروس و داماد قرار می گیرد و

مرسوم است که زن و شوهر در ضمن عقد درباره میزان نوع مهریه به توافق می رسند و می پذیرند که در

ازدواجشان مهر قرار داده شود. به اینگونه مهریه که در حین انعقاد عقد یا پس از آن به تراضی

(رضایت) زن و مرد معین می شود در اصطلاح حقوق «مهر المسمی» گفته می شود. و تعریف دیگر اینکه

مالی معین است که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن با توافق طرفین یا نمایندگان آنها تعیین می شود. این

مال ممکن است عین باشد، مانند خانه معین، یا منفعت، مانند اجاره بهای خانه معین، یا عمل باشد دارای

ارزش عقلی و شرعی، مانند تعلیم فن، و یا حق مانند دین شخص ثالث.

۲- صفایی، حسین، و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، انتشارات تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۹۵

۳- امامی، سید حسن، حقوق مدنی جلد ۴، تهران، چاپخانه اسلامی، ص ۳۷۸

اگر عین معین باشد باید در زمان عقد ازدواج موجود باشد. مثلاً مهرالمسمی ممکن است یک خانه یا یک باغ موجود معین باشد. بطور کلی هر چه بتواند به ملکیت انسان درآید می تواند بعنوان مهر قرار گیرد. چنانچه ماده ۱۰۷۸ ق.م در این باره می گوید: "هر چیزی را که مالکیت داشته باشد و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد."

۲-۱-۳-۱-۲- شریط مهرالمسمی

الف - مالیت داشته باشد.

مالیت داشتن چیزی عبارت از آن است که در بازار اقتصادی دارای ارزش معاوضه باشد. مانند: زمین، گندم، و امثال آن.

بنابراین پول نقد، زینت آلات، زمین زراعی، حیوان، کالای تجاری و تمام چیزهایی که دارای ارزش اقتصادی است اگر بعنوان مهر قرار گیرد صحیح است. ب- قابل تملک باشد.

یعنی مورد مهر، مالی باشد که زن بتواند آن را مالک شود. در تحریر الوسیله نیز به این مطلب اشاره شده است:

"هر آنچه که مسلمان آن را مالک شود صحیح است آن را مهر قرار دهد خواه عین باشد یا دین یا منفعت عین مملوکی از خانه، یا زمین (مزرعه) یا حیوان باشد و صحیح است که منفعت شخص آزادی مهر قرار داده شود، مانند تعلیم صنعت و مانند آن از هر عمل حلالی."^۱

ج- منفعت عقلایی و مشروع داشته باشد.

۱- موسوی خمینی، سید روح اله (امام خمینی)، تحریر الوسیله، ج ۳، انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۵۲۹

مورد مهر، باید دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد اگرچه این دو شرط از شرایط صحت مهر نباشد ولی با استفاده از مواد ۳۴۸ و ۱۰۷۸ ق.م که مالیت داشتن و قابلیت تملیک را از شرایط مهر شمرده اند می توان نتیجه گرفت که هر چیزی که منفعت عقلایی نداشته باشد و در شرع اسلام دارای قیمت مالی نباشد قابلیت تملیک را نخواهد داشت. بنابراین چیزهایی مانند: مواد مخدر، مشروبات الکلی، آلات لهو، و اشیاء و املاک غصبی که فروش یا استعمال آن از نظر قانونی و شرعی ممنوع شده باشد را نمی توان مهر زن قرار داد.^۱

د- مهر باید معلوم باشد.

ماده ۲۱۶ ق.م می گوید: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.»

ماده فوق در تمام عقود و معاملات جاری می گردد. مهر نیز تابع احکام معاملات است.

ماده ۱۰۷۹ ق.م نیز در این موارد بیان می دارد: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

معلوم بودن مهر به معلوم بودن مقدار و جنس و وصف است. چنانچه ماده ۳۲۴ ق.م مقرر می دارد:

"تعداد و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد..."

معلوم شدن مهر برای طرفین در مورد اعیان: خانه و باغ بوسیله مشاهده است.

اما در مورد چیزهایی که معلوم شدن آنها با مشاهده امکان پذیر نیست مانند: گندم، آهن، زمین و امثال آن باید بوسیله وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت مقدار آن معلوم گردد.

۱- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، همان، ص ۹۵

بنابراین نمی توان مقدار نامعلومی از کالا یا کالاهایی مانند فرش که از جهت اندازه، نوع و جنس متفاوت هستند و در نتیجه ارزش مالی مختلف نیز دارند بعنوان مهر قرار داد و اگر هم مهر مجهول بود یا مالیت نداشت طبق ماده ۱۱۰۰ ق.م موجب بطلان نکاح نخواهد شد. بلکه فقط مهر باطل می شود و مانند زمانی است که مهر ذکر نشده باشد و زن در اینصورت مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ه - قدرت بر تسلیم

شوهر باید قدرت بر تسلیم مورد مهر را داشته باشد در غیر اینصورت زن مهر را بدست نخواهد آورد و در نتیجه مهر صحیح نخواهد بود.

البته در فقه و قانون مدنی در فصل مهریه، اشاره ای به این شرط نشده است ولی ما می توانیم این شرط را از ماده ۳۸۴ ق.م استفاده کنیم، که چنین بیان می دارد:

"بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت یا منفعت عقلایی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن را ندارد باطل است."

دکتر امامی در این زمینه می نویسد:

".... منظور نهایی زن از قرارداد مهر در نکاح بدست آوردن آن است بنابراین چنانچه شوهر مالی را بعنوان مهر به زن تملیک نماید که قدرت بر تسلیم آن را به او ندارد تملیک بلااثر خواهد بود."^۱

۱- امامی، همان منبع، ص ۳۸۱

۲-۱-۳-۱-۲- مقدار مهرالمسمی

تعیین مهریه با تراضی زوجین می باشد و از این حیث در قوانین حقوقی، واحد و میزان مشخصی برای مهرالمسمی لحاظ نشده است.

در مورد مقدار مهر در فقه امامیه دو نظر وجود دارد: نظریه اول این است که مهریه از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد و فقط از جهت کمی آن گفته اند که باید مالیت داشته باشد.

چنانچه در تحریرالوسیله چنین آمده است:

"مهریه از نظر کمی و زیادی به مقدار تقدیر نمی شود (محدودیتی ندارد) بلکه آنچه که زوجین به آن رضایت پیدا می کنند، زیاد باشد یا کم مادامی که به سبب کم بودن از مالیت خارج نشود....."^۱

برخی دیگر از فقهای امامیه معتقدند که مهریه نباید از پانصد درهم معادل پنجاه دینار تجاوز نماید. این مقدار را اصطلاحاً «مهرالسنه» می نامند. که رسول الله (ص) تمامی همسران خود را به این مقدار کابین بست. به نظر این گروه چنانچه مهریه بیش از مهرالسنه باشد به همین مبلغ برگشت خواهد نمود.

برخی از فقها از جمله امام خمینی تعیین مهرالسنه را صرفاً یک عمل استحبابی تلقی نموده و می فرمایند مستحب است که مهر از جهت زیادی بیشتر از مهرالسنه نباشد.^۲

حسین بن خالد گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: چرا «مهرالسنه» پانصد درهم است؟ حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی بر خویشتن واجب فرمود که هر مومنی اگر هرکدام از این ذکرها را صد مرتبه تکرار

۲- امام خمینی، همان منبع، ص ۵۲۹

۱- امام خمینی، همان منبع، ص ۵۲۹

کند : الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، لا اله الا الله و صد مرتبه بر محمد و آل او صلوات بفرستد و بگوید : خداوندا ! حورای بهشتی را همسر من قرار بده ؛ خداوند چنین کند و این اذکار را مهر او قرار دهد . و بدین جهت خداوند عزوجل به پیامبرش وحی فرمود : که مهر زنان مومن پانصد درهم است و رسول خدا (ص) نیز همسران خود را به پانصد درهم مهر فرمودند.

به نظر این گروه چنانچه مهریه بیش از مهرالسنه باشد به همین مبلغ برگشت خواهد نمود.^۱

البته قانون مدنی در ماده ۱۰۸۰ کثرت و قلت مهر را محول به نظر و تراضی زوجین نموده است.

۲-۱-۳-۲- مهرالسنه و مقدار آن به قیمت روز

در فقه امامیه اصطلاحی به نام « مهرالسنه » نیز وجود دارد (چنانچه در مبحث قبل به آن اشاره شد) که مقدار آن از پانصد درهم (معادل پنجاه دینار) تجاوز نمی کند و به علت این که این مبلغ را مهرالسنه می گویند آن است که پیغمبر اکرم (ص) این مقدار را مهر زنان خود قرار داده اند. و برخی نیز گفته اند: مهرالسنه مهری است که پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (س) تعیین کرده است.

البته مهرالسنه از اقسام مهر نمی باشد و شاید بتوان گفت مهرالسنه نوعی مهرالمسمی محسوب می شود ولی سنت پسندیده ای است.

۲- حر عاملی، محمدبن الحسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۵ ص ۱۱۰.

ارزش مالی مهرالسنه و یافتن عامل مناسب برای آن، با توجه به خصوصیات مکانی، زمانی و اوضاع و احوال اقتصادی همواره متغیر خواهد بود. لذا برخی از فقیهان و حقوقدانان معاصر محاسباتی را در جهت بدست آوردن معادلهای مناسب با عصر و زمان حاضر، ارائه داده اند که به نمونه ای از آن اشاره می کنیم:

«... این مهر پانصد درهم بود که معادل است با ۲۶۲/۵ مثقال پول نقره مسکوک به مثقال صیرفی (هر مثقال ۲۴ نخود) که اگر هر مثقال را ۵۰۰ ریال حساب کنیم، به پول امروز بالغ بر ۱۳۱۲۵۰۰ ریال خواهد بود.»

۲-۱-۳-۳- مهرالمثل

اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشود نکاح درست است و طرفین می توانند پس از آن بین خود به صورتی در مورد آن سازش و چیزی را معین کنند و اگر قبل از تراضی نسبت به آن، نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهرالمثل است^۱

در ماده ۱۰۸۷ ق.م نیز در مورد مهرالمثل چنین آمده است:

" اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود مستحق مهرالمثل خواهد بود."

"مهرالمثل، اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشود، نکاح، درست است و طرفین می توانند پس از آن بین خود بصورتی، در مورد آن سازش کنند، و هرچه را خواستند معین نمایند و اگر پیش از تراضی در مورد مهر نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهرالمثل است یعنی مهریه ای مثل مهریه زنان هم‌شان و هم‌دیف او"^۲

۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۵۰

۲- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۷، ۱۳۸۹ ص ۳۷۷

اگر در حین عقد مهر تعیین نشود یا عدم آن شرط گردد یا مهر المسمی باطل گردد و آمیزش هم واقع شده باشد زن مستحق مهرالمثل خواهد شد یعنی مهر مطابق زنان همتای او تعیین خواهد شد. در صورتی که زن و شوهری ضمن عقد در میزان و نوع مهر به توافق نرسند و یا مهري معين کنند که فاقد اوصاف شرعی و قانونی باشد، در صورت انحلال نکاح، قانون مدنی زن را مستحق مهرالمثل می داند. برای تعیین مهر المثل باید وضعیت زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات از جمله وضعیت فردی و تحصیلات وی نسبت به کسانی که از نظر اجتماعی هم شان او هستند در نظر گرفته شود.

و به عبارت دیگر ملاحظه حال زن و صفات او از سن، بکار، نجابت، و عفت و عقل و ادب و شرف و جمال و کمال و اзда اینها است بلکه هرچه که عرفاً و عادتاً در بالا بردن و نقصان مؤثر است، ملاحظه میشود

۲-۱-۳-۱-۳-۱-۲- موارد تعلق مهرالمثل

برطبق قانون مدنی زن در موارد زیر مستحق مهرالمثل می شود:

الف - در صورتی که در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، پس از وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل خواهد بود. (ماده ۱۰۸۷ ق.م.)

در صورتی که تراضی طرفین درباره مهرالمسمی به جهتی باطل باشد مانند، موردی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد که در مورد اخیر، مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود. (ماده ۱۱۰۰ ق.م.)

ب- در موردی که نکاح باطل است ولی زن از بطلان آن اطلاع ندارد در صورت وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است. (ماده ۱۰۹۹ ق.م.)

۲-۱-۳-۴- مهرالمتعه

قبل از هر چیز لازم به نظر می رسد که معنی متعه مشخص شود زیرا متعه در معانی دیگری نیز بکار رفته است.

متعه در اصطلاح دارای سه معنی می باشد:

۱) ازدواج موقت یا نکاح منقطع:

که در برابر مهریه کم و برای مدت معینی صورت می گیرد و پس از پایان آن مدت خودبخود فسخ می گردد.
الف-متعه حج:

در حج تمتع که پس از عمره از احرام بیرون آیند و آنچه به احرام حرام شده بود، حق بهره گیری و تمتع از زن حرام می شود.

ب-متعه طلاق

هرگاه مرد قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد، جامه ای یا هر چیز دیگری بعنوان هدیه به او بدهد، متعه طلاق یا مهرالمتعه نامیده می شود. معنی اخیر، (مهرالمتعه) موردنظر می باشد^۱

۱-۳-۴-۱- مهرالمتعه و وجوه افتراق و اشتراک آن با مهرالمثل

هرگاه مقدار مهر هنگام عقد ذکر نشده باشد یا زوجین بر عدم آن توافق کرده باشند و شوهر بخواهد قبل از وقوع نزدیکی زن خود را طلاق دهد در این صورت زن استحقاق مهرالمتعه را خواهد داشت. (با استفاده از ماده ۱۰۹۳ ق.م)

تفاوتها و شباهتهای مهرالمتعه و مهرالمثل

۱- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، ص ۷۰

مهرالتمتع با مهرالمثل تفاوتها و شباهت هایی دارد که به ذکر آن می پردازیم:

الف- در تعیین آن برخلاف مهرالمثل، وضع مالی و توان اقتصادی مرد ملاک می باشد. برای تعیین مهرالتمتع دیگر شایستگی موقعیت خانوادگی، اجتماعی و ... زن موردنظر نیست. بلکه اسطاعت مالی مرد لحاظ می گردد چنانچه ماده ۱۰۹۴ ق.م می گوید: " برای تعیین مهرالتمتع حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود که مرد به تناسب مال و ثروت خود مالی به زن می دهد."

ب- قبلاً ذکر کردیم که مهرالمثل در مواردی داده می شود که نزدیکی واقع شده باشد ولی مهرالتمتع اختصاص به نکاحی دارد که قبل از وقوع نزدیکی طلاق انجام شود. (با توجه به ماده ۱۰۹۳ ق.م).

ج- استحقاق زن در گرفتن مهرالمثل بعد از نزدیکی ایجاد شود، خواه زوجیت ادامه یابد، یا در اثر طلاق یا فوت یا نسخ، نکاح منحل شود، ولی مهرالتمتع در صورتی به زن داده می شود که پیش از نزدیکی، مرد، زن خود را طلاق دهد، پس اگر در اثر فوت یکی از زوجین یا درخواست طلاق از طرفین زن، نکاح از بین برود، زن حق مطالبه مهرالتمتع را ندارد.

مهرالمثل و مهرالتمتع از جهتی شباهت دارند و آن این است که هر دو در موردی معین می شوند که یا در ضمن عقد ذکری از مهر نشده و یا توافقی در این جهت حاصل نگردیده است و یا عدم مهر شرط شده باشد.^۱

۲-۴-۲- مالکیت زن بر مهر

به مجرد انشاء عقد نکاح، زوجه مالک تمامی مهر می باشد.

۱- یوسف زاده، حسن، پایش جامعه شناختی مهریه، کتاب زنان، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۴، ص ۵۰

اگر مهر، عین معین باشد به مجرد تحقق نکاح، آن عین به مالکیت زن در می آید و او حق هرگونه انتفاع و تصرف مالکانه همچون فروش و اجاره آن را خواهد داشت. اگر مهر عین کلی باشد مانند مقداری پول یا طلا به محض وقوع عقد شوهر موظف به ادای آن خواهد بود و زن می تواند آنرا مطالبه کند. مگر اینکه مدت زمان خاص یا اقساطی جهت تأییدیه آن منظور شده باشد.

قانون مدنی در ماده ۱۰۸۲ تصریح می نماید که زن به مجرد عقد مالک مهر می گردد و این مالکیت زن نسبت به مهر را به صورت مطلق قرار داده است. یعنی زن می تواند هرگونه تصرفی در آن نماید. این مالکیت نسبت به نصف مهر به مجرد عقد منجز و نسبت به نصف دیگر تا قبل از وقوع نزدیکی متزلزل است.

در تحریرالوسیله در این مورد اینچنین بیان شده است:

" و مالکیت تمام آن با وقوع نزدیکی مستقر می شود."^{۱۱}

بنابراین اگر شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد و عین مهر مالکیت زن موجود باشد نصف مهر به شوهر برمی گردد. در غیر اینصورت ملزم به دادن بدل آن از مثل یا قیمت آن خواهد شد و اگر هنوز مهر پرداخت نشد، فقط نیمی از آن را استحقاق خواهد داشت.

۲-۱-۴- عوامل استقرار مهر

سبب مالکیت مهر عقد است ولی تمام آن در مالکیت زن مستقر نمی گردد و نیمی از مهر ملک متزلزل زن می باشد که بر اثر عوامل ذیل استقرار می یابد:

الف - نزدیکی: مهر به سبب زناشوئی استقرار می یابد و فقها اجماع دارند که وقوع نزدیکی از عوامل استقرار مهر می باشد.

۲- موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، تحریرالوسیله، موسسه نشر اسلامی، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۴۸۷

در تحریر الوسیله مطلق و طی عامل استقرار مهر بیان شده است.

" ادخول الذی یستقر به تمام المهر هوالمطلق الوط، ولودبراً..."^۱

ب- فوت زوج یا زوجه: چنانچه یکی از زوج یا زوجه بمیرند و نزدیکی هم واقع نشده باشد تمامی مهرالمسمی به نفع زوجه مستقر می شود.

در تحریر الوسیله تصریح شده است که:

"اگر یکی از زوجین قبل از نزدیکی بمیرد اقوی آن است که همانند مورد طلاق، مهر ضعیف می گردد خصوصاً موردی که زن فوت کرده باشد."^۲

ج- ارتداد زوج: اگر زوج قبل از وقوع نزدیکی مرتد شود و زوجه باید بلافاصله از او جدا شود در این صورت تمامی مهر به نفع زوجه مستقر می شود. ولی اگر قبل از وقوع نزدیکی زوجه مرتد شود چیزی برای او نیست.

در قانون مدنی هرچند حکم دو مورد اخیر به صراحت بیان نشده است ولی ماده ۱۰۸۲ بیان می دارد که زن به مجرد عقد مالک تمامی مهر می گردد و ماده ۱۰۹۲ بیان می دارد که تنها طلاق قبل از نزدیکی باعث تضعیف مهر می شود.

د- ابراء از مهر:

اگر زن ذمه شوهر را از مهر ابراء نماید و مرد نیز قبل از وقوع نزدیکی طلاقش دهد باید زن نصف مهر را به مرد بدهد زیرا ابراء بمنزله قبض است.

^۱- همان منبع، ص ۴۸۹

^۲ همان منبع، ص ۴۸۹

بنابراین هرگاه زوجه قبل از طلاق ذمه زوج را بکلی بری نموده باشد پس از وقوع طلاق زوج می تواند نیمی از مهر را مطالبه کند هرچند که چیزی نپرداخته است.

توجیه این مسئله روشن است زیرا زوجه هنگام ابراء مالک تمامی مهر بوده و آن را به یکجا به زوج واگذار کرده. و طلاق موجب جدیدی است برای مالکیت زوج نسبت به نصف مهر.

۲-۱-۴-۱- دلایل و مستندات پرداخت مهریه

۲-۱-۴-۱- آیات

قرآن کریم در آیاتی به تشریح ابعاد مختلف مهر و تعیین آن وجوب مهر پرداخته است ولی لفظ مهر در آن ذکر نشده است و با تعبیر متعددی چون: صدق، متاع، فریضه، اجر، نحله این حق مالی را معرفی کرده است. فقها و مفسران اندیشه‌های متعددی در تبیین مهر و وجوب آن ذکر نموده‌اند که به بیان چند مورد از آنها می پردازیم:

آیه اول: خداوند متعال در سوره نساء آیه ۴ می فرماید: " وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا". «مهرهای زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند آن را نوش و گوارا مصرف کنید».

با توجه به اینکه در عصر جاهلیت برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیاء او قرار می دادند، و آن را ملک مسلم اولیاء زن می دانستند. گاهی نیز مهر زن را در ازدواج دیگری قرار می دادند، به گونه ای که مثلاً برادری خواهر خود را به ازدواج شخص دیگری درمی آورد تا او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج او درآورد و مهر این دو زن همین بود، این نوع نکاح را شغار می نامیدند. اسلام این رسم را منسوخ کرد، پیغمبر اکرم فرمود «لاشغار فی الاسلام» یعنی در اسلام معاوضه دختر یا خواهر

ممنوع است اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید و مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد. قرآن نیز با تاکید فراوان مردان را به رعایت این حق توصیه نموده است

واژه‌های صدق و نحلّه از این آیه اتخاذ گردیده که ظاهراً صریح‌ترین آیه در خصوص مهر می‌باشد. اضافه شدن لفظ (صدقات) به ضمیر «هن» نشان می‌دهد که حکم به وجوب پرداخت مهر در سنن ازدواج امری متعادل بین مردم بوده است. آنها مقداری از مال یا هر شیء دارای مالیت را برای همسران خود مهر قرار می‌دادند^۱.

این مهر چیزی شبیه عوض برای بضع است آنگونه که در معامله عوض در مقابل معوض قرار می‌گیرد. طالب ازدواج طبق آنچه در میان مردم متداول است مرد است بنابراین مهر را نیز او می‌پردازد. زیرا که خریدار به همراه عوض برای خریدن کالا به فروشنده مراجعه می‌کند در هر صورت مستفاد از آیه شریفه: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً». تأیید این سنت رایج در میان مردم است.

از این آیه به خوبی بر می‌آید که مهریه هدیه است و اصلاً به عنوان قیمت زن یا ارزش برای او به حساب نمی‌آید. در حقیقت این آیه به ما می‌فهماند که مهریه هدیه ای است از طرف مرد به همسرش، از آن جهت که او، خواستگاریش را پذیرفته و این امکان را داده که در کنار او به آرامش برسد. مرد خواستگار است و زن خواسته شده، و این می‌طلبد که مرد به گونه ای محبت خود را به زن نشان دهد و مهریه نشانه و سمبلی از این محبت است. ناگفته پیداست که در هدیه، میزان و ارزش مادی آن خیلی تأثیر ندارد. مهم این است که هدیه به گونه ای باشد که محبت و علاقه ی مرد به زن را نشان دهد. پس در ازدواج نه دختر به مرد فروخته می‌شود و نه مهریه تعیین کننده ی قیمت زن و خانواده اوست.

۱- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۲، ص ۴۲

آیه دوم: خداوند در سوره نساء آیه ۲۴ می‌فرماید: "..... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...".

«... از زنان که استمتاع می‌برید اجر آنان را پرداخت نمایید...»

شهید مطهری به نقل از طبرسی می‌نویسد: "... خداوند استمتاع را میان زن و مرد مشترک قرار داد و سپس در

مقابل استمتاع مهر را به مرد واجب نمود و براین اساس مهر صرفاً یک عطیه الهی است"^۱

قرآن کریم مهر را ابداع و اختراع نکرد، بلکه کاری که قرآن کریم کرد، این بود که مهر را به حالت فطری آن

برگردانید.

قرآن کریم با لطافت و ظرافت بی‌نظیری می‌گوید: "وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً..." (نساء، ۴) یعنی کابین زنان

را که به خود آنها تعلق دارد و عطیه و پیش‌کشی است از جانب شما به خودشان بدهید. قرآن کریم در این

جمله‌ی کوتاه به سه نکته‌ی اساسی اشاره کرده است: اولاً با نام «صَدَقَةٌ» یاد کرده است نه با نام «مهر».

صدقه از ماده‌ی صدق است و بدان جهت به مهر صداق یا صدقه گفته می‌شود که نشانه‌ی راستین بودن

علاقه‌ی مرد است و دیگر اینکه با ملحق کردن ضمیر "هُنَّ" به این کلمه می‌خواهد بگوید که مهریه به خود

زن تعلق دارد نه به پدر و مادر او؛ مهر مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست. سوم اینکه با کلمه

ی «نحله» کاملاً تصریح می‌کند که مهر هیچ‌عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیش‌کشی و عطیه و هدیه ندارد.

آیه سوم: سوره بقره آیه ۲۳۷

۲- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. ج ۱۹. قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷.

خداوند متعال می فرماید: وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ

و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان دادید در حالی که برای آنان مهری معین کرده اید پس نصف آن چه تعیین نموده اید، به آنان بدهید، مگر اینکه آنان خود بخشند یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد. (بقره: ۲۳۷)

در سرگذشت حضرت موسی(ع) و حضرت شعیب(ع)، در قرآن آمده: هنگامی که موسی(ع) به خاطر حفظ جان خود از خطر فرعونیان از مصر بیرون آمد و به سوی مدین حرکت کرد، در بیرون شهر مدین دید چوپانان کنار چاهی توقف کرده اند و به نوبت، از چاه برای گوسفندان خود آب بیرون می کشند، دید در کنار آنها دو بانوی با حجاب ایستاده اند و آنها نیز منتظر نوبت خود هستند تا به چاه نزدیک شوند و آب برای گوسفندان خود از چاه بکشند. موسی(ع) نزد آنها رفت و آنان را کمک کرد و آب از چاه کشید و گوسفندان آنها را آب داد... آن دو دختر، دختران شعیب پیغمبر(ع) بودند، چون شعیب پسر نداشت، دخترانش عهده دار چوپانی گوسفندان شده بودند. سپس دختران شعیب(ع) نزد پدر رفتند و جریان را گفتند، شعیب(ع) یکی از آن دخترها را برای دعوت موسی(ع) به خانه اش فرستاد، موسی(ع) آن دعوت را پذیرفت و به خانه شعیب(ع) آمد. شعیب(ع) به شخصیت معنوی موسی(ع) پی برد و علاقمند شد که او را داماد خود نماید، از این رو به موسی(ع) گفت: "انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک و ما ارید ان اشق علیک ستجدنی ان شاءالله من الصالحین" من می خواهم یکی از این دو دخترم (صافورا و لعیا) را به همسری تو درآورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و

اگر ده سال کار کنی، محبتی از ناحیه تو است من نمی خواهم کار سنگینی بر دوشت بگذارم و انشاءالله مرا از افراد صالح خواهی یافت (قصص، آیه ۲۷). (موسی (ع) پیشنهاد شعیب (ع) را پذیرفت).

از این آیه چند مطلب استفاده می شود:

الف - مهریه در قرن های قبل از اسلام نیز بوده است.

ب - خواستگاری از ناحیه دختر نیز بوده چنان که شعیب (ع) از جانب دخترش از موسی (ع) خواستگاری کرد، بنابراین پیشنهاد خواستگاری از جانب دختر و کسان او، عیب نیست.

ج - رواست که مهریه به صورت کار درآید نه پول.

د - لازم نیست که مهریه یکجا پرداخته شود، بلکه با رضایت زن، در ذمه شوهر باشد کافی است. ولی در اینجا این دو سؤال پیش می آید:

الف - چرا حضرت موسی (ع) برای دخترش مهریه سنگین قرار داده است؟ و قرآن این سرگذشت را نقل می کند تا برای مسلمانان درس آموزنده باشد و اگر درس منفی بود، قرآن آن را نقل نمی کرد و یا به عنوان انتقاد نقل می کرد.

ب - با این که مهریه مال دختر است، چرا در سرگذشت فوق، به عنوان هشت سال کار برای پدر شعیب (ع) قرار داده شده، مگر دختر کالا است که آن را بفروشند. پاسخ: در مورد سؤال اولی، باید توجه داشت که این ازدواج یک ازدواج معمولی نبود، بلکه مقدمه ای بود تا موسی (ع) در کنار پیر مدین، شعیب پیغمبر (ع) بماند و با کسب علم و معرفت در مکتب شعیب (ع) در سالیان دراز به مقام ارجمندی از علم و کمال نائل آید. وانگهی درست است که موسی (ع) در این مدت طولانی برای شعیب (ع) کار می کرد، ولی شعیب نیز تمام زندگی او و همسرش را تأمین می نمود و اگر هزینه زندگی موسی و همسرش را از مزد کار موسی (ع) کم

کنیم، مبلغ زیادی باقی نخواهد ماند، نتیجتاً مهریه ساده و سبکی خواهد شد، بنابراین مهریه سنگین، مقدمه ای برای تکامل موسی(ع) در مکتب شعیب بوده و زندگی مادی و معنوی موسی(ع) را تأمین می کرده است. این که شعیب به موسی(ع) گفت "و ما اريد ان اشق عليك.. من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم و انشاءالله مرا از صالحان خواهی یافت" بیانگر همین مطلب است که منظور سختگیری نبوده، بلکه صلاح و کمال موسی(ع) هدف بوده است. در مورد سؤال دوم: قرارداد شعیب(ع) با موسی(ع) به عنوان وساطت و وکالت از جانب دخترش بوده و با رضایت او انجام گرفته، با توجه به این که (چنان که گفتیم) محصول کار موسی(ع) صرف هزینه زندگی موسی(ع) و همسرش می شده است. نکته آخر این که با توجه به این که به اراده خداوند رسالت سنگینی در آینده به عهده حضرت موسی(ع) گذاشته می شود و آن رویارویی با فرعون و نیز داشتن قومی لجوج و بهانه گیر چون قوم بنی اسرائیل بوده است از این رو طبق مشیت الهی لازم بود مدتی به کار شبانی بپردازد تا آمادگی لازم را برای هدایت مردم و نیز روبرو شدن با مشکلات و سختی ها را پیدا نماید. از این رو این مدت شبانی نسبتاً طولانی علاوه بر این که از حضرت شعیب(ع) در جهت علم و کمال بهره می برد و علاوه بر این که تمام زندگی او و همسرش توسط حضرت شعیب(ع) اداره و تأمین می شد، فرصتی مغتنم برای حضرت موسی(ع) بود تا آمادگی لازم را برای رسالت آینده خویش به دست آورد.

۲-۱-۴-۱-۲- روایات

۱-روایت و شاء از امام رضا علیه السلام: "لو أن رجلاً تزوج إمرأه و جعل مهرها عشرين ألفاً و جعل لابیها عشرة آلافِ كان المهرُ جائزاً والذی جعل لابیها فاسداً- اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهر او را بیست هزار

درهم قرار دهد و برای پدرش نیز ده هزار درهم قرار بدهد مهر جائز است و آنچه که برای پدرش قرار داده باطل است".^۱

این روایت صحیح از یک سو هم دلالت بر صحت مهریه متجاوز از مهر السنه می کند و هم اینکه مهریه را مختص دختر دانسته و انصراف آن به غیر را باطل می داند.

۲- ابی الصباح از امام صادق علیه السلام، سألته عن المهر ما هو؟ قال: ما تراضی علیه الناس - از امام پرسیدم مهر چیست؟ فرمود: آنچه که مردم بر آن تراضی می کنند.^۲

۳- زراره از امام باقر علیه السلام: "الصداق كل شيء تراضی علیه الناس" قلّ او کثر متعه او تزویج غیر متعه - مهر هر چیزی است که مردم بر آن تراضی می کنند چه کم چه زیاد در متعه باشد یا در ازدواج غیر متعه".^۳

۴- عن ابی عبدالله (ع) فی المرثه تهب نفسها الرجل ینحکها بغیر مهر: فقال: "انما کان هذا النبی (ص) و اما غیره فلا یصلح هذا حتی یعوضها شیئاً یقدم الیها ان یدخل بما قل او کثر و لو توب او درهم و قال: یجزی الدرهم". امام صادق (ع) درباره زنی که بدون مطالبه مهر به نکاح با مردی راضی شده باشد فرمود: ازدواج بدون مهر از اختصاصات پیامبر اکرم (ص) است و برای دیگران چنین امری جایز نیست مگر آنکه چیزی کم یا زیاد هر چند جامه یا درهمی باشد قبل از زناشویی به همسر خویش بپردازد و در ادامه فرمود: برای مهر پرداخت یک درهم نیز کفایت می کند.

۱- صفایی، همان، ص ۸۷

۲- حر العاملی، همان منبع، ص ۲۳۸

۳- حر عاملی، همان منبع، ص ۸۲۱

۵- قال رسول الله (ص): "ان الله ليغفر كل ذنب يوم القيامة الامهر امرئه..."

پیامبر اسلام (ص) فرمود: خداوند هرگناهی را در روز قیامت می بخشد مگر گناه عدم پرداخت مهر زن.

۶- عن ابی عبدالله (ع): "فی الرجل یتزوج المرثه و لا یجعل فی نفسه ان یعطها مهرها فهوزنا."

امام صادق (ع) فرمودند: "مردی که زنی را به نکاح خویش درآورد و قصد عدم پرداخت مهر را داشته باشد زنا کرده است."

۷- قال ابو عبدالله: "اسراق ثلاثة: مانع الزکوه مستحل مهمور النساء و کذلک فی استدان دینا و لم ینوقضاءه."

امام صادق (ع) فرمودند: دزدان سه گروهند: آنان که از دادن زکات امتناع می ورزند و کسانی که مهر زنان را به خود حلال می کنند و افرادی که قرض می گیرند اما نیت ادای آن را ندارند."

۸- تعریف مهر از نظر امام صادق (ع) "ابن صباح از امام صادق (ع) پرسید که مهر چیست؟ حضرت فرمودند

: « هر چیزی که مردم به پرداخت آن توافق کنند ».

عنه صلی الله علیه و آله و سلم:

"خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ"^۱.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: "بهترین مهریه، سبکترین آن است."

کم مهریه بودن زن چه مزیتی دارد؟

رسولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم:

"أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَهِهَا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا."

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

۱- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه. قم: دارالحديث، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۶

"بهترین زنان امت من ، خوبترین و کم مهریه‌ترین آنان هستند^۱ ."

۹- حضرت امام صادق(ع)

"خوبی زن آن است که مهرش کم باشد و شومی زن آن است که مهرش گران باشد"^۲.

۲-۱-۴-۲- کارکردها و حکمت‌های مهریه

مهریه چند فلسفه و حکمت دارد

الف - احترام و تکریم زن

به این ترتیب که او مطلوب است نه طالب، کسی است که مرد به دنبالش می رود، نه او به دلیل مرد، پس مرد در طلب اوست و به او عطا می کند. برعکس ملت هایی که زن در آن مکلف است از ثروت خود یا خانواده اش به مرد مبلغی بدهد، تا ازدواج او را بپذیرد.

مهر مبین ارج و احترامی است که مرد برای همسر خود قائل است و اگر چه احترام منظور در جمع با اجباری بودن مهر و نیز نحله اجباری موضوع تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات طلاق ، محل تامل است . لکن ، مقدار آن چیزی جدای از نفس اجباری آن است .

این رسم و قاعده در بین هندوها و برخی دیگر از طوایف رایج است. هنوز میان مسلمانان هند و پاکستان این آثار جاهلی هندویی دوام دارد، بر دوش زن و خانواده او تکلیف سنگینی گذاشته می شود و آنان را به سختی می اندازد، تا آنجا که بعضی خانواده ها به خاطر ازدواج دختران شان تمام دارایی خود را به فروش می رسانند.

۲- محمدی ری شهری، همان منبع ، ص ۲۵۵

۳- www.mehreah.blogfa.com

ب- اظهار رغبت و مودت شوهر نسبت به زن.

مرد این مال را به عنوان (نخله) یعنی عطا، هدیه و هبه به زن پرداخت می کند نه به عنوان قیمت و بهای زن، همانگونه که قرآن کریم به صراحت می فرماید:

" وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا " (نساء: آیه ۴)

و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید.

ج- جبران کمتر بردن ارث

باعنایت به این که ارث زن نسبت به مرد کمتر است مهر ضمن جبران نسبی آن به نوعی خصوصیت تعدیل و نیز توزیع ثروت را نیز به همراه دارد، چون ثروت را از خانواده ای به خانواده دیگر حرکت می دهد .

برای درک بهتر این نظر ، باید توجه داشت که دختر از پدر خود نسبت به برادرانش ارث کمتری دریافت می کند، ولی مهر را شوهر می پردازد که نمی توان مسئولیت پدر را بر شوهر و تحمیل کرد ولی زن و شوهر نیز در ارث به نسبت یک و دو از هم ارث می برند و چون ماترک را دارایی لحظه فوت تشکیل می دهد صرف نظر از این که به هنگام انعقاد نکاح وارث و مورث معلوم نیست دارایی ها نیز مجهول هستند و ابهامات زیاد محاط به تاسیس یاد شده مانع اظهار نظر قطعی است مگر این که ملاک مصلحت نوعی باشد نه مصلحت شخصی که باز هم با احترامی که اسلام برای مالکیت قائل است باید تامل کرد . البته در پذیرش تعبدی آن خدشه ای نیست . به علاوه محدودیت های ناشی از نکاح نیز به زن بیشتر تحمیل می شود ولی باید به این

نکته نیز توجه داشت که در خانواده، حسب مقررات، کلیه هزینه ها به عهده مرد و زن به کلی فارغ از آن است.^۱

د- احساس و باور به جدیت موضوع

ازدواج ابزار خوشگذرانی و سهل انگاری نیست که مردان به وسیله آن لذت جویی کنند، و با گفتن: با تو ازدواج کردم) خود را به زن پیوند دهد تا هر زمان که خواست به راحتی او را ترک کند و در پی زنی دیگر باشد و هر چه به زن اول گفته، عیناً به زن دومی، سومی و... بگوید.

عطای مال دلیلی بر این است که مرد در خواستن و طلب این زن جدی و قصد او دائمی است. وقتی که پرداخت مبلغی مال از جانب مردم در مسایل غیر ازدواج و زندگی خانوادگی رسم است و سبب اطمینان و خاطر جمعی می شود، همچنین به عنوان وثیقه دلیل بر جدیت موضوع تلقی می گردد، پرداخت همان مبلغ در مورد تشکیل خانواده به مراتب شایسته تر و سزواتر است.

به همین خاطر است که در اسلام مردانی که ازدواج کرده اند، اما قبل از عروسی و معاشرت جنسی با همسر، او را طلاق داده اند با تعهدی سنگین مواجه می شوند، پرداخت نصف مهریه بر مرد واجب است این خود دلیل روشنی است که اصل و مبنای ازدواج بر استمتاع و لذت یابی نیست، هیچ گونه استمتاعی روی نداده اما مرد مکلف به پرداخت نصف مهریه است.

خداوند متعال می فرماید:

۱- طباطبایی، محمدحسین، زن در اسلام، همان، ص ۳۳۳

"وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ"

و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان دادید در حالی که برای آنان مهری معین کرده اید پس نصف آن چه تعیین نموده اید، به آنان بدهید، مگر اینکه آنان خود بخشند یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد. (بقره: ۲۳۷)

ه- قوام و پایداری خانواده به دست مرد است

به دلیل اینکه توان فطری مرد، در کسب و کار به طور طبیعی بیشتر از زن است و در زندگی مشترک مرد با قدرت بیشتری آن را اراده می کند، بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده غرامت بپردازد، تا هرکس با کوچکترین دلیلی پیوند خانواده و همسررداری را به ملعبه و بازیچه نگیرد، و وقتی که مرد در ساختار خانواده وسیله پرداخت غرامت می شود، در صورتی که عقد ازدواج را متلاشی کند به ضرر خودش است.^۱

خداوند متعال می فرماید:

"الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ"

مردان سرپرست زنان اند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل اینکه از اموالشان خرج می کنند. (سوره نساء: آیه ۳۴)

پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر بکار رفته است.

^۱ صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم، ص ۴۰

ممکن است کسی اصل تشریح مهر را زیر سؤال برده و بگوید: زن و مرد از لحاظ جنسی به یکدیگر نیاز دارند و از همین طریق بسوی همدیگر جذب می شوند و ازدواج می کنند مهر دیگر چه معنا دارد؟ با تشریح مهر، زن تحقیر شده و تا سرحد یک کالای مورد معامله تنزیل یافته است مرد بوسیله مهر، زن را مانند یک برده در تملک خود درمی آورد.

در پاسخ اجمالاً گفته می شود که: در اسلام نه زن کالا و برده محسوب شده و نه مهر ثمن معامله. بلکه مهر عطیه و هدیه ای است از جانب مرد که به همسرش تقدیم می کند تا او را گرامی بدارد و مراتب علاقه اش را اظهار بدارد. در توضیح مطلب و تشریح فلسفه تشریح صداق (مهریه) به دو نکته مهم اشاره می شود:

نکته اول:

با این که زن و مرد از لحاظ غریزه جنسی به یکدیگر نیاز دارند و طبعاً خواستار یکدیگر هستند ولی هر یک از آنان ویژگی هایی دارند. یکی از ویژگیهای زن لطافت و زیبایی اوست و از همین طریق برای مرد جاذبه دارد مهمترین عامل نفوذ زن زیبایی اوست و مرد نسبت به آن عنایت خاصی دارد. زن با الهام از فطرت این موضوع را دریافته و به همین جهت به آرایش می پردازد تا خویشتن را زیباتر جلوه دهد و بیشتر در دل مرد نفوذ کند. دومین ویژگی زن این است که: با این که از غریزه جنسی برخوردار است و باطناً خواستار مرد است ولی در کتمان خواستار غریزه خود از مرد مقاومتر است خود را بی نیاز نشان می دهد و به خواستگاری مرد نمی رود او ترجیح می دهد در دل مرد نفوذ کند و او را شیفته خود سازد و به خواستگاری از خود وادار نماید. بنابراین زن بیش از هر چیز خواستار تسخیر دل مرد و عشق و دلباختگی اوست اما مرد در برابر نیروی جنسی ناتوان است و نمی تواند خواسته دورنی خود را کتمان کند به همین جهت به خواستگاری زن می رود. پول خرجش می کند، برایش هدیه می برد. مجلس جشن عقد و عروسی برپا می سازد، قرارداد مهر

نیز یکی از همین وسایل است. مرد برای اثبات علاقه باطنی خود و برای گرامی داشت همسرش و بدست آوردن دل او چیزی را بعنوان مهریه به او تقدیم می دارد.

نکته دوم:

قرارداد صداق به زن آرامش و اطمینان نسبی می دهد تا بتواند وظایفی را که آفرینش برعهده اش نهاده انجام دهد. گرچه زن و مرد به هنگام ازدواج با هم پیمان می بندند که نسبت به یکدیگر وفادار باشند و در پرورش و نگهداری فرزندان همکاری نمایند. ولی موارد اخلاقی نیز مشاهده می شود که مرد به وظیفه خود عمل نمی کند و از تأمین هزینه زندگی و پرورش فرزندان خودداری می نماید. در صورتی که طبیعت مسئولیتهای ویژه ای را بر عهده زن نهاده که می تواند از انجام آنها شانه خالی کند. زن باید بارداری و زایمان را تحمل کند درحالی که مرد طبعاً از این مسئولیت آزاد است. گرچه از لحاظ شرعی و قانونی و اخلاقی در برابر همسر و فرزندش مسئولیت دارد ولی چون طبیعت چیزی را برعهده اش نگذاشته می تواند زن را با فرزندگی که در شکم دارد رها سازد. البته اکثر مردان چنین نیستند ولی بهرحال امکان وجود آن هست و نمونه هایی از آنان دیده شده است.^۱

اما زن از چنین آزادی برخوردار نیست ناچار است دوران دشوار بارداری، زایمان و نقاهت ناشی از آن را تحمل کند بعد از زایمان نیز نمی تواند نوزاد ضعیف خود را رها سازد. از او نگهداری می کند در این مدت به هزینه زندگی و مسکن و خوراک و پوشاک نیاز دارد و چنین فرضی زن چه کار می کند؟ بانوان طبعاً از چنین احتمالی نگرانند.

۱- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، همان، ص ۴۵.

شاید یکی از علل تشریح مهر تأمین آرامش و امنیت نسبی برای بانوان در مورد چنین احتمالاتی است اگر صداق ملک است یا پول نقد زن آن را می گیرد و برای چنین مواقع احتمالی نگهداری می کند و اگر نسبه است باز هم می توان آن را مطالبه کند.

کوتاه سخن اینکه: مهر را می توان بعنوان وسیله دلگرمی زن و پشتوانه ای برای ازدواج معرفی نمود.

۲-۱-۴-۳- اهمیت مهر از نظر اسلام

در سنت اسلامی زن نمی تواند از پذیرش مهر ولو به مقداری ناچیز سرباز زند و نیز این مهر همچون حق الزحمه مادر، شیربهای زن، مزد خدمات پدر یا مادر نیست که آنها بتوانند آنرا ببخشند و از پذیرش آن خودداری کنند. در اسلام مسئله مهر و پرداخت آن تا آن درجه اهمیت دارد که اگر شوهر زنی کافر باشد و مهر زنش را نپردازد دولت اسلامی او را موظف به پرداخت آن می کند و در صورت عدم قدرت از بیت المال به او می پردازد.^۱

در اسلام توصیه شده است که شوهر پس از انعقاد پیمان زناشویی متعهد به پرداخت مهر به زن بوده و اوج ندارد از پرداخت آن سرباز زند. و یا زن را در فشار گذارد تا او ناگزیر شود بخشی و یا تمام آنچه را که از مرد گرفته به او برگرداند در سخنی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که خداوند ممکن است هر گناهی را ببخشد و از آن در گذرد ولی از مهر زن نمی گذرد و در روایات دیگر عمل مرد را در فریب زن برای واداشتن او به بخشیدن مهر و بی توجهی و بی اعتمادی به او، او را مورد جزا و عقوبت الهی قرار می دهد.^۲

۲- همان منبع، ص ۵۰.

۱- محمد تقی مصباح یزدی، جزوه حقوق و سیاست در قرآن، درس ۲۱۱.

۲-۱-۴-۴- آثار روانی مهر

مهر وسیله ای است برای بالابردن حیثیت زن، موجبی برای دلگرمی او در اداره کانون خانوادگی و زمینه ای برای تأمین آسایش فکری است.

در حقیقت وسیله ای برای مطمئن ساختن زن به صفای قلبی خویش و پاسخی مثبت و صمیمانه به پیشنهاد عشق اوست. مرد با اعطای چنین هدیه ای می خواهد به زن بگوید تو را دوست می دارم، به عشق ورزی تو احترام می گذارم، صفای تو را ارج می نهم، با خاطره ای آسوده سرگرم زندگی باش. کانون خانوادگی را گرم و با صفا نگه دار، به تربیت صحیح نسل و تحویل آن به جامعه اقدام کن. بدین نظر او نیازمند به امنیت فکری، فراغ خاطر و امنیت عاطفی و اخلاقی است.

اگر براین اساس توجیه شود مهریه وسیله ای مؤثر برای ایجاد مهر و محبت بین زوجین و عاملی قوی برای الفت است. اما اگر زن وضع خود را در برابر خانواده و شوهر متزلزل ببیند قادر به انجام وظیفه همسری، مدیریت خانه و مادری نخواهد بود و نخواهد توانست در پی تربیت فرزندان آرام، متعادل و بهنجار موفق باشد.

اسلام برای تشکل و استمرار نظام خانواده، پاره ای حقوق اقتصادی را برای زن قرار داده است :

الف: لزوم مهریه در ازدواج ب: وجوب هزینه زندگی زن بر عهده مرد ج: جواز درخواست مزد و اجرت در ازای شیردهی، پرستاری و امور خانه د: لزوم تأمین هزینه زندگی زن در ایام عده طلاق.

به رغم توهّم بعضی از مخالفان که پرداخت مَهْر را به معنای خرید و فروش دختر و زن می‌گیرند و آن را زشت می‌انگارند، قرآن کریم بر این امر پای می‌فشرد که مرد باید مهریه‌ای (اگرچه اندک) به همسر خود بپردازد و این مسأله از قطعیاتِ فقه ما است^۱.

اگر در ازدواج، مهریه ذکر نشود، در صورتی که نکاح دائم باشد، مَهْر المثل^۲ برعهده مرد می‌آید و در صورتی که نکاح، موقت باشد، اساساً باطل می‌شود در فقه اهل سنت نیز تعیین و ذکر مهریه در نکاح لازم است، البته زن می‌تواند پس از انجام یافتن عقد نکاح، مهریه خود را به شوهر ببخشد، چنان که ممکن است از ابتدا، زن مالی را به مرد ببخشد تا مرد از آن مال، مهریه‌ای برای نکاح با آن زن قرار دهد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

"وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا"^۳.

و مهر زنان را به طور کامل به صورت بدهی یا هدیه به آنان بپردازید. ولی اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایتِ خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

این که مرد با نیرنگ یا با زور، کابین و صداق همسر خود را از وی باز ستاند، عملی است که قرآن به شدت از آن منع می‌کند:

"وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِهَتَانَا وَ إِيْمًا مُبِينًا وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَ وَ قَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا."

۱- سوره مبارکه نساء آیه ۴.

۲- مهرالمثل، یعنی مهریه‌ای که در عرف برای مثل این ازدواج از نظر وضع و شؤون خانوادگی، در نظر گرفته می‌شود.

۳- سوره مبارکه نساء آیات ۲۰ و ۲۱.

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود برگزینید و مال فراوانی به صورت مهر به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای پس گرفتن مهر زنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟! و چگونه آن را بازپس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید و آنان هنگام ازدواج از شما پیمان محکمی گرفته اند؟^۱

در تبیین و توجیه این حق اقتصادی برای زن می‌توان گفت که این امتیاز مالی از آن رو به زن تعلق می‌گیرد که اولاً وی برای انجام تکالیف و وظایف واجب و مستحب خانوادگی، متحمل زحمت‌ها و مشقت‌هایی می‌شود، و ثانیاً اموری از قبیل بارداری، وضع حمل، شیردهی، پرستاری، مراقبت فرزندان مانع از آن می‌شود که بتواند به فعالیت‌های اقتصادی بپردازد، از این رو برای آن که زن هم پاداش تلاش‌های خود را تا حدی دریافت کند و کارهایش یکسره بدون فایده اقتصادی نباشد، برایش مهریه ای مقرر داشته اند.^۲

۲-۱-۴-۵- احکام مهریه

در ابتدا لازم است بیان داریم که همچنانکه ماده ۱۰۷۸ ق.م بیان می‌دارد: (هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد)، تعیین مهریه یک توافق مالی بین زوجین است پس چیزی که بعنوان مهریه تعیین می‌شود باید ارزش مالی داشته باشد به نحوی که عرف آن را دارای ارزش بدانند.

لذا طبق همین ماده نباید آنقدر کم باشد که ارزش مالی آن از بین برود.

بعنوان مثال: یک دانه گندم یا یک قطره آب و چیزهایی از این قبیل دارای ارزش مالی نیست. علاوه بر این مهریه باید قابل تملک نیز باشد. بنابراین قراردادن چیزهایی مثل مسکرات که استفاده از آنها شرعاً حرام بوده

۴- سوره مبارکه نساء، آیه ۲۰.

۱- یوسف زاده، حسن، پایش جامعه شناختی مهریه، کتاب زنان، شماره ۱۳۸۴، ۲۷.

و مسلمان نمی تواند مالک آنها شود و همچنین قرارداد آن موقوفات به دلیل غیرقابل نقل و انتقال بودن آن بعنوان مهریه خلاف قانون است.

با توجه به تعاریف موجود از مال، مرد، اموری که به صورت عین، منفعت، حقوق مالی یا اشکال دیگر باشند را می تواند به نفع زن بعهده بگیرد. یا اینکه علم، فن یا چیزی را به وی آموزش دهد. چرا که این امور مستلزم صرف هزینه بوده و بگونه ای جنبه مالی دارد.

آنچه در مورد مهریه مد نظر قرار میگیرد:

الف- زیاده روی نکردن و کم بودن آن مورد تشویق قرار گرفته است تا ازدواج به آسانی امکان پذیر باشد و جوانان به خاطر مهریه و مخارج زیاد آن از ازدواج روی نگردانند. تخفیف و کم بودن مهریه مطلوب است. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَهً أَيْسَرُهُنَّ مَثُونَةً". بزرگترین زنان با برکت آنانی هستند که هزینه نکاح و مهریه آنان ساده تر باشد. علاوه بر این مهریه دختران رسول الله صلی الله علیه وسلم چهارصد الی پانصد درهم بوده است. مهریه همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز، همین مقدار بوده است.

ب- نام بردن و معین کردن مهریه در مجلس عقد سنت است.

ج- مهریه بوسیله هر مال که قیمتش اندکی بیش از یک چهارم دینار باشد صحیح است. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "وَأَلْتَمِسْ وَلَوْ خَاتَمٌ حَدِيدٍ"

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است: أن عبد الرحمن بن عوف جاء إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم و به أثر صفره فسأله رسول الله صلی الله علیه وسلم فأخبره أنه تزوج امرأة من الأنصار، قال: كم سقت لها؟ قال: زنة نواة من ذهب، قال رسول الله صلی الله علیه وسلم أولم ولو بشاة متفق عليه. عبد الرحمن بن

عوف نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد در حالیکه آثار زردی (زعفران یا حنا) بر او دیده می شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از حال او پرسید، (عبدالرحمن بن عوف) در پاسخ گفت که با زنی از انصار ازدواج کرده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چقدر مهریه برایش قرار داده‌ای؟ گفت به اندازه وزن یک هسته خرما طلا، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ولیمه بده اگرچه گوسفندی باشد.

د- شتاب در پرداختن مهریه و دادن آن همزمان با برگزاری عقد ازدواج صحیح است و تأخیر کل آن یا بخشی از آن نیز جایز است. خداوند می فرماید:

"وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً (البقره: ۲۳۷).

و اگر آنان را پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید طلاق دادید، حال آنکه مهری برای آنها معین کرده‌اید."

البته دادن بخشی از مبلغ مهریه قبل از زفاف مطلوب و مستحب است. در ابو داود و نسائی آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به علی رضی الله عنه امر کرد تا قبل از زفاف چیزی به فاطمه زهراء بدهد. علی رضی الله عنه گفت: من چیزی ندارم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: زره تو کجاست؟ حضرت علی زره خود را به حضرت زهراء داد.

می توان مهریه را بطور نقد یا نقد و قسط یا تمام قسط و عندالمطالبه پرداخت کرد^۱، برای مرد جایز است قبل از آنکه مهریه‌ای پرداخت کند با همسرش آمیزش نماید، اگر مقدار مهریه معین نشده، مهرالمثل و اگر معین شده باشد پرداخت مقدار تعیین شده بر مرد واجب است، و از عدم وفا به شروط عقد جداً خودداری نماید، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: أحق ما أوفيتم من الشروط، أن توفوا به ما استحللتم به الفروج: سزاوارترین شروطی که باید به آن وفا کنید شروط نکاح است.

۱- بیات، رقیه، بررسی مهریه و نفقه زوجه، زن روز، شماره ۱۳۸۱، ۱۹۸۷.

ه- مهریه در لحظه انجام عقد بر عهده شوهر تعلق می‌گیرد و با دخول و زفاف واجب می‌گردد. اگر بدلیلی همسر قبل از زفاف مطلقه گردید، نصف مهریه ساقط می‌گردد و نصف دیگر بر ذمه شوهر باقی می‌ماند. خداوند می‌فرماید:

"وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ (البقره: ۲۳۷).

اگر پیش از دخول و خلوت صحیحه آنان را طلاق دادید و حال آنکه مهریه برای آنان تعیین گردیده است، پس نصف مهریه از پیش تعیین شده به آنان می‌رسد."

و- اگر شوهر قبل از تماس جنسی و بعد از انجام عقد نکاح فوت شود، مهریه کامل و سهم میراث به او تعلق می‌گیرد، اگر مهریه‌ای تعیین شده است و اگر مهریه از قبل تعیین نشده است، مهر مثل به او می‌رسد و عدت و فوات نیز بر وی واجب می‌گردد.

از علقمه روایت است: اُتی عبدالله فی امرأه تزوجها رجل ثم مات عنها، و لم یفرض لها صداقا، و لم یکن دخل بها، قال: فاختلفوا إلیه، فقال: أری لها مثل مهر نسائها و لها المیراث و علیها العده فشهد معقل بن سنان أشجعی أن النبی صلی الله علیه وسلم قضی فیروع بنت و اشق بمثل ما قضی.

از عبدالله درباره زنی که مردی با او بدون تعیین مهریه ازدواج کرده و قبل از آنکه با او رابطه زناشویی برقرار کند فوت کرده، سؤال شد، (علقمه) گفت: درباره او اختلاف کردند، عبدالله گفت: به نظر من مهرالمثل به او تعلق می‌گیرد، ارث می‌برد و باید عده را بگذارند، معقل بن سنان اشجعی در همانجا گواهی داد که پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره بروع بنت و اشق مانند عبدالله حکم کرده است.

اولین حقی که زن بر مرد دارد حق گرفتن مهریه است. مهریه یعنی کابین، صداق، پول یا چیز دیگر که هنگام عقد بر ذمه مرد مقرر می شود^۱. در قرآن در چندین مورد از این حق زنان سخن به میان آمده و با بیانات مختلف ولی مترادف درباره مهریه زنان سفارشهای اکیدی شده است.

"و إن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن..."^۲

ز- مهریه یک پشتوانه اجتماعی و اقتصادی برای زن است زیرا در صورت جدایی از یکدیگر لطماتی که بر مرد وارد می شود از نظر روحی، اجتماعی و مالی کمتر از زن است زیرا مرد با استعداد و توان بدنی خود در جامعه بهتر می تواند به کار و تلاش بپردازد. و مهریه کمکی است به زن در تأمین معاش و حافظ عفت و احترام اوست. از آن گذشته امکان تشکیل زندگی مجدد برای مرد بیشتر فراهم است تا زن مطلقه، پس مهریه در واقع جبران خسارات و لطمات وارده بر زن را تا حد کمی انجام می دهد^۳. مهریه زنی هم که در قید همسری است دلگرمی و اندوخته ای است که موجب می شود که او بهتر در خانه به کار و تلاش. مهر با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد. زن به الهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد. همین ها سبب شد که زن توانسته با همه ناتوانی جسمی مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند، مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کند، با خارج کردن خود از دسترس

۱- فرهنگ عمید ص ۱۱۸۱.

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۷.

۳- نیک، سکینه، حقوق زن و شوهر در اسلام، ص ۱۲۰.

مرد عشق رمانتیک به وجود آورد و آنگاه که تن به ازدواج با مرد می دهد عطیه و پیشکشی از او به عنوان نشانه ای از صداقت او دریافت دارد.^۱

در تفسیر مجمع البیان مهریه به عنوان یک عطیه الهی از طرف خداوند بیان شده می گوید: "مهر زنان را که بخشش از جانب خداوند است به آن ها بدهید. بدیهی است که زن و مرد و هر دو از یکدیگر تمتع می برند و زن در برابر تمتعی که به شوهر می رساند خود نیز متمتع می شود بنابراین حق مهر ندارد لیکن خداوند متعال مهر را برای زن قرار داد تا از این عطیه الهی برخوردار گردد"^۲.

در شرع مقدس اسلام برای مهر میزان مقرر و حد معینی تعیین نگردیده است بلکه میزان و حد آن را به رضایت زن و شوهر قرار داده اند که به هر اندازه اگر توافق کردند و راضی شدند درست خواهد بود اگر چه مقدار آن خیلی کم باشد.

و اما بهترین مهریه و صداق همانا تعلیم علوم الهی و آموختن تعالیم دین است که خداوند آن را به عنوان مهر حضرت حوا برآدم قرار داده است.

قیاس نکاح به بیع غیر موجه است. زیرا همانطور که مکررا گفته شده مهر در مقابل بضع قرار نمی گیرد و نکاح معاوضه ای عادی نمی باشد و لذا به هیچ وجه مانعی ندارد که در عقد، نکاح مهر را شخص ثالثی غیر از زوج و زوجه بعهده گیرد.^۳

۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن، ص ۲۳۳.

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۵.

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ابن سینا، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶، ص ۳۱۵

در آداب و رسوم جاهلیت، مبلغی به عنوان شیر بها به پدر دختر پرداخت می شد و تصور براین بود که شوهر، آن دختر را در مقابل شیربها از پدر خریداری می کند و مالک او می شود این سنت و فکر جاهلی موجب رابطه حقوقی غلطی بین زن و شوهر می شد که نتیجه اش اسارت دائمی زن و بی حرمتی به او می گردید ولی در اسلام مهریه براساس چند چیز است:

اول - براساس شخصیت و استقلال زن، نه بابت بهای او و پرداخت به بستگانش.

دوم - براساس عزت و حرمت زن، زیرا که مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر و مقامی و حرمت و عزتی قائل باشند^۱.

سوم - براساس استقلال اقتصادی زن که او را لایق تملک و تصرف در اموال می دانند.

چهارم - براساس اینکه رابطه زن و شوهر که بالاتر از یک معادله ساده است و در آن عاطفه و مهر نقش مهمی دارد زیرا زن با مهریه ملک شوهر نمی شود ولی قلب او باید به تسخیر مرد در آید و کلمه «نحله» در قرآن باکمال ظرافت به این نکته اشاره دارد^۲.

چند نکته در مورد مهریه

۱. مهریه تجلی فطرت و طبیعت است: هدیه دادن به محبوب به عنوان اظهار محبت و نشان دادن علاقه، امری فطری و طبیعی است که معمولاً از سوی کسی که پیش قدم می شود و طالب و یا خواستگار است ارایه می گردد. این امر حتی در میان بسیاری از موجودات رایج است. مثلاً مسأله ای که به تازگی کشف شده

۳- موسوی کاشمیری، مهدی، مهریه مطلوب، پرسش و پاسخ، نشریه زن، شماره ۱۳۸۰، ۳۲، ص ۹۸

۳- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن، ص ۱۰۲.

این است که زاغچه نو پس از بازدید آشیانه های مورد نظر به اتفاق همسر آینده اش به او یک حشره هدیه می کند.

۲. مهریه قانون عشق و جذب است: مرد از نظر آفرینش مظهر طلب، عشق و تقاضا است و زن مظهر محبوبیت و معشوقیت می باشد. مهریه از جانب مرد یک اظهار عشق و محبت فوق العاده برای زن می باشد که حتی بالاتر از بخشش و هدیه های معمولی است.

۳. مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است. مهر با حیا، عفت و عزت زن یک ریشه دارد. زن از لحاظ آفرینش نسبت به شهوت ها مقاوم تر است این ویژگی همواره به زن فرصت داده که دنبال مرد نرود و خود را رایگان در اختیار او قرار ندهد.

۴. مهریه باعث بقای خانواده و مانع از فروپاشی آن است. برخی مردان هوس باز گاه بدون هیچ دلیلی همسر را ترک و زن دیگری را که جوان تر و با نشاط تر است انتخاب می کنند. مهریه مانع عمده ای در مقابل این هوس رانی ها است.

۵. مهر باعث تعادل اقتصادی است. هر چند زن دارای استقلال مالی و اقتصادی از نظر اسلام است ولی به طور معمول در جوامع ابتکار عمل به دست مردان است. در صورت طلاق و جدایی احتمال این که زن بدون پشتوانه اقتصادی بماند بسیار زیاد است. وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه برای زن می باشد.^۱

۱- جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، نشر اسراء، ص ۴۳

نتیجه آن که: مهریه از نظر اسلام تنها جنبه مادی ندارد بلکه افزون بر آن، حکمت های دیگری نیز در تعیین مهر نهفته است بنابراین نه تنها به زنان به عنوان کالا نگاه نشده بلکه ارزش و احترام زن به وسیله وضع و تأیید چنین قانونی محفوظ مانده است.

مهریه، هدیه و پیشکش مرد به زن برای نشان دادن صداقت در عشق و خواستاری اوست، همچنین به جهت رعایت شان و منزلت زنان است. تفاوت های زن و مرد، همواره جنس زن را مطلوب و جنس مرد را طالب قرار داده است. طالب بودن و به دنبال مرد دویدن، در شان زنان نیست. بلکه در عین تساوی در ازدواج و بهره مشترک گرفتن از مزایای آن، خودداری ظریف زنانه از رفتن به طرف مرد و معامله کردن با او، برای خلق عشق و لذت، و حفظ کرامت زن لازم است. این خودداری و نازفروشی، برای مرد هزینه بردار است که اگر صادق است و خواهان، باید هزینه اش را بپردازد. شهید مطهری می گوید: "مهر با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد. (زن با گرفتن هزینه ای از مرد نشان می دهد که او طالب مرد نیست مرد طالب اوست.) زن به الهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و به اصطلاح شیرین بفروشد."^۱

همچنین مهریه، قیمت خرید زن نیست. لفظ "نحله" در آیه تصریح در هدیه بودن مهریه دارد. مخصوصاً آنکه در سیستم ازدواج اسلامی، زن با ازدواج، نه برده مرد می شود و نه مالش در اختیار او قرار می گیرد (تنها تمکین و عدم خروج از منزل، بدون در نظر گرفتن رضایت شوهر، که از لوازم تمکین است بر او واجب می شود).

^۱ - مطهری، مرتضی- همان منبع ص ۲۵۵.

پس مهریه قیمت چه چیزی است، در حالی که حقیقتاً این مرد است که برای تامین مایحتاج زن مامور به خدمت می شود! بنابراین مهر هر فلسفه‌ای داشته باشد، قیمت خرید زن نخواهد بود. به قول استاد شهید مطهری " مگر هر پولی که کسی به کسی می‌دهد، می‌خواهد او را بخرد؟ پس باید رسم هدیه و بخشش و پیشکش را منسوخ کنند. قرآن تصریح می‌کند که مهر، عنوانی جز عطیه و پیشکشی ندارد. بعلاوه اسلام قوانین خود را چنین تنظیم کرده که مرد حق هیچ گونه بهره‌برداری اقتصادی از زن ندارد. در این صورت چگونه می‌توان مهر را به عنوان قیمت زن یاد کرد؟"^۱

البته هر قانونی می‌تواند مزایای فراوانی داشته باشد که با نظر به تمام آن مزایا، وضع قانون صورت گرفته باشد. اکثر قوانین اسلامی از هر جهت که بررسی شوند از آن رو که هماهنگ با فطرت و نظام آفرینش هستند، مطلوب بوده و دلیلی برای تایید صحت و حمایتشان یافت می‌شود. لذا در باب فلسفه مهر در روایات هم، دلائلی ذکر شده است من جمله در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که:

سرّ این که مهر بر عهده مرد است نه زن با این که فعل هر دو یکی می‌باشد آن است که: مرد وقتی نیازش از زن برطرف شد (مقصود اشباع شدن مرد از زن است در عمل نزدیکی) از او جدا شده و منتظر برطرف شدن حاجت زن نمی‌گردد از این رو مهر بر عهده او است نه بر ذمه زن.^۲ به هر حال در رابطه زناشویی فاعل مرد است لذا بسیاری از اوقات زن مانند مرد از این رابطه اشباع نمی‌شود. در بعضی از روایات نیز سخن از خرید و فروش است و مهریه بهای این معامله معرفی شده است. گفتنی است این خرید و فروش، خرید و فروش زن نیست بلکه نظر به همان فاعلیت مرد و اختیار داری او در روابط زناشویی است که امری طبیعی و فطری

۱- مطهری، مرتضی- همان منبع- ص ۲۵۸.

۲- علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۲، ص ۶۴۳.

بوده و شرع آن را ملاحظه کرده است. لذا در روایتی از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است که در پاسخ به این سوال فرمودند:

علتش آن است که بر مردان هزینه اداره زنان واجب است چه آنکه زن نفس خود را فروخته و مرد مشتری آن است و بدون شک بیع بدون ثمن نبوده و اساسا خرید بدون پرداخت ثمن تحقق نمی یابد. ۱ به هر حال حجب زن و رعایت شان و شئونات زنانگی باعث می شود که زن در روابط زناشویی به اندازه مرد، خرسند نگردد. این میتواند دلیل اخلاقی برای پرداخت مهر به زن تلقی شود.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): و هر کس مهریه زنش را ندهد نزد خدا زناکار به شمار می رود، و روز قیامت خدا به او می گوید: ای بنده من، کنیزم را با پیمانی که از تو گرفتم به همسری تو در آوردم ولی تو به عهد من وفا نکردی. اینجاست که خداوند خود حق آن زن را مطالبه می کند و تمام حسنات مرد به حق آن زن می رسد و فرمان صادر می شود که او را به دوزخ بیفکنید.

۲-۱-۴-۶- نحوه مطالبه مهریه :

برای شروع مطلب باید به این نکته اشاره کنیم که مهریه یا همان صدق در حقوق اسلام به عنوان هدیه ای معرفی شده است که از جانب شوهر به زن اهدا می شود و قانون ایران نیز مهریه را دینی می داند که از لحظه ی انعقاد (تشکیل) عقد نکاح بر ذمه شوهر مستقر می شود و وی مکلف است به محض مطالبه زن آن را تسلیم وی نماید. البته این قاعده ی عندالمطالبه بودن مهریه که بارها آن را نیز شنیده ایم مانند سایر قواعد که در حقوق و فقه جاری است بدون استثناء نمانده و منظور از این سخن آن است که عندالمطالبه بودن

۳- علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، همان، ص ۶۰۱.

مهریه زمانی پذیرفته و ملاک عمل در محاکم خواهد بود که پرداخت آن حال باشد. یعنی پرداخت آن بدون مدت و فوری باشد و اگر چنانچه برای نحوه پرداخت مهریه از همان ابتدا توسط طرفین عقد نکاح (زن و شوهر) شرط و شروطی تعیین شده باشد (مانند اینکه شوهر پرداخت مهر را مشروط کرده باشد به تولد اولین فرزند خانواده) و یا برای پرداخت آن مدتی مقرر شده باشد در اینجا زن نمی تواند تا زمان تحقق مورد شرط و یا به پایان رسیدن مدت مقرر شده مهریه خود را از شوهرش مطالبه نماید.

آنچه در هنگام مطالبه باید مد نظر قرار گیرد

الف- مهریه طلب ممتاز است

باید دانست که مهریه از نظر قانون به عنوان طلب ممتاز شناخته شده است. یعنی چنانچه شوهر ورشکسته شود و طلبکارانی داشته باشد که تقاضای توقیف اموال او را نموده باشند، در میان این طلبکاران، مهر زن به عنوان طلب ممتاز تلقی شده و در پرداخت از اولویت برخوردار است. یعنی ابتدا مهر زن از اموال و دارایی شوهر پرداخت می شود و بعد نوبت به سایر طلبکاران می رسد. در مواردی هم که شوهر فوت کند و طلبکارانی داشته باشد یا ورثه ی او بخواهند ترکه را تقسیم کنند همین حکم جاری می شود که البته رسیدگی به تمام این امور باید در دادگاه و با طی تشریفات صورت پذیرد.

ب- پرداخت مهریه باید با توجه به زمان پرداخت آن باشد :

چنانچه مهریه مندرج در عقد نامه، وجه رایج (پول نقد) تعیین شده باشد، مقدار آن باید با توجه به زمان تأدیه (پرداخت) آن محاسبه شود.

تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ مقرر می دارد: "چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند".

پس مطابق با مفاد ماده یاد شده فرمول محاسبه مهریه بدین طریق است که : مهریه را ضربدر عدد شاخص بها در سال قبل از مطالبه و نتیجه را تقسیم بر عدد شاخص بها در سال وقوع عقد می کنیم.

مثال : خانمی در سال ۱۳۸۰ مهریه خود را مطالبه می نماید. تاریخ وقوع عقد سال ۱۳۵۷ و میزان مهریه مندرج در عقد نامه ۶۰۰,۰۰۰ هزار ریال می باشد. برای تعیین نرخ روز مهریه، میزان مهریه یعنی ۶۰۰,۰۰۰ را در عدد شاخص یک سال قبل از مطالبه یعنی سال ۱۳۷۹ را که ۱۵۹/۷۱ می باشد ضرب می کنیم و رقم بدست آمده را بر عدد شاخص بها در سال وقوع عقد که ۱۳۵۷ و عدد شاخص آن یعنی ۲/۶۱ می باشد تقسیم می نمایم.

$$600,000 \times 71/159 \div 2/61 = 36,700,000$$

۲-۱-۴-۱- نحوه اقدام برای مطالبه مهریه :

زوجه برای مطالبه مهریه خود به چند طریق می تواند اقدام نماید که به توضیح هر یک می پردازیم :

اول-مراجعه به دادگاه خانواده :

زوجه می تواند به دادگاه ویژه خانواده (که در حال حاضر شعبه ای از دادگاه عمومی می باشد) مراجعه نموده و با تقدیم دادخواست حقوقی به دفتر دادگاه، مهریه خود و سایر مخارجی را که برای دریافت مهریه (مانند هزینه ابطال تمبرو حق الوکاله وکیل) صرف می نماید را نیز از دادگاه تقاضا نماید و همزمان نیز می تواند تقاضای توقیف اموال و دارایی های شوهرش (به استثنای مستثنیات دین) را به نسبت ارزش مهریه، تحت

عنوان توقیف تأمینی از دادگاه بنماید که متعاقباً دادگاه بنا به درخواست زوجه اقدام به صدور قرار توقیف تأمینی خواهد نمود.^۱

منظور از مستثنیات دین، حداقل امکاناتی است که یک فرد برای امرار معاش و ادامه زندگی به آن نیاز دارد. و لذا نمی توان تقاضای بازداشت آن اموال را حتی به موجب حکم دادگاه نمود. مانند یک تخته فرش یا یک دستگاه یخچال، تلفن، منزل مسکونی که در شان مرد باشد، لوازم کار مرد، و از این قبیل...

دوم-مراجعه به اجرای ثبت اسناد رسمی :

طریقه دیگر مطالبه مهریه به این صورت است که زوجه می تواند با به همراه داشتن سند رسمی ازدواج (قباله ازدواج) و مراجعه به دفتر رسمی ازدواج محل و پر کردن فرم مخصوصی که آن دفتر در اختیار زوجه قرار می دهد تقاضای صدور اجرائیه نماید. و با تسلیم آن اجرائیه به دایره ی اجرای ثبت که مستقر در اداره ثبت اسناد محل وقوع عقد است، مهریه خود را نیز مطالبه نماید. ماده ۹۳ قانون ثبت: این اجرائیه متعاقباً به شوهر وی ابلاغ می گردد و به مدت ده روز به وی مهلت داده می شود تا طلب (مهر) همسر خود را بپردازد.

چنانچه در این مدت شوهر طلب همسرش را نپردازد، زوجه می تواند با معرفی اموال و دارایی شوهر (به استثنای مستثنیات دین که قبلاً به آن اشاره شد) و همچنین دُیونی را که شوهرش از اشخاص دیگر طلب دارد، از دایره اجرای ثبت تقاضای توقیف آن اموال را بنماید. همچنین، چنانچه شوهر، کارمند اداره یا مؤسسه ای اعم از دولتی یا خصوصی باشد، زوجه می تواند تقاضای کسر حقوق از درآمد ماهیانه شوهرش را داشته باشد که البته این مقدار از کسر حقوق در قانون محاسبه شده و به این صورت است که چنانچه زن و شوهر از یکدیگر جدا نشده باشند، و یا مرد دارای فرزند باشد به میزان یک چهارم از حقوق وی و چنانچه زن و شوهر

۱- جوانفکر، عباس، زندانیان مهریه، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۴

از یکدیگر جدا شده باشند و مرد فرزند هم نداشته باشد و تا موقعی که شوهر همسر دیگری اختیار نکرده باشد به میزان یک سوم خواهد بود.

فصل سوم

مقدار مهریه در فقه و حقوق

۳-۱- مقدار مهر در ایران و سایر کشورهای اسلامی

۳-۱-۱- مقدار مهر در حقوق ایران

قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۰۸۰ قانون مدنی از نظریه‌ی مشهور فقها تبعیت کرده و مقرر داشته است تعیین مهر منوط به تراضی طرفین است. بنابراین مطابق این ماده، محدودیتی در تعیین مقدار مهریه وجود ندارد و مهم رضایت طرفین بر مهریه است.^۱ بر همین اساس، در عمل، زوجین بر مهریه‌های سنگینی توافق می‌کنند که اکثر اوقات مرد قدرت بر تسلیم آن را ندارد.

علی‌رغم مباحث نظری در مورد میزان مهریه و نصاب پذیر بودن یا نبودن آن رویه‌ی قضائی مهریه‌های موجود را صرف‌نظر از توانائی یا ناتوانی زوج در پرداخت صحیح تلقی نموده و در صورت مطالبه‌ی زن، مرد را به پرداخت آن محکوم می‌نماید. مثلاً، شعبه‌ی اول دادگاه حقوقی شهرستان دلیجان در رأی شماره‌ی ۸۸۰۹۹۷۸۶۶۵۲۰۴۸۸، زوج را به درخواست زوجه به پرداخت ۴۰۰ سکه‌ی بهار آزادی محکوم کرده است. این در حالی است که زوج کارگری بیش نبوده و حقوق ماهیانه‌ی وی از ۴۰۰۰۰۰۰ تومان متجاوز نیست. این رأی مطابق دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۸۰۹۹۷۸۶۶۳۲۵۶۶۲ شعبه‌ی سوم دادگاه تجدید نظر استان مرکزی به تأیید رسیده است. از این نمونه آراء به فراوانی در دادگاه‌های خانواده صادر شده و بحث بطلان یا صحت مهریه‌های پرداخت‌نشده اصولاً در دادگاه‌ها مطرح نشده و در خصوص آن رویه‌ای موجود نیست.

۱- شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰؛ ص ۶۲

۳-۱-۲- مقدار مهر در حقوق کشورهای اسلامی

در حقوق سایر کشورهای اسلامی نیز با توجه به منابع فقهی موجود، برای مقدار مهریه محدودیتی وجود ندارد؛ مثلاً، ماده‌ی ۵۴ قانون احوال شخصیه‌ی عراق مقرر می‌دارد: «لاحد لأقل المهر و لا لاكثره»؛ "میزان مهر حداقل و اکثری ندارد" ^۱

ماده‌ی ۱۷ قانون احوال شخصیه‌ی مراکش نیز دقیقاً با همان عبارت قانون احوال شخصیه‌ی عراق، برای مقدار مهر، حداقل و اکثری قائل نشده است. شارحین این قانون، در تبیین فلسفه آن می‌گویند: "چون مردم از حیث غنا و فقر متفاوت‌اند و هر شخص بنا به محل تولد و سکونتش رسوم و عادات خاص خود را دارد، عدم محدودیت باعث می‌گردد که هر شخصی با توجه به میزان دارایی و تمکن مالی خود و عادات قوم و قبیله‌اش نسبت به تعیین مهریه اقدام کند. در واقع این امر جهت تسهیل امر ازدواج است و ایجاد محدودیت آزادی طرفین ازدواج را در یک امر شخصی از بین می‌برد" ^۲.

در حقوق سوریه نیز ماده‌ی ۵۴ قانون احوال شخصیه با عبارت "لا حد لأقل المهری ولا لإكثره". برای مهریه حدی معین نکرده و به طرفین اجازه داده میزان مهریه را با توجه به ملائت زوج و شأن زوجه و عادت و رسوم خود معین کنند. ^۳

البته در برخی از کشورهای اسلامی در حال حاضر مهریه های سنگین متداول شده که کشورهای چو عربستان و کویت از این جمله اند.

دلایل نظریه اول

۱- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، نشر حقوقدان، همان، ص ۲۷.

۲- شهبون، عبدالکریم، ۲۰۰۰. شرح مدونه الاحوال الشخصیه، ج ۱، مراکش، نجاح الجدیده، ص ۸۰.

۳- شهبون، همان منبع، ص ۸۵.

اما آیاتی که مورد استناد اکثر فقها قرار گرفته است و بر مبنای آن حکم به عدم تقدیر و تحدید مهریه داده اند

عبارت است از :

در قرآن آمده است:

۱- وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا؛^۱ اگر مهریه را به اندازه یک قنطار قرار داده‌اید، بعد از طلاق

پس نگیرید.

آیه در این باره است که اگر کسی زنش را طلاق داد و مهریه را به او پرداخت کرده از او گرفته نمی شود و

لو اینکه مهریه قنطار باشد.

حال قنطار به مال زیاد گفته می شود.

از قاموس اللغه نقل می شود: وَ فِي الْقَامُوسِ: الْقِنطَارُ بِالْكَسْرِ وَزْنُ أَرْبَعِينَ أَوْقِيَةً مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ وَ الْفِ دِينَارٌ،

أَوْ أَلْفٌ وَ مِائَتَا أَوْقِيَةٍ، أَوْ سَبْعُونَ أَلْفَ دِينَارٍ، أَوْ ثَمَانُونَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، أَوْ مِائَةٌ رَطْلٍ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ، أَوْ أَلْفَ دِينَارٍ

أَوْ مِائَةَ مَسْكَ ثَوْرٍ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً.

می فرمایند: قنطار چهل اوقیه طلا، یا نقره است، به علاوه هزار دینار، یا اینکه هزار و دویست اوقیه طلا، یا

نقره است، یا اینکه هفتاد هزار دینار است، یا اینکه هشتاد هزار درهم است، یا اینکه صد سطل طلا یا نقره

است، یا اینکه هزار دینار است، یا اینکه پوست گاو که پر از طلا باشد می باشد.

اما مسک که در عبارت آمده بوده را المنجد به پوست معنا می کند.

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۲۰.

این آیه دلالت می کند که استرداد مهریه در موقع طلاق جایز نیست، و لو اینکه مهریه بیشتر از مهرالسنة باشد.^۱

۲- آیه بیست و چهارم سوره نساء "فاتوھنْ أُجورھنْ فریضه"

این آیه که مستند مشروعیت ازدواج منقطعہ می باشد پرداخت مهر در متعہ را نیز واجب می داند و با آوردن صفت فریضه بر آن تاکید کرده است. در اینجا نیز اطلاق لفظ "اجر" که به معنای مهر است دلالت بر عدم محدودیت در تعیین میزان مهریه می کند. بدیہی است روایات مغایر با آیات قرآنی در مقام تعارض ساقط می شوند. چنانکہ امام صادق علیہ السلام فرموده اند: "ما اتاکم عنا من حدیث لا یصدقہ کتاب اللہ فهو باطل - آنچه از حدیث ما کہ به شما می رسد و کتاب خدا آن را تصدیق نمی کند پس باطل است."

روایات

در کنار آیات مورد استناد، روایات بسیاری نیز دلالت بر عدم وجود تقدیر در میزان مهریه می کند کہ از آن

جمله اند:

۱- نبی اکرم صلوات اللہ علیہ فرمودند: "إن اللہ یغفر کل ذنبٍ یوم القیامہ الا مهر إمرأہ... - خداوند ہر گناہی را می بخشد در روز قیامت مگر مهر ادا نشدہ زن را..."^۲

۲- روایت و شاء از امام رضا علیہ السلام: "لو أن رجلاً تزوج إمرأه و جعل مهرها عشرين ألفاً و جعل لابیها عشرةً آلافٍ كان المهرُ جائزاً والذی جعل لابیها فاسداً - اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهر او را بیست ہزار

۲- جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۳۳۸.

۱- حر عاملی، محمدبن الحسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱ ص ۴۵۳.

درهم قرار دهد و برای پدرش نیز ده هزار درهم قرار بدهد مهر جائز است و آنچه که برای پدرش قرار داده باطل است!"^۱

این روایت صحیح از یک سو هم دلالت بر صحت مهریه متجاوز از مهر السنه می کند و هم اینکه مهریه را مختص دختر دانسته و انصراف آن به غیر را باطل می داند.

۳- ابی الصباح از امام صادق علیه السلام، سألته عن المهر ما هو؟ قال: ما تراضی علیه الناس - از امام پرسیدم مهر چیست؟ فرمود: آنچه که مردم بر آن تراضی می کنند.^۲

۴- زراره از امام باقر علیه السلام: الصداق کل شیء تراضی علیه الناس قلّ او کثر متعه او تزویج غیر متعه - مهر هر چیزی است که مردم بر آن تراضی می کنند چه کم چه زیاد در متعه باشد یا در ازدواج غیر متعه.^۳

دلالت این روایت بر عدم تقدیر در میزان مهریه صریح و آشکار است .

میزان مهریه از نظر شرعی براساس توافق و رضایت زوجین می باشد و هر مقداری که مورد توافق زوجین باشد چه کم و چه زیاد به عنوان مهریه معین می شود.

۵- حضرت علی (علیه السلام)، روایت است که فرمودند:

من خوش ندارم که مهر را کمتر از ده درهم کنند، بلکه بیشتر از آن قرار دهند تا به مهر زنان نابکار (مبلغی که در عوض زنا به زانیه می دهند) شباهت پیدا نکند.^۴

۲- کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱. ص ۲۴۸.

۳- کلینی، همان منبع، ج ۱.

۴- حرعاملی، همان منبع، ج ۲۱ ص ۴۵۲.

۱. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۲، ص ۵۹۹.

بی‌هقی در سنن کبری از شعبی روایت کرده است: عمر بن خطاب برای مردم خطبه خواند، پس از حمد و ثنای الهی گفت: مهریه زنان را زیاد قرار ندهید، و اگر به من خبر برسد که زنی بیشتر از آنچه پیامبر به مهریه پرداخته، مهریه قرار دهد، من اضافه آن را گرفته و در بیت المال قرار می‌دهم. سپس از منبر پایین آمد. زنی از قریش نزد او آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! کتاب خدا سزاوارتر است که از آن پیروی شود یا سخن تو؟ گفت: بلکه کتاب خداوند، مطلب چیست؟ زن گفت: مردم را از مهریه زیاد نهی کردی، در حالی که خداوند در قرآن می‌فرماید: (وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا)^۱ [اگر مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید عمر دو یا سه مرتبه گفت: «کلُّ أحد أفقه من عمر» [هر کسی از عمر داناتر است]. و بنابه نقلی گفت:

كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْ عَمْرِ حَتَّى رِبَاتِ الْحِجَالِ أَلَا تَعْجَبُونَ مِنْ إِمَامٍ أَخْطَأَ وَامْرَأَةً أَصَابَتْ [تمامی مردم از عمر داناترند حتی زنان پرده نشین. آیا تعجب نمی‌کنید از امامی که اشتباه می‌کند و زنی که درست می‌فهمد]. و در تفسیر خازن این گونه آمده است: "إمراه أصابت و أمير أخطأ" [زنی که درست می‌گوید و امیری که به خطا حکم می‌کند]. و رازی در کتاب اربعینش این گونه نقل می‌کند: "كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْ عَمْرِ حَتَّى الْمَخْدَارَاتِ فِي الْبُيُوتِ" تمامی مردم از عمر داناترند حتی پرده نشینان (زنان) در خانه.

در کنار دلایل نقلی مذکور، سیره عملی معصومین علیهم السلام خود دلیلی دیگر بر جواز تجاوز مهریه از مهر السنه است. چنانکه شیخ طوسی در مبسوط به سند خویش روایتی نقل کرده که می‌فرماید: "تزوج الحسن عليه السلام إمرأَةً فاصدقها مائةً جاریه مع کل جاریه ألف دراهم - امام حسن علیه السلام زنی را تزویج

۲- سوره مبارکه نساء، آیه ۲۰.

فرمود و مهر او را صد کنیز قرار داد که با هر یک هزار درهم بود.^۱ "عدم تقدیر و محدودیت در میزان مهریه چنان میان متشرعه مرسوم بوده که قول خلاف آن با مخالفت مسلمین مواجه می شده است.

چنانکه شیخ مفید رحمه الله علیه نقل فرموده است که در دوران خلافت عمر، روزی او بر منبر رفته و زبان به انتقاد از افزایش مهریه زنان گشود؛ در این هنگام زنی از میان جمعیت برخاست و با تلاوت آیه بیستم سوره نسا سخن عمر را رد کرد، پس عمر از رای خویش بازگشت و بدون نتیجه از منبر به پایین آمد.^۱ اما قول مخالف که معتقد به حرمت تجاوز مهرالسمی و مهرالمثل از مهرالسنه است منتسب به سید مرتضی و شیخ صدوق رحمه الله علیهما است. بر خلاف آنچه که برخی مانند دکتر حسن امامی عنوان کرده اند ابن جنید اسکافی رحمه الله علیه همانند مشهور امامیه فتوا داده است. کلام او در اینباره که در مختلف الشیعه علامه حلی رحمه الله علیه نقل شده چنین است: "و کل ما صحَّ التملیک له و التمولُّ من قلیل او کثیر ینتفع به فی الدین و الدنیا" اما سید مرتضی رحمه الله علیه در الانتصار در بدو امر بیان می فرماید که وجود قلت و کثرت در مهر در امامیه جائز است و این عامه هستند که از حیث کمی برای آن حدی قائل شده اند، سپس در ادامه می افزاید از مفردات امامیه آن است که مهر نمی تواند از مهر السنه تجاوز کند و در صورت تجاوز به آن باز گردانده می شود.^۲ ایشان رای خویش را مستند به اجماع امامیه کرده اند که مخدوش بودن اجماع در اینجا آشکار است. علاوه بر آن ایشان پیش از آن در رد قول عامه که از حیث قلت برای مهریه حدی قائلند به اطلاق آیات قرآنی استناد می فرماید، پس چگونه است که در اینجا به وجود اطلاق توجهی نمی نماید حال آنکه

۱- بدران، ابوالعینین، ۱۴۱۰. *الفقه المقارن للأحوال الشخصیه*، دار الهضه العربیه، ج ۱. ص ۱۸۵

۲- سیدمرتضی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰. *الانتصار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ص ۲۰۱

اطلاق هم از حیث کمی و هم زیادی را شامل می شود. ایشان در اینجا به روایتی استناد فرموده اند که حکم، به رد مهر به مهر السنه در صورت تجاوز از آن کرده است، لیکن شهید ثانی رحمه الله علیه در شرح لمعه ضمن ایراد خدشه به سند این روایت، در فرض صحت فرموده اند که حمل بر استحباب می شود یعنی مستحب است در صورت تجاوز مهر از مهر السنه به آن بازگردانده شود و می فرمایند در ادله سنن و مستحبات تسامح جایز است.^۱ شیخ صدوق رحمه الله علیه نیز در الهدایه رایی همانند سید مرتضی برگزیده است. ایشان در من لا یحضره الفیه حدیثی را مستند فتوای خویش قرار داده اند (روایت مفضل ابن عمر از امام صادق علیه السلام: السنه المحمدیه خمسمائه درهم فی زاد علی ذلک رد الی السنه) علامه حلی رحمه الله علیه در مختلف الشیعه با ضعیف دانستن سند این حدیث با فرض صحت آن را دال بر استحباب دانسته اند. نتیجه آنکه این از مسلمات فقه امامیه است که برای مهریه از حیث کمی و زیادی هیچ حدی نیست و تلاش در جهت سقف گذاری برای مهریه و الزام به رعایت آن بر خلاف فقه امامیه و مخدوش است. باید توجه داشت که اصل بر صحت و حلیت و دوام حلال است چراکه: "حلال محمد حلال الی یوم القیامه"

بررسی دلایل نظریه اول

در خصوص آیه بیستم سوره مبارکه نساء اندکی دقت نشان می دهد آیه مذکور به اجرای تعهد مربوط است نه ایجاد آن و طبیعی است که هر متعهدی به تعهد خود میبایست عمل کند ولی آیه ۲۳۶ سوره بقره ملاک و ضوابط ایجاد تعهد و شرط امکان ایفا از طریق تناسب توان و تعهد را مورد نظر قرار داده و اقرب به بحث است. آیه مذکور میفرماید "اگر زنان را در صورتیکه با آنها نزدیکی نکرده اید و برای آنها مهری تعیین ننموده

۱- جبعی عاملی، زین الدین بن احمد (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة (شرح لمعه) جامعه النجف الدینیة، بی جا، چاپ اول، بی تا، ص ۴۵۷.

اید طلاق دادید، بر شما گناهی نیست و باید آنها را بهره ای از مال خود دهید و به طرز پسندیده از مال خود برخوردار کنید، توانگر به مقدار خویش و تنگدست به مقدار خویش، که این حق بر نیکوکاران ثابت و الزامی است^۱ بنابراین استدلال به آیه بیستم سوره نساء مبنای درستی برای تعیین مهر نیست. به ویژه با توجه به آثار مترتب بر نظر مقابل و احادیث بسیاری که در زمینه آن موجود است این مبنای قوت بیشتری برخوردار می شود.

به ویژه در وضع موجود که زیادی خارج از انتظار مهر، به حدی رسیده که بحث از کم و زیادی مهر به بقا و عدم بقای نکاح منجر شده است و در این وضع که مهر به شیئی که وجودش مستلزم عدمش است تبدیل شده و به این ترتیب، همه استدلال های موافق را که با فرض عدم اخلال به اصل نکاح مطرح شده است را حذف و حرمت مهریه این چنینی و بطلان استدلال های قبلی را ثابت کرده است.

در خصوص روایات نیز باید گفت در کنار روایات مذکور که مستند گروه اول قرار گرفته است روایات زیادی نیز وجود دارد که به مذمت مهریه زیاد پرداخته و به کم بودن مهریه تاکید نموده است که به آن اشاره خواهد شد.^۲

برخی از مراجع معظم نیز به مهریه های کنونی و قوانینی که در این رابطه وجود دارد انتقاد دارند که برای نمونه حضرت آیت الله مکارم شیرازی در درس خارج فقه در مسجد اعظم قم فرمودند "قوانینی که در خصوص دریافت مهریه در قانون وضع شده، خلاف شریعت است و باید اصلاح شود، همچنین اظهار داشتند بر اساس

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۶.

^۲ علی آبادی علی، همان منبع

آماری که این هفته در مطبوعات منتشر شد بود، روزنامه ۶ نفر به دلیل پرداخت نکردن مهریه به زندان می روند، که این کار خلاف اسلام است و آبروی اسلام را از بین می برد.

این مرجع تقلید با بیان این که جوانی که قصد ازدواج دارد، خانواده عروس برای حفظ آبرویشان مبلغ مهریه را بالا اعلام می کنند، گفتند: وقتی که همسر، این مهریه سنگین را به اجراء می گذارد، پس از این که این جوان به زندان رفته و مشخص می شود، توان پرداخت مهریه را ندارد، برای او این مبلغ را قسط بندی می کنند، به این گونه ای که برای پرداخت آن بیش از صد سال عمر لازم است! معظم له افزودند: در این عرصه سه قانون خلاف شرع وجود دارد، که امید است مسئولان قضایی با همکاری مجلس شورای اسلامی، این سه قانون غیر منطقی را که آبروی اسلام را می برد، حذف کنند. ایشان زندانی کردن مرد در شرایطی که توان پرداخت مهریه را ندارد را نخستین خلاف قانون شرع دانستند و گفتند: تنها فرد زندانی می شود که ثابت شود پول دارد و نمی دهد، و پول نداشتن نیاز به ثابت شدن نیز ندارد، و این خلاف شرع می باشد. حضرت ایت الله مکارم شیرازی دیگر قانون خلاف مبانی اسلام در این عرصه را پرداخت تمامی اقساط برای تمکین زن بر شماردند و گفتند: حال که برای آن مرد برای نمونه یک سکه قرار می دهند، زمانی که اولین سکه پرداخت می شود، زن باید به نزد شوهر خود بازگردد، و این که تمامی مهریه را به صورت کامل پرداخت کند تا زن تمکین نماید، خلاف شرع می باشد.

معظم له با اشاره به این که عده ای می گویند، چنین مسائلی در جلسه ای مطرح شد، ولی پذیرفته نشد، خاطر نشان کرد: این جلسات باید در قم و در حوزه و در نزد علما و مراجع مطرح شود.

ایشان هم چنین افزودند: قانون دیگر، داشتن قصد جدی در عقد می باشد، حال این سؤال مطرح است: آیا جوانیکه سه - چهار میلیون قرض کرده و می خواهد ازدواج کند و مهریه سنگین را تقبل می کند، قصد جدی در پرداخت آن را دارد؟ چون عندالمطالبه است، آیا می تواند فردا آن را پرداخت کند.

این مرجع تقلید در ادامه، راهکاری ارائه دادند و گفتند: چنان چه قانون تصویب شود که مهریه از فلان اندازه بیشتر شود، دفاتر ازدواج ثبت نکنند. اقدام خوبی است.^۱

۳-۲- حکم تکلیفی و وضعی مهریه زیاد

در این قسمت به بررسی حکم تکلیفی و وضعی مهریه زیاد می پردازیم.

۳-۲-۱- حکم تکلیفی مهریه زیاد

نکته مهمی که باید در این قسمت مد نظر باشد این است که بحث از کم یا زیاد مهر به شکل گذشته آن مطرح نیست تا استدلال ها یا مستندات قبلی مطمح نظر واقع شود. آنچه در این نگارش مد نظر قرار گرفته وضعیت حادث فعلی است که به علت افزایش بی رویه مهریه ها به حدی رسیده است که می رود تا نکاح و بالتبع خود را از بین ببرد. و به شیئی تبدیل می شود که وجودش مستلزم عدم است. چون وقتی نکاح به وجود نیاید، مهر که تابع نکاح است معنی خود را از دست می دهد و هیچ عقلی چنین پدیده ای را تایید نمی کند.^۲ همان طوری که هر عضو معیوب قابل تسری به سایر اعضای انسان باید معالجه شود. بنابراین باید پذیرفت که:

۱. با وصف مرقوم، مهریه های زیاد خارج از توان به شیئی تبدیل شده که وجودش مستلزم عدمش

است و چنین چیزی خلاف است و ناچار باید حذف شود.

۱-مجله افق حوزه، ش ۳۲۴.

۲- علی آبادی علی، همان منبع.

۲. تعیین این نوع مهریه ها را می بایست عملی عبث دانست چون ایفا پذیر نیست و حرمت عمل

عبث در اسلام نیز روشن است . با توجه به محاسبه ای ساده ارائه ایفای آن به معجزه ،اتفاق یا ...

نیاز دارد و تعهدی که ایفا پذیر نیست علاوه بر بطلان عبث و مذموم و حرام است

۳- از لحاظ اجتماعی نیز چون مهر زیاد مانع ازدواج به حساب می آید. بدون تردید منحل نظام

و نظم عمومی است و نکوهیده است . از این رو علی الاصول همچون معضلات دیگری که دولت

در جهت رفع آن کوشش می کند باید در جهت رفع معضل ناشی از تداول مهر سنگین نیز اهتمام

ورزد. با این توجه که به لحاظ مذهبی، دینی ، به نظم کشیدن مهر دارای برجستگی و حساسیت

بیشتری است که در بخش حکم وضعی مورد اشاره قرار خواهد گرفت و اگر چه تا زمانی که

زیادی مهرها همان طوری که بزرگان فقه فرموده اند به کراهت محکوم بود. مانع نکاح نبود . ولی

در حال حاضر که به سمت مانع نکاح شدن سوق می یابد، مسلما حرام است. هر چند در گذشته

نیز آن جا که مانع ازدواج کسی شده که ازدواج برایش واجب بود مسلما واجد حکم حرمت شده

است . شاید با همین ملاحظات ، برخی از فقها به حرمت آن حکم داده اند ^۱

۳-۲-۲- حکم وضعی مهریه های زیاد

دستیابی به صحت تعهد به عنوان یک عمل حقوقی مستلزم شرایط متعددی از جمله قابل ایفا بودن آن است.

این حقیقتی است که مورد قبول همه سیستم های حقوقی اعم از مذهبی و لائیک است و در حال اعمال نیز

میباشد. به طوری که اغلب، بلکه با صرف نظر از مقدمات و اصول کلی باید گفت همه اصول و مواد کنوانسیون

۱- علی آبادی علی، همان منبع.

بیع بین المللی مرتبط با چگونگی تسلیم و تسلیم، یعنی همان ایفا است. این طبیعی است زیرا اصولاً تعهد به خاطر ایفا صورت می گیرد و الا اگر ایفا در پی تعهد نباشد نفس عمل تعهد کاری عبث خواهد بود. به همین دلیل است که در حقوق و فقه اگر امکان تسلیم و تسلیم وجود نداشته باشد معامله را باطل و اگر از بین رفته باشد معامله را قابل فسخ می دانند^۱ به این ترتیب، باید پذیرفت مهرهای منظور که بدون هیچ تردیدی فراتر از قدرت متعهد و صحت آن نیز مورد سوال است و به علاوه از لحاظ رفتاری هم یک طرف امری مالایطاق را بر دیگری تحمیل می کند و طرف مقابل هم وعده انجام پرداختی را می دهد که حتی امید بر پرداخت آن را ندارد یعنی رابطه ای به وجود می آید که از یک طرف زور و طرف دیگرش بی صداقتی است و این پدیده که مقارن با نکاح شکل می گیرد نمی تواند پی آمد خوبی برای زندگی داشته باشد، در نظر گرفتن همین ویژگی ها را باید مبنای نظر فقهی دانست که پذیرنده این قبیل مهریه ها را فاقد قصد جدی اعلام می کند.

به ویژه اگر متعهدله از سعه صدر کافی برخوردار نباشد می تواند با استفاده از لوازم تعهد متعهد را به آلتی بی اراده در دست خود تبدیل کند که این نه می تواند مطلوب باشد و نه می تواند دوام داشته باشد و نه می تواند نشانی از صمیمیت به حساب آید و نه شاید همین مفاسد مهرهای سنگین و مصالح مستتر در مهرهای مناسب مدنظر شارع بوده است که در مناسبت های مختلف کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم را مورد اشاره قرار داده است که اگر چه با توجه به مستندات قبلی به استناد نیازی ندارد ولی اشاره به برخی آیات و روایاتی خالی از لطف نیست. مثلاً آیه ۲۳۶ سوره بقره می فرماید: "باکی نیست بر شما اگر طلاق دهید زنانی را که با آنها مباشرت نکرده اید و مهری مقرر نداشته اید. ولی آنها را به چیزی بهره مند سازید، دارا به قدر (توان)

۱- ۲- علی آبادی علی، همان منبع.

خود و نادار به اندازه (توان) خویش به بهره ای شایسته او. که این سزاوار مقام نیکوکاران است " ۱ اگر چه آیه مربوط به مهر المتهه است ولی ملاک آن کلی است که به مهر المتهه اختصاص ندارد و با توجه به پشتوانه عقلی آن حکم ارشادی است. چون نمی توان گفت کسی تعهدی را به عهده بگیرد که فراتر از توان او باشد. عقل به تناسب توان و تعهد حکم می کند و الا اولاً تکلیف مالا یطاق و ثانیاً تعهد غیر قابل تسلیم می شود که این عملی نکوهیده و باطل است .

از نقل روایات به علت کثرت تعداد آن خودداری و به یادآوری این واقعیت بسنده می کند که شیخ حر عاملی ، که مولف یکی از مجموعه های حدیثی شیعه ، باب چهارم از کتاب وسایل الشیعه را به استحباب مهر السنه اختصاص داده و ۱۱ حدیث را ذیل آن جمع کرده است و با اختصاص باب پنجم آن به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم، در آن نیز ۱۲ حدیث دیگر را گرد آورده است .

بنابراین اگر در هیچ یک از دیگر مجموعه ها ، حدیثی دال بر مورد منظور وجود نداشته باشد که مسلماً نه تنها در دیگر مجموعه ها، احادیث قابل استناد زیاد است که در خود وسایل الشیعه نیز احادیث دیگری در سایر ابواب وجود دارد که دست یابی به آنها به استقراء نیاز دارد و با عنایت به این که مهر السنه یعنی مهریه ای که حضرت پیغمبر (ص) برای همسران خود و دختر مکرمه اش حضرت فاطمه (س) قرارداد ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲/۵ مثقال نقره مسکوک است ^۲ در فقه و منابع آن ملاک مهر، مناسب، به نظر رسیده است و قدر متقین آن این است که تنها در یکی از مجموعه ها ۲۳ حدیث در مورد استحباب مهر کم و مطلوبیت مهر السنه داریم.

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۶.

۱- زحیلی ، وهبه ، فقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، چاپ چهارم ، ۱۴۱۸ه.ق/۱۹۹۷مص ۵۹

این توجه ضروری است که نکوهیده بودن، اختصاص به مهریه هایی دارد که ایفای آن در توان متعهد است و الا مهریه های خارج از توان به عللی از جمله عروض بطلان در نتیجه فقدان ناقل شرعی و قانونی مسلماً حرام و باطل است.^۱

۳-۳- آسب های پذیرش مهریه های زیاد

۳-۳-۱- باورهای غلط و دلایل افزایش مهریه

علی‌رغم توصیه‌های اسلام مبنی بر کاهش میزان مهر برای ازدواج آسان، متأسفانه روزبه‌روز بر میزان مهریه افزوده می‌شود و این در حالی است که اکثر قریب به اتفاق مردان، امکان پرداخت حتی ده درصد از مهریه‌های تعهد شده را ندارند. سؤال مطرح این است که دلیل افزایش مهریه با این سرعت عجیب و تصورنکردنی چیست؟ در این خصوص می‌توان به دلایل ذیل اشاره نمود:

الف - اگر مهر سبک باشد با توجه به اینکه طبق قانون مرد هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد، به اندک کدورتی میان زوجین و بعضاً به جهت هوسبازی و تنوع طلبی مرد زن خود را طلاق می‌دهد. اما وجود مهر سنگین مانع از وقوع طلاق است.

ب- با توجه به اینکه در کشور ما، زنان توان مالی مناسبی ندارند، مهریه‌ی سنگین پشتوانه‌ی مالی مناسبی است تا در صورت جدایی از نظر مالی دچار مشکل نشوند.

۲- علی آبادی علی، همان منبع.

ج- کم بودن مهریه باعث کاهش ارزش زن و خانواده‌ی او در قبال مرد و اطرافیان اوست، برای اینکه دیگران برای شخص ارزش قائل شوند، باید خود و ارزش خود را بالا ببرد و بالا بودن مهریه، این ارزش را ایجاد می‌کند.^۱

د- با توجه به تورم موجود در جامعه و گرانی همه ساله‌ی همه‌ی اجناس و کالاها میزان مهریه نیز باید افزایش پیدا کند.

ه- رقابت و چشم و هم‌چشمی موجود در همه‌ی شئون جامعه، به مهریه نیز سرایت کرده و خانواده‌ها برای اینکه از یکدیگر در این خصوص نیز عقب نیافتند، به این رقابت دامن می‌زنند. همه‌ی این دلایل به خانواده‌ی دختر باز می‌گردد و نگرانی آنها از زندگی آینده‌ی او، خود دلیل موجهی بر این است که بر مهریه‌ی سنگین پافشاری کنند.

و- به نظر نگارنده دلیل اصلی بالا رفتن مهریه، که به مرد برمی‌گردد، از آن غفلت شده و این است که مرد هنگام ازدواج و تعیین مهریه با توجه به عرف حاکم خود را ملزم به پرداخت مهریه نمی‌داند. مرد هنگام انعقاد عقد نکاح ریالی بابت مهریه‌ی تعهد شده نمی‌پردازد و از این بابت فشاری را تحمل نمی‌کند.

از آنجا که در عرف، زن زمانی خود را محق برای مطالبه‌ی مهریه می‌داند که اختلافی بین وی و شوهرش رخ داده باشد برای مرد فرق نمی‌کند که در سند ازدواج چه مبلغی را متعهد شده است، یعنی با توجه به اینکه هنگام انعقاد عقد نکاح فقط میزان مهریه نوشته می‌شود و عرفاً تا قبل از بروز اختلاف بین طرفین تا زمانی که زن و مرد به خوبی با یکدیگر زندگی می‌کنند، زن از شوهر خود درخواست مهریه نکرده و اصولاً چنین امری

را خلاف حسن معاشرت تلقی می‌نماید و مرد نیز پرداخت مهریه به همسر خویش را در زمان صلح و زندگی مسالمت آمیز و همراه با محبت، بر نمی‌تابد، مرد حاضر به پذیرش این تعهد می‌گردد، زیرا هنگام انعقاد عقد، زن و مرد، به فکر اختلاف نبوده و قصد دارند در کنار هم زندگی کنند نه اینکه با یکدیگر معامله کنند.^۱

اگر زوجین مطابق شرع و قانون خود را ملزم به پرداخت مهریه در زمان انعقاد عقد بدانند، هیچ‌گاه زیر بار این تعهد سنگین، که واقعاً از قدرت آنها خارج است، نخواهند رفت و مهریه‌ها به این اندازه افزایش پیدا نمی‌کرد. اما ضرب‌المثل معروف "کی داده و کی گرفته" به باور و قبول مرد رسیده و حاضر می‌شود مهریه‌ای را که قرار نیست داده و گرفته شود و فقط در سند نکاحیه درج می‌گردد را بپذیرد. حال آنکه واقعیت آن است که زن در وقت مقتضی این تعهد را مطالبه می‌کند و برای مرد دردسر ساز می‌گردد.

و به همه موارد بالا شاید بتوان اصل آزادی اراده‌ها را اضافه کرد

۳-۳-۲- آثار منفی مهریه های زیاد

منظور از مهریه زیاد در این نگارش مهریه ای است که زیادی آن قابل مسامحه نیست. و در مواردی در این زیادی به حدی می‌رسد که علاوه بر اطمینان به پرداخت، امید به ایفا را نیز از بین می‌برد و واجد آثار منفی زیادی می‌شود و در مواردی بر اساس قواعد عمومی قراردادها باطل، و فاقد ناقل شرعی و قانونی می‌شود. بنابراین سعی در این است که به تعدادی از آثار زیان بار این دسته از مهریه‌ها اشاره شود.

۱- بدترین اثر مهریه های زیاد در تقابل قرار گرفتن آن با نفس نکاح است که نمی‌تواند در منظر شارع مورد اغماض قرار گیرد. به طوری که جوان مستعد نکاح با تامل در پذیرش مهریه، اغلب موضوع را غیر قابل قبول یا غیر ممکن از لحاظ وفا، بر آورد می‌کند و دست از نکاح می‌کشد و با ترجیح عزیمت بر تاهل ناخواسته

^۱ - علی آبادی علی، همان منبع.

آثار روحی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ... زیادی را بر خود و جامعه تحمیل می کند. به علاوه سنگین متداول مهریه ها در کنار سایر مشکلات در تصمیم یگیری اولیه جوانان برای ازدواج اثر گذارده و دوران تردید در آمادگی برای ازدواج هم اگر چه حساس ترین دوران غریزه جنسی را تشکیل می دهد و چندان کوتاه و قابل عبور نیست بر سن ازدواج افزوده و این دوران که با نوعی سرخوردگی از امکان ازدواج نیز همراه است ناهنجاری های زیادی را بر جامعه تحمیل کرده است.^۱

۲- یکی دیگر از آثار شوم مهریه های زیاد پیدایش ازدواج صوری است که توسط عده قلیلی از دختران با هدف استفاده سوء از صدر ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی صورت می گیرد و بیم تسری آن نگران کننده است .

ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی مقرر می دارد "هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلا داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عینا، مثلا یا قیمتا استرداد کند." که عینا از فقه وارد حقوق شده است.^۲ در این خصوص مورد شناخته شده ای وجود دارد که: دختری برای سومین بار طرف عقد قرار گرفته و هر بار ایرادهای واهی مطلقه شده و نصب مهریه را دریافت کرده و طی سه مانور متقلبانه حدود ۱۲۰۰۰ سکه بهار آزادی تحصیل کرده بود. بداهت و تعدد آثار زیان بار این عمل زشت، در حدی است که نیاز به نگارش بیشتر را نفی می کند ولی یاد آور این نکته است که باید متوجه بازیچه قرار گرفتن قداست نکاح و از بین رفتن قبح طلاق نیز در کنار دیگر آثار آن بود.^۳

^۱ علی آبادی علی، همان منبع

۲- زحیلی ، وهبه ، فقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، چاپ چهارم ، ۱۴۱۸.ه.ق/۱۹۹۷.م. ۶۸۷

۲- فیض کاشانی ، محمد محسن ، مفاتیح الشرایع، مجمع ذخایر اسلامی، قم ۱۴۰۱.ه.ق، ص ۷۷۷

موارد مذکور از آثار مسلم مهریه های زیاد است که در کنار دیگر آثار منفی خود، مانع نکاح نیز به حساب می آیند. اگر چه همین خصوصیت برای نتیجه گیری کافی است ولی برای جلوگیری از دوباره کاری، مرور اجمالی سرنوشت کسانی که به پذیرش این قبیل مهریه ها تن می دهند نیز ضروری به نظر می رسد.

عده ای دیگر از جوانان با توجه به توان موجود یا امید به تحصیل مال در آینده با قبول مهری فراتر از میزان معقول ازدواج می کنند که یکی از حالات ذیل را در انتظار خواهند داشت :

۱. عده قلیلی با وجود جوانی از طرفی مثل حمایت والدین، ارث و ... اموال کافی در اختیار دارند که اگر چه این عده با قبول مهرهای سنگین عملی در حدود حاکمیت اراده انجام می دهند، ولی توالی آن خالی از خدشه نیست، زیرا اولاً به علت دور شدن از سنت، عمل ایشان واجد مطلوبیت نیست، زیرا مهر کم مستحب و مهر زیاد شوم دانسته شده است. به علاوه نکاح مذکور برای سایر دختران در هم چشمی و مقایسه و برای پسران در برابر استناد به آن سنت سیئه ای ایجاد خواهد کرد که همیشه در معرض گناه کسانی که به پیروی از شیوه ابداعی ایشان عمل می کنند قرار خواهند داشت. به علاوه قرارداد مربوط سفهی به نظر می رسد که باید در این خصوص نیز تاملی داشت .

۲. کسانی که مال و اموال کافی ندارند ولی مهر زیاد را تحت تلقینات خوش باورانه، تاثیر اوضاع به ناچار به عهده می گیرند که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

دسته اول که دیر یا زود با مشکل مواجه و با اعمال مقررات، راهی زندان می شوند. با وجود تعداد زیاد این عده به علت وقوف جامعه از ورود به چند و چون آن خودداری می شود. باید دانست که این عده نیز با گروه قبلی در ایجاد نتایج مذکور مشترک هستند هر چند تعمق در عاقبت اینان می تواند عبرت آموز باشد .

دسته دوم، کثرت بیشتری دارند و قشری را تشکیل می دهند که علی الظاهر با پذیرش مهریه فراتر از توان خود ضمن نیل به هدف ازدواج دلخواه به زندگی عادی ادامه می دهند. در حالی که حقیقت و باطن امر چیز دیگری را نشان می دهد.

از این رو باید پذیرفت دسته اخیر اگر چه ممکن است تا پایان عمر به لحاظ عدم امکان ایفای مهر، راهی زندان نشوند و به زندگی مشترک خود ادامه دهند، ولی نه تنها فاقد دارایی به معنی عرفی آن خواهند بود که واجد دارایی منفی هستند به طوری که، برای حضور در پیشگاه عدل الهی باید با پارچه متعلق به دیگران خود را بپوشانند. البته اگر چنین اجازه ای باشد و ...

عده ای از این جمع نیز تحت فشارهای ناصواب همسرشان روزگار می گذرانند و اگر چه راهی زندان نمی شوند ولی وارد جدال خانوادگی و جنگ و گریزی می شوند که آثار زیان بارش قابل انکار نیست. عده ای را نیز می توان تحت عنوان دارندگان مشاغل خاص مورد اشاره قرار داد که در طول زندگی می توانند مبلغ مهر را تحصیل کنند که با مسامحه می تواند با گروه اول جمع شود. خلاصه این که، چون آثار مهرهای سنگین بیشتر از آن است که بتوان همه موارد آن را بیان کرد لذا به همین مقدار که به عنوان نمونه عنوان شد بسنده می نمایم.^۱

موارد ذیل نیز درباره مطالب فوق قابل ملاحظه می باشد:

۱- یکی از آمارهای مربوط به جمعیت کیفری زندانها متعلق به افرادی است که به علت عدم توانایی در پرداخت مهریه و شکایت همسران خود در زندانها به سر می برند، بدون اینکه از نظر عناصر مربوط به ارتکاب جرم واقعاً مجرم باشند.

^۱- علی آبادی علی، همان منبع

- ۲- بی‌سرپرست شدن خانواده، بیکار شدن یک نیرو در جامعه، گسترش ناامنی روانی و اخلاقی در جامعه و زندانیان غیر بزهکار از مهم‌ترین آسیب‌های این اقدام است.
- ۳- تعیین مهریه سنگین نمی‌تواند ضامن خوشبختی زندگی زناشویی یک زوج شود و اگر کسی خواهان زندگی باشد، با یک سکه هم می‌تواند زندگی کند.
- ۴- برخی موارد تعیین مهریه سنگین صرفاً به دلیل چشم و هم‌چشمی و رقابت با دختران دیگر فامیل یا فشار خود خانواده دختر صورت می‌گیرد که هیچکدام وجه عقلانی و منطقی ندارند
- ۵- گروهی از زنان که در فکر جمع اموال از راه ازدواج و طلاق هستند، در حین خواستگاری و امثال آن چهره خوب، فهیم، عاقل و ... از خود ارائه می‌دهند. پس از ازدواج و گرفتن مهریه، حيله‌گری‌های زن شروع می‌شود، بدسلیقگی در پذیرایی از مهمان، بدسلیقگی در چیدن اثاثیه منزل، بد اخلاقی و ... چنان می‌کند که مرد او را طلاق دهد تا مردی دیگر و زمانی دیگر.

۳-۴- کارکردهای منفی افزایش مهریه

۱-۴-۳- افزایش سن ازدواج

بر اساس یک تحقیق ۷۸ درصد جوانان مهریه سنگین را موجب گریز از ازدواج می‌دانند که این امر خود به مشکلات دیگر می‌انجامد. با توجه به بلوغ زودرس جنسی در جامعه، طولانی شدن زمان ازدواج و عدم تأمین نیازهای روحی و جسمی جوانان، مشکلات روحی و نابهنجاری‌های اجتماعی را به دنبال دارد و به ایجاد بحران‌های شخصیتی و اجتماعی منتهی می‌شود. از جمله این نابهنجاری‌ها، گرایش به ارتباطات غیرمتمعارف

دختر و پسر، افسردگی و اختلالات جنسی است. نیاز دختر و پسر به ازدواج، نیازی طبیعی و ذاتی است، خودداری طولانی از هجوم غریزه شهوت برای دختر و پسر امری مشکل به نظر می‌رسد. گاه طول زمان موجب فساد و افساد و تباه شدن نیاز به ازدواج شده و در مواردی سرکشی غرائز باعث افتادن افراد در منجلاب گناه و معصیت گردیده است. گاهی جلوگیری از ازدواج برای پسران و دختران دردسر آفریده و آنان را به امراض مختلفی دچار کرده است و در برخی موارد ولع به ازدواج و موانع سر راه آن، حکایت عشق و عاشقی به بار آورده و دامن‌های پاک را آلوده می‌کند. بعضی از پدران و مادران به خانواده عروس یا داماد، مهریه‌ای را پیشنهاد می‌نمایند که تحقق آن برای طرف مقابلشان بسیار سخت یا غیرممکن است و آنچنان در پیشنهادهای خود پافشاری می‌کنند که زمان ازدواج دختر و پسر می‌گذرد.^۱

۲-۴-۳- تغییر در نوع همسرگزینی

در برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بالا بودن مهریه، مردان را به انتخاب جایگزین‌های دیگر کشانده است.

در حال حاضر در کشور نفت‌خیز کویت مهریه‌ها بسیار سنگین است، در برخی موارد مقدار آن به پنجاه هزار دلار می‌رسد. این قیمت‌های سرسام‌آور یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش جوانان این کشور به ازدواج با خارجی‌ها به شمار می‌رود و همین مسأله نیز به بروز فساد اخلاقی در این کشور انجامیده است.

۲-۴-۳- کاهش نرخ ازدواج

بیش از ۱/۵ میلیون دختر در عربستان به دلیل افزایش میزان مهریه موفق به ازدواج نشده‌اند. بر اساس این گزارش که در نشریه الوطن به چاپ رسیده، هزینه ازدواج در برخی از مناطق این کشور به ۴۰ هزار دلار می‌رسد. این افزایش هزینه‌ها باعث شده تا جوانان از ازدواج خودداری کنند و تعداد زنان و مردان مجرد این کشور به شدت افزایش یابد.^۱

۳-۴-۳- ایجاد خصومت و دشمنی

از طرف دیگر نزاع‌ها بر سر مهریه نتیجه‌ای شوم دارد و به‌جای آنکه محبت زوجین را بیفزاید، دشمنی و عداوت می‌آفریند و به عوض این‌که نهال دوستی بکارد و دلها را به هم نزدیک سازد، تخم نفرت کاشته و قلب‌ها را از هم دور می‌کند. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: "لاتغالوا فی مهور النساء فتکون عداوه" در مهریه‌های زنان زیاده روی نکنید که موجب دشمنی است.^۲

۴-۴-۳- تحمل اجباری زندگی‌های تصنعی

از دیگر پیامد منفی مهریه‌های سنگین این است که برخی زندگی‌ها علی‌رغم عدم تمایل باطنی زن و شوهر به ادامه آن، همچنان در حالت کاملاً تصنعی ادامه می‌یابد. مرد توان پرداخت مهریه را ندارد و زن بر دریافت آن اصرار می‌ورزد. چنانچه خانواده‌ای دچار بحران شود، بالا بودن مهریه‌ها مردان را مجبور می‌کند یا به قیمت آسیب‌خوردن، در هر حال تنها شکلی بی‌روح و جان از خانواده را حفظ کرده و به یک زندگی جهنمی ادامه

۱- حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین عبدالله، کافی فی الفقه ضمن سلسله الینابیع الفقهیه، به کوشش علی اصغر مروارید، موسسه فقه شیعه و دار الاسلامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق/۱۹۹۰م، ص ۳۲۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ابواب المهور، باب ۵، ح ۳.

دهند یا در صورت تمایل به طلاق چنان فضا را بر زن سخت بگیرند که با میل خود مهریه را بخشیده و خود را از زندان خانواده نجات دهد.^۱

۵-۴-۳- احتمال سوداگری

برخی از دختران با انجام چند ازدواج و طلاق با مهریه سنگین پس از چند سال به ثروت غیره منتظره ای دست می یابند و شوهران آنها به اصطلاح چنان خانه خراب می شوند که قدرت دوباره سازی آن را نخواهند داشت. در گزارشی از سیمای جمهوری اسلامی دختری برای درخواست طلاق با مهریه ۳۰۰۰۰ سکه طلا به دادگاه مراجعه کرده بود. براساس همین گزارش این زن که از ازدواج چهارم طلاق می خواست، از این راه به ثروت کلانی دست یافته بود.

۶-۴-۳- تحت الشعاع قرار گرفتن ارزش های دینی

مشکل بسیاری از این سنخ تحلیل ها، عدم تفکیک درست میان نگرش دین به این سنت با نگرش عرف متشرعان به آن است. بدون تردید میان این دو نگرش و اهداف و غایات مورد نظر آنان ناهمگونی ها و تفاوت های آشکاری وجود دارد و ارائه هرگونه تفسیر واقع بینانه مستلزم بذل توجه عمیق به این تمایزات است. اگر بسیاری از تحلیل های ارائه شده، با نگرش عرف متشرعان و نوع مواجهه آنها با این سنت سازگاری و انطباق داشته باشد، با دیدگاه دین در این باره جدایی کامل دارد، به همین جهت، سفارش به سبک گرفتن مهریه به عنوان یک هدیه با انتظار تأمین آثار مورد نظر عرف، ناسازگاری آشکاری دارد که علت آن ضمیمه کردن نابجای دو ایده، از دو الگو با ویژگی های متمایز است. دیگر این که در نگرش اسلام، حقوق، بستر

۳- علی آبادی، علی، ایجاد سقوط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱. ش ۳۸۱ ص ۱۹۸.

خاص خود را دارد و هیچ گاه از آن به عنوان ابزاری در جهت پرکردن خلأ های اخلاقی استفاده نشده است. آنچه از رویه دین در این خصوص استنباط می شود، عکس این جریان، یعنی استفاده از اخلاق به عنوان ضامن اجرای درست قواعد حقوقی، پرکردن فاصله ها و خلأ های حقوقی و در نتیجه وصول به مراتب بالای قانون گرایی و قاعده مندی از جمله پیامدهای التزام عملی به معیارها و ضوابط اخلاقی و به طور کلی، تحقق اخلاقیات است.^۱

برخی تحلیل ها مبنی بر اینکه مهریه دارای کارکردهای اجتماعی، از جمله تضمین اقتصادی زن پس از طلاق و نیز افزایش امنیت و ثبات ازدواج است، تبیین ناقصی از مسأله مهریه است. از بررسی آیات و روایات اسلامی در مورد میزان مهریه استفاده می شود که اسلام در امضای رسم مهریه، کارکردهای اجتماعی یاد شده را اصل قرار نداده است، چرا که تحقق این کارکرد بدون اختصاص مبلغ قابل توجهی از ثروت به زن امکان پذیر نیست، در حالی که بالابودن مهریه در تعدادی از روایات مورد نکوهش قرار گرفته است و برخی روایات حتی مهریه ای مانند تعلیم یک سوره قرآن به زن را که به طور قطع، ارزش اقتصادی ندارد، مورد تایید قرار داده است.^۲

عرف متشرع از طرفی می خواهد التزام خویش به این سنت دینی را در ظاهر حفظ کند و از طرفی سعی می کند با استفاده از این فرصت برخی خواسته های خویش را برآورده کند. بنابراین افزایش یا کاهش مهریه بیش از آنچه ریشه دینی و مذهبی داشته باشد، تابع نحوه نگرش عرف به آن بوده است. از نقطه نظر دینی هیچ ارتباط مستقیمی بین وجود مهریه و تحقق غایات مورد نظر عرف وجود ندارد.

۱- همان، ص ۲۴۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، صص ۹-۱۲

موارد ذیل نیز در این خصوص قابل تامل می باشد:

الف- هر بدهکاری را باید یکروز داد و مهریه نیز یک دین و بدهکاری محسوب می شود. این درحالیست که مهریه حتی در صورت فوت زن به وراث او ارث می رسد و آنها حق گرفتن مهریه را پیدا خواهند کرد که این موضوع به پیچیدگی رابطه مالی مهریه اشاره دارد .

بدهکاری مرد به زن بر سر مهریه فقط به این دنیا ختم نمی شود و عواقب معنوی و آخرتی نیز بهمراه دارد و چنانچه مهریه در طول زندگی پرداخت نشود مثل دیون دیگر و یا حتی بدتر از آن دیون در آخرت بازخواست خواهد داشت.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

مَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي زَوَّجْتُكَ أُمَّتِي عَلَى عَهْدِي فَلَمْ تُوفِ بِعَهْدِي وَظَلَمْتَ أُمَّتِي فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا، فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَةٌ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنِكَئِهِ لِلْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا^۱

کسی که مهر زن را ظالمانه نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود، روز قیامت حضرت حق به او خطاب می کند، بنده من کنیزم را بر اساس پیمانی که با تو بستم " عقد و ازدواج " به تو تزویج نمودم، به پیمان من وفا نکردی، و بر او ستم روا داشتی، سپس به اندازه حق زن از حسنات مرد برداشته در پرونده همسرش می گذارند، و چون حسنه ای به اندازه پرکردن حق زن نماند، به گناه پیمان شکنی به آتشش می برند، عهد و پیمان مسئولیت دارد .

۲- بحار، چاپ مؤسسه وفاء بیروت، ج ۱۰۰، ص ۳۴۹.

ب- هنگامی که مهریه زیاد باشد اصولاً مرد نیت بر ندادن مهریه خواهد کرد که بر اساس احادیث این کار

معصیت بوده و اساس زندگی زناشویی را زیر سوال می برد .

عن ابی عبدالله علیه السلام قال :

من امهر مهرا ثم لا ینوی قضاءه کان بمنزلۃ السارق .

امام صادق علیه السلام فرمود :

کسی که مهریه‌ای (برای زن قرار دهد) و قصدش این باشد که به او ندهد او همانند دزد است .

ج- زیاد بودن مهریه بر اساس شرع و قانون میتواند موجب حق حبس برای زوجه شود در این حال علاوه

بر اینکه زوجه از همسرش تمکین نمی کند و زندگی مشترکی نیز با او نداشته بدهکار نفقه شده است و در

حالی که بدهکار مهریه است نفقه هم باید بپردازد و همچنان زوجه حق دارد زندگی مشترک با زوج نداشته

باشد، که با روح آرامش و زندگی مسالمت آمیز منافات دارد .

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده در صورت حال بودن(عندالمطالبه) مهر، زن می

تواند از ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .

د- احادیث وارده مهریه زیاد را مذموم و ناپسند شمرده اند و موجب دشمنی زن و شوهر بحساب آورده اند

و از قرار دادن مهریه سنگین بر حذر داشته اند که این نشان دهنده خطرناک بودن و آرامش ستیز بودن مهریه

سنگین است .

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام :

لا تغالوا بمهور النساء فتکون عداوة .

حضرت علی علیه السلام فرمود :

مهریه زنها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد^۱.

ه- برای مهریه های زیاد و خارج از تمکن مالی شوهر خطر به زندان افتادن برای شوهر وجود دارد که در

این صورت آبرو و حیثیت شوهر قبل از هر چیزی ممکن است از بین برود.

ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

ماده ۲) هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا

ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در

دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید، در غیر این صورت بنا به

تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد.

و- زیاد بودن مهریه زن، فرزندان را از ارث محروم می سازد چرا که در هنگام فوت شوهر اولین حقی که

محاسبه می شود مهریه زن است و اگر چیزی از دارائیهای مرد باقی بماند به وراثت و فرزندان تعلق می گیرد

اما در هنگامی که مهریه زیاد باشد عملاً مالی برای مرد باقی نمی ماند تا به فرزندان به ارث برسد.

ز- بالا بودن میزان مهریه باعث افزایش طلاق میشود. شاید عوام براین باور باشند که بالا بودن مهریه باعث

عدم طلاق از سوی مرد است اما چنین نیست زیرا با افزایش میزان مهریه زنان احساس میکنند که دارای

پشتوانه محکمی هستند و برای حفظ زندگی زناشویی از هنر زنانگی خود استفاده نکرده و آن را فراموش

میکنند. لذا مردان در ضمیرناخودآگاه خویش احساس بردگی میکنند و برای رهایی از این بند به فکر چاره می

افتند. و چون چاره ای پیدا نکنند بصورت ناخواسته عصبی و پرخاشگر شده و فشار وارده از سوی زن را با

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱

چندین برابر تقویت به سوی همان طرف مقابل برگشت می‌دهند این کنش و واکنش‌ها بطور مداوم تکرار شده و در آخر منجر به عدم سازش می‌گردد که اگر هر دو مقاومت کنند به خانواده ناهنجار مبدل می‌شود اما در بسیاری از موارد زنها چون از نظر عاطفی حساسند مقاومت خویش را از دست داده و با بخشیدن همان اهرم فشار (مهریه) خود را خلاص می‌کنند. یا در مواردی مردان به اصطلاح پی همه چیز را بر تن خود مالیده و اقدام به جدایی می‌نمایند و تاوان اشتباه خود را با زندان و پرداخت اقساط بلند مدت می‌پردازند.

ح- بالا بودن میزان "مهریه" باعث فساد در جامعه می‌گردد. که این مورد به طرق مختلف انجام می‌شود که به اختصار به یک مورد اشاره می‌شود. برخی از زنان با داشتن اهرم فشار رو به عدم تبعیت نموده و به بی بندوباری روی می‌آورند.

ط- بالا بودن مهریه باعث افزایش توقعات می‌گردد.

ی- بالا بودن مهریه باعث افزایش سن ازدواج و حتی کاهش ازدواج می‌گردد.

ک- بالا بودن مهریه موجب افسردگی و سردرگمی مرد می‌گردد.

خانواده‌ها با شعار "کی داده کی گرفته" مبالغ سرسام‌آوری را برای مهریه در نظر می‌گیرند. اما این سوال مطرح است که اگر خانواده دختر راضی نشد چه باید کرد. به نظر صاحب نظران اگر توقع خانواده دختر از دارایی پسر بیشتر باشد پسر باید قید آن دختر را بزند چون با خانواده کاملاً غیر منطقی طرف است. از طرفی در قسمت دوم بحث حمایت از زنان مطرح می‌باشد مطمئناً مردان دوست دارند که زنانشان در فقدان ایشان حمایت گردد و هر چه در توان دارند برای این مهم مایه می‌گذارند.

بارها این مطالب به تجربه اثبات شده است که مهریه‌های سنگین نمی‌تواند پشتوانه امنی برای تداوم زندگی زناشویی باشد. زیرا در صورت ناسازگاری زوجین و یا بد رفتاری شوهر تحمل و ادامه زندگی بی

معناست و به گواه موارد متعدد چه بسیار اتفاق افتاده که زن در طلاق پیشقدم شده با این منطق که "مهرم حلال و جانم آزاد" که چنین نگرشی در واقع روایتگر روح حریت خواه و عزت طلب انسان است که زندگی بدون عشق و محبت و همراه با حقارت و آزار را دوست نمی دارد. چنانکه شیخ اجل سعدی شیرازی در این باره سروده است:

تهی پای رفتن، به از کفش تنگ

بلای سفر، به که در خانه جنگ

چو طوطی، کلاغش بود هممنفس

غنیمت شمارد خلاص از قفس

کسی برگرفت از جهان کام دل

که یکدل بود با وی آرام دل

۵-۳- بررسی صحت یا عدم صحت مهریه‌های سنگین موجود

چنان‌که گفته شد، امروزه به دلایل مذکور، میزان مهریه بیش از آن است که توان مالی زوج امکان پرداخت هرچند بلندمدت را به وی بدهد.

سؤال مطرح این است که آیا می‌توان چنین مهریه‌هایی را صحیح تلقی کرد؟ به عبارت دیگر مهریه‌های پانصد سکه و هزار سکه و بیشتر که با توجه به وضعیت مالی مردان تازه ازدواج کرده واقعاً پرداختنی نیست، آیا می‌توان گفت این مهریه‌ها به دلیل مقدورالتسلیم نبودن باطل‌اند؟

برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا مقدورالتسلیم بودن را تعریف و سپس اثر مقدورالتسلیم نبودن موضوع معامله در عقد را بررسی کرد. اما قبل از آن باید یادآور شد عقد نکاح دائم به دو عقد تجزیه‌پذیر است یکی توافق

در مورد خود عقد نکاح که توافقی غیر مالی است و دوم توافق در خصوص مهریه که توافقی مالی بوده و قواعد عمومی قراردادهای مالی در خصوص آن لازم‌الرعايه است. لذا باید شرایط موضوع معامله از جمله مالیت داشتن، قابلیت تسلیم و ... در مهریه رعایت گردد زیرا رعایت نکردن آنها اثری مثل رعایت نکردن آنها در عقد بیع دارد.

۳-۵-۱- عقد نکاح عقدی مالی

چنانچه عقد نکاح را عقدی مالی بدانیم هنگامی که مهریه‌ای نامتعارف و سنگین در ذیل عقد ذکر می‌شود که طرفین یقین بر عدم قدرت پرداخت دارند، در نتیجه می‌توان عقد را عقدی باطل تلقی نمود. با توجه به این امر باید از امکان قرار دادن طرفین به تدوین این عقد مبتنی بر مهریه‌های سنگین به عنوان امری برخلاف اخلاق حسنه و نامتناسب جلوگیری نمود و دست افراد را محدود نمود و از سوی دیگر از تحقق عقود برخلاف قانون خودداری نمود.

۳-۵-۲- عقد نکاح عقدی غیر مالی

با این پیش فرض که بپذیریم عقد نکاح، عقدی مالی نیست و مبتنی بر امور معنوی و غیرمالی می‌باشد. در نتیجه وجود مهریه در ذیل عقد را به عنوان یکی از شروط تصریح شده در عقد بدانیم که باید مشروط علیه (کسی که شرط به ضرر او گذارده شده است) بدان عمل کند. با این توصیف این شرط باید شرایط لازم در ماده ۲۳۲ قانون مدنی که بیان می‌دارد "شرط باید به گونه‌ای باشد که شخص قدرت و توانایی انجام آن را داشته باشد، و فایده‌ای عقلانی داشته و نامشروع نباشد" را داشته باشد. به موجب عقد، زوج مالک مهریه می‌شود و می‌تواند درخواست مهریه را به طور کامل نماید، در نتیجه با توجه به شرایط زوج که قدرت و توانایی بر پرداخت مهریه را ندارد بموجب ماده ۲۳۲ این شرط باطل است و هیچ الزامی بر اجرای آن نیست

و نمی‌توان مرد را ملزم به اجرای این شرط نمود. در نتیجه مهرالمثل جایگزین این مهر نامتعارف می‌شود یعنی مهریه‌ایی که متناسب با شخصیت زن است.

لذا میتوان نتیجه گرفت که عقد محقق شده توسط طرفین عقد صحیح است. ولی شرط باطل، و قابلیت اجرا ندارد، و بدین گونه از انعقاد مهریه‌هایی نامتعارف خودداری می‌شود. با توجه به مجموعه مطالبی که بیان شد برای این امر که ما مهریه نامتعارف را نشانه‌ایی از عدم وجود قصد و اراده طرفین و عدم قدرت بر تسلیم آن بدانیم و یا این که به عنوان شرطی نامقدور بدانیم، باید در عرصه عمل به گونه اقدام نماییم که بتوان از وجود این مهریه و تحقق شرایطی نامناسب خودداری نماییم و این امر با تعیین حدودی برای مهریه که بهترین ملاک عرف و شرایطی خاص طرفین است، حاصل می‌شود.

۳-۶- معنای مقدورالتسلیم بودن موضوع معامله

مقدور نبودن تسلیم مورد معامله ممکن است به دلیل ذات مالی باشد که مورد معامله قرار گرفته است، یعنی مال مورد معامله، عرفاً امکان تسلیم ندارد و عدم تسلیم آن به توانائی داشتن و نداشتن متعهد بر نمی‌گردد. به عبارت دیگر چه متعهد چه شخص دیگری نمی‌تواند آن را تسلیم کند، مثلاً، اگر شخصی پرنده‌ی در هوا یا ماهی در دریا را به دیگری بفروشد، یا مهریه قرار دهد این مال نوعاً تسلیم‌کردنی نیست و عدم امکان تسلیم به فروشنده یا زوج بر نمی‌گردد.

این عدم امکان تسلیم ناشی از طبیعت موضوع معامله است، اما گاهی اوقات موضوع معامله نوعاً و ذاتاً تسلیم‌کردنی است ولی متعهد امکان تسلیم آن را ندارد، مثل تعیین ۱۰۰۰ سکه‌ی بهار آزادی به عنوان مهریه که بر ذمه‌ی زوج قرار گرفته است. تهیه و تسلیم این مقدار مهریه ذاتاً غیر مقدور نیست و به وضعیت مالی زوج مربوط است و اگر شخصی توانائی مالی داشته باشد، امکان تسلیم آن وجود دارد ولی برای یک فرد عادی

امکان پذیر نیست. در این مثال مورد معامله ذاتاً مقدورالتسلیم است و عدم امکان تسلیم به طبیعت موضوع معامله بر نمی‌گردد بلکه به متعهد مربوط است و ناتوانی متعهد باعث غیر مقدورالتسلیم بودن مورد معامله شده است.

"از دیگر شرایط مورد معامله که در حقیقت از شرایط ثانوی قرار داد محسوب میشود، مقدورالتسلیم بودن آن است. منظور از این شرط این است که انتقال دهنده مال یا حق یا تعهد، توانایی تسلیم مورد قرارداد را به منتقل الیه یا متعهدله را داشته باشد، وگرنه معامله مربوط به آن مورد باطل است"^۱

اکنون باید دید مقدورالتسلیم بودن به موضوع معامله بر می‌گردد یا به توانایی متعهد؟ پاسخ به این سؤال از این جهت اهمیت دارد که اگر غیر مقدورالتسلیم بودن مورد معامله را ناشی از خود موضوع بدانیم، مهریه‌های تعیین شده را به علت اینکه ذاتاً قابل تسلیم است باید صحیح تلقی کرد، اما اگر این امر به متعهد برگردد، نمی‌توان به صحت توافقی‌های مهریه حکم نمود.

فقها در میان مسائل مربوط به بیع ضمن بیان شرط مقدورالتسلیم بودن مورد معامله مبانی متعددی را برای این شرایط ذکر کرده‌اند که از هر کدام از این مبانی می‌توان استنباط ویژه‌ای داشت.^۲ اما با مراجعه به ماده‌ی ۳۴۸ قانون مدنی^۳ می‌توان گفت آنچه اهمیت دارد توانایی بایع در تسلیم مبیع است زیرا توان تسلیم وصفی است که به انسان باز می‌گردد و مربوط به مالک مبیع است و نه خود آن و آنچه در ماده‌ی ۳۴۸ تأکید شده قدرت

۱- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.

۲- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، بی تا، ج ۲۲، ص ۳۹۱.

۳- بیع چیزی که... بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد.

بایع بر تسلیم است نه اوصاف مبیع و قابلیت آن برای تسلیم^۱. هرچند در صورت قابل تسلیم نبودن ذاتی مبیع اثر بطلان بر آن هم بار می‌شود. علت این حکم را باید در بی‌اثر ماندن بیع جست‌وجو نمود، زیرا ناتوانی فروشنده از تسلیم مبیع رسیدن به هدف معامله را ناممکن ساخته و این امر باعث بیهوده ماندن بیع می‌گردد.^۲ همین استدلال را می‌توان در خصوص مهریه هم به کار برد. تسلیم مهریه به زوجه و امکان تصرف وی در آن مهم است. اگر این امکان برای زوجه نباشد، بین اینکه علت عدم امکان تسلیم به مرد بر می‌گردد یا به خود مهریه تفاوتی نیست.

۱-۶-۳- اثر غیر مقدورالتسلیم بودن موضوع معامله

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به صراحت ماده‌ی ۳۴۸ قانون مدنی که عدم امکان تسلیم را سبب بطلان قرارداد می‌داند، می‌توان با وحدت ملاک برآمده از این ماده، در مورد مهریه نیز همین حکم را جاری نمود. با این تفصیل نمی‌توان به صحت مهریه‌های سنگینی که عندالمطالبه بر ذمه‌ی زوج قرار می‌گیرد حکم نمود، چرا که امکان تسلیم این مهریه با وصف موجود برای زوج وجود ندارد. برخی از فقها چنین مهریه‌هایی را به علت عدم توانائی زوج جدی تلقی نکرده و معتقدند اراده‌ی واقعی در این خصوص وجود ندارد که معنای آن بطلان توافق بر مهریه است.

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که در بعضی ازدواج‌ها مهریه‌های سنگین در نظر گرفته می‌شود که عندالمطالبه نیز می‌باشد، در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم پول ندارد. ولی برای اینکه ازدواج سر بگیرد،

۴- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی- قواعد عمومی قراردادها، بهنشر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه.ش، ص، ۴۲۷.

۵- کاتوزیان، همان منبع.

مثلاً ۲۰ میلیون تومان مهر پیشنهادی را می‌پذیرد و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد و از اول هم محرز است که در صورت مطالبه قادر به پرداخت چنین مهریه‌ای نخواهد بود. این ازدواج‌ها چه حکمی دارد، فرموده است: "این‌گونه مهریه‌ها با چنان قرائتی که گفته شد جدی نیست... بنابراین به اجرا گذاشتن آن در صورت عدم قدرت جایز نمی‌باشد" ^۱.

۱- مجله افق حوزه، ش ۳۲۴، ص ۲۰.

فصل چهارم

بررسی موارد بازاشت بدهکار مهریه

۱-۴- مهریه و حق حبس زن و شرایط و نتایج اعمال آن

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکایت دارد: زن می تواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. یکی از مظاهر بارز قاعده «عدل و انصاف» حق حبس است. در عقود معوض هر یک از طرفین بعد از ختم عقد حق دارد مالی را که به طرف منتقل کرده به او تسلیم نکند تا طرف هم متقابلاً حاضر به تسلیم شود به طوری که در آن واحد (یدابه ید) تسلیم و تسلیم به عمل آید.^۱ در ادبیات حقوقی به این امکان امتناع از انجام تعهد تا ایفای تعهد طرف مقابل در عقود معاوضی «حق حبس» می گویند. در نظر فقها و حقوقدانان این حق ناشی از قواعد کلی و عمومی عدل و انصاف است که در عقد نکاح نیز جاری می دانند. فقها با عباراتی شبیه به: «للزوجه الامتناع قبل الدخول حتی تقبض مهرها ان كان حالاً»^۲ و حقوقدانان با عباراتی مانند: چون مهر در عقد نکاح عوض است، لذا زوجه می تواند قبل از دریافت مهر از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند.^۳ «بر مشروع و رسمی بودن این حق تاءکید نموده اند. به قول اکثر حقوقدانان وظایف زناشویی منحصر در تمکین خاص زوجه از زوج نیست، بلکه زوجه مجاز است تا گرفتن مهر خود از تمام وظایف زندگی مشترک مانند سکونت زن در منزل شوهر و پذیرش حق ریاست شوهر بر خانواده خودداری نماید»^۴. استاد دکتر ناصر کاتوزیان در جلد اول از کتاب خانواده می گویند: «. . . باید اعتراف کرد که جدا کردن وظایف زناشویی از یکدیگر در پاره ای امور دشوار است. برای مثال چگونه می توان از زنی انتظار داشت که به خانه شوهر رود و با او زندگی کند و بتواند از تمکین امتناع ورزد. . .» رویه

^۱ آقازاده، محمدرضا، گفتارهای ساده حقوقی، مشهد، قاسمی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴

^۲ حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، قم، دار التبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳.

^۳ آقازاده، همان، ص ۲۶۵

^۴ مواد ۱۱۱۴ و ۱۱۰۵ قانون مدنی

قضائی نیز گویای صحت این استنباط حقوقی می باشد. کما اینکه شعبه سوم دیوان طی حکم شماره ۲۶۶۰-۱۳۱۸/۴/۲۹ بازگشت زن به منزل شوهر را از مصادیق تمکین دانسته است. برای آنکه زوجه بتواند از حق حبس خود استفاده کند وجود شرایط زیر لازم است: ۱- مهریه حال باشد. برابر ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی مهر می تواند کالا یا جزئا حال یا به وعده باشد.

اگر مهر مدت دار باشد زمانی زوجه حق مطالبه آنرا دارد که مدت سپری گردد و چون از زمان عقد نکاح زوج مجاز است که ایفای وظایف زناشویی را از زوجه طلب کند، زوجه نمی تواند از حق حبس خود استفاده کند. اما در فرضی که زوج از زوجه طلب ایفای وظایف زناشویی را ننماید و زمان پرداخت مهریه فرا رسد لامحال زوجه نیز خواهد توانست از حق حبس خود تا استیفای مهرش استفاده کند. در صورتی که مهر وعده دار نباشد چون به موجب ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به محض وقوع عقد نکاح زوجه مالک مهر می شود، چنانچه مهر عین معلوم باشد می تواند در آن هر نوع تصرف مالکانه ای بنماید و اگر مهر وجه یا مسلوک باشد می تواند آنرا مطالبه کند و تا زمانی که زوج آن را تاءدیه ننماید می تواند از حق حبس خود استفاده کند. ۲- زوجه قبل از گرفتن مهریه به ایفای وظایف زناشویی اقدام نکرده باشد. برابر ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی چنانچه زوجه قبل از گرفتن مهریه اختیار و اراده خود از زوج تمکین خاص نماید. حق حبس وی ساقط گردیده و دیگر مجاز به امتناع از تمکین و سایر وظایف زناشویی نیست. در این رابطه بیان دو نکته سودمند است: اول: در اینجا مقصود از وظایفی که زوجه در مقابل شوهر دارد مندرج در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی ناظر به تمکین خاص است. شهید اول در این مورد معتقد است زن می تواند پیش از نزدیکی کردن، امتناع کند تا مهر خود را بگیرد در صورتی که مهر بدون مدت باشد ولی حق ندارد پس از آن (نزدیکی) امتناع کند.

دوم: اگر زوجه به جبر و زور یا اکراه یا در حال بیهوشی تسلیم زوج شود حق حبس وی ساقط نمی گردد. ۳- هنگام عقد نکاح زوجه نداند که زوج قادر به پرداخت مهر نیست. چنانچه مهر مدت دار باشد قدرت زوج بر پرداخت مهر هنگام تاءدیه لازم است و چنانچه مهر تماما یا جزئا حال باشد و زوجه زمان عقد نکاح نداند که زوج قادر به پرداخت نیست و یا بعد از عقد نکاح تا موقع «عروسی» زوج معسر و ندار گردد حق حبس برای زوجه تا گرفتن تمام یا آن قسمت از مهر که حال است. وجود خواهد داشت آقای دکتر ناصر کاتوزیان در این مورد گفته اند: «... به هر حال اعسار شوهر حق حبس زن را از بین نمی برد زیرا راست است که در چنین حالتی مطالبه مهر از او امکان ندارد ولی باید دانست که امکان گرفتن مهر با استفاده از حق حبس ملازمه ندارد. همچنین در موردی که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست شوهر و به دلیل اعسار او مهلت عاقله می دهد یا قرار اقساط می گذارد، نباید مهر را موجد پنداشت زیرا، اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می شود، حاکی از اراده او بر سقوط حق حبس نیست^۱.

اما این پرسش مطرح است اگر هنگام عقد نکاح زوج ندار بوده و زوجه از این امر آگاه بوده است و مهریه نیز حال باشد آیا زوجه می تواند به استناد حق حبس از تمکین و ایفای وظایف در مقابل شوهر تا گرفتن مهریه خودداری کند؟ برای روشن شدن موضوع می توانیم این مثال را در نظر بیاوریم: خانمی به همسری مرد جوان دانشجویی با مهریه هزار سکه طلا که بر عهده زوج است در می آید این در حالی است که زوجه وضعیت و شرایط اقتصادی و عدم قدرت وی را در هنگام عقد اطلاع داشته است. آیا زوجه می تواند به استناد حق حبس از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند؟ برای پاسخ این سؤال: ابتدا باید توجه داشته باشیم که قوانین و مقررات مربوط به موضوع های خانوادگی مانند قرابت، نکاح و طلاق، اولاد، نگهداری و تربیت اطفال، ولایت و حضانت

^۱ حکم شماره ۲۷۵۲-۱۳۱۷/۱۲/۷- اصول قضائی عبده نیز موید این موضوع است.

که بنیان جامعه را شکل می دهند مربوط به «مصلح اجتماعی» بوده و تابع قواعد و مقررات آمره و اجتناب ناپذیر هستند. عقد نکاح هم که بر اساس رضایت زوجین و به قصد تشکیل خانواده و زندگی مشترک و نگاهداری و تربیت فرزندان واقع می شود در ارتباط با «مصلح عمومی» جامعه می باشند.

در تمامی عقود رضایی که با توافق طرفین منعقد می شود طرفین به آسانی با توافق می توانند آنها را بر هم زده و حتی آثار آنها را هم زایل کنند. اما انحلال زندگی مشترک مستلزم پیروی از قواعد و تشریفات است که حکومت با هدف جلوگیری از تلاشی خانواده آنها را وضع نموده است، می باشد و حتی با انحلال نکاح آثار به جای مانده از نکاح مانند انتساب فرزندان مشترک به والدین را نمی توان از بین برد و همانطور که گفته شد بین مهریه و پیوند زناشویی رابطه علیت وجود ندارد و نباید عقد نکاح را با خرید و فروش یا سایر عقود معوض قیاس تام کرد. کما اینکه قانونگذار در مواد ۱۰۸۱ و ۱۰۸۷ و ۱۱۰۰ قانون مدنی مقرراتی را پیش بینی کرده است که به طور حتم دلالت بر آن دارد که وضعیت مهریه ارتباطی با اصل نکاح و طلاق ندارد. بنابراین خانمی که اطلاع دارد خواستگار وی قادر به پرداخت مهریه نیست و با این وصف به عقد ازدواج وی درمی آید نه تنها نمی تواند به لحاظ عدم قدرت و استطاعت زوج بر پرداخت مهریه تقاضای بطلان عقد (۱۰۸۱ قانون مدنی)^۱ را بنماید بلکه مجاز به استفاده از حق حبس هم نیست و از این رو می بایست بلافاصله پس از عقد با درخواست زوج به ایفای وظایف زناشویی اقدام نماید و گرنه «ناشزه»^۲ محسوب خواهد شد.

^۱ ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی: «اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تاءدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

^۲ زوجه ای را گویند که حقوقی ناشی از نکاح را که برای زوج حاصل شده ایفاء نکند و ترمینولوژی حقوق.

بعضی از دلایل درستی این ادعا به شرح زیر می باشد: ۱- از آیه مبارکه «لا تمسکو هن ضراراً لتعتدوا» و قاعده لا ضرر استنباط می شود، اگر کسی برای دستیابی به حق خود راهی را انتخاب کند که موجب ضرر دیگری شود در حالی که می توانست از طریقی دیگر که ضرری متوجه دیگری نشود به آن حق یا امتیاز دست یابد. این نحو عمل مذموم و ممنوع می باشد (ممنوعیت استیفای حق به ضرر غیر). خانمی که یکی از مقاصد وی تحصیل مهریه (حق مشروع و قانونی) است، می بایست همسری مردی را برگزیند که هنگام عقد متمکن باشد و گرنه با علم و اطلاع از اینکه زوج متمکن نیست نمی تواند استیفای حقش (حق حبس برای گرفتن مهریه) را به ضرر زوج اعمال نماید. ۲- قاعده «عدل و انصاف» که بر رعایت موازنه در امور استوار است و ناشی از وجدان و فطرت انسانی است و همان حق حبس زوج را تجویز می نماید، به خانمی که عالماً عامداً به عقد مردی درآمده که فاقد قدرت و استطاعت مالی است این اجازه را نمی دهد که از ایفای وظایف زناشویی سرباز زند.

۳- قاعده فقهی «اقدام» دلالت دارد: «هر کس به ضرر خود اقدامی کند در مورد این عمل کسی در مقابل او مسئولیت مدنی ندارد» در فرضی که خانمی هنگام عقد نکاح با علم به اینکه زوج قدرت و استطاعت پرداخت مهریه را ندارد، به عقد نکاح وی درمی آید، فی الواقع مبادرت به «اقدام» علیه خود کرده است. لذا نمی تواند به لحاظ اقدام خود مسئولیت زوج را به پرداخت فوری مهریه بخواهد، بلکه مکلف است ضمن ایفای وظایف زناشویی تا زمان قدرت و استطاعت زوج به پرداخت مهریه منتظر بماند. ۴- وقتی که زوج می پذیرد مهریه او مدت دار باشد در حقیقت بطور ضمنی حق حبس خود را ساقط کرده است. بالطبع وقتی که هنگام عقد نکاح می داند زوج قادر به تاءدیه مهریه نیست فی الواقع پذیرفته است که مهریه را زمانی از زوج مطالبه کند که وی قادر

و مستطیع از پرداخت باشد و در اینجا نیز بطور ضمنی حق حبس خود را ساقط کرده است.^۱ به همین لحاظ در گذشته عموماً و در حال حاضر نیز پاره ای از سردفتران ازدواج در نکاحنامه ها قید می کنند: «مهریه بر ذمه است که می بایست «عندالقدره و الاستطاعه» بپردازد.^۲ ۵- گروهی از فقها اعتقاد دارند: «چنانچه مهریه زن از ابتدا به قدری زیاد باشد که زوجه از اول می دانسته که شوهر توان پرداخت آن را ندارد در چنین صورتی حق حبس از او ساقط است و در صورت عدم تمکین ناشزه می شود.

نتایج اعمال حق حبس زوجه زمانی که زوجه از حق حبس خود استفاده می کند امتیازهای زیر از اعمال این حق برای وی حاصل می شود: ۱- زوجه را نمی توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زناشویی کرد. ۱- ۱ رای شماره ۵۲۶-۱۳۶۹/۹/۱۱ شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور حکایت دارد: «با توجه به محتویات پرونده کلاسه ۳۴-۶۸ مدنی خاص و امعان نظر در آن و یا توجه به استحقاق زوجه دوشیزه که شرعاً و طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می تواند تمکین ندهد تا مهریه به او پرداخت شود. علیهذا الزام دوشیزه. . . به تمکین از شوهرش آقای. . . قبل از پرداخت مهریه موجه و شرعی و قانونی نمی باشد. . .» ۲-۱- دکتر سید مصطفی محقق داماد در کتاب بررسی فقهی حقوق خانواده می گویند: «زوجه می تواند مادام که مهر را دریافت نداشته است از سکونت در مسکنی که شوهر تهیه نموده خودداری کند و اگر چنین کرد ناشزه محسوب نمی شود. . .» ۲- در صورت تقسیط پرداخت مهریه حق حبس زوجه تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می ماند. مفاد رای شماره ۷۲/۷/۲۴-۸ شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور چنین حکایت دارد «. . . زوجه غیر مدخوله است. . . بنابراین تمکین زوجه غیر مدخوله

^۱ ماده ۲۲۰ قانون مدنی - عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایج هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می نماید.

^۲ صفایی، سیدحسین وامامی، سیداسدا...، مختصرحقوق خانواده، دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴.

از زوج منوط پرداخت تمام مهریه می باشد. . . « کمیسیون حقوقی شورای عالی قضائی در پاسخ به این سؤال: در صورتی که مهریه زوج حال باشد با علم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط، آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد و در صورت امتناع حق نفقه دارد یا خیر؟ اظهار نظر نموده است: «تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد. « ۳- زوجه مستحق نفقه خواهد بود.

قسمت اخیر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به صراحت زن را زمانی که اعمال حق حبس می نماید مستحق نفقه می داند. بنابراین اگر زوجه حاضر به تمکین باشد ولی آن را موکول به دریافت مهر که حق وی است، بنماید عنوان ناشزه نداشته و از این رو زوج مکلف است که نفقه همسرش را پرداخت کند. خلاصه پرونده و رای شماره ۲۶۵-۷۰/۲/۲۳ شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور حکایت دارد: «نظر به اینکه هنوز نزدیکی صورت نگرفته و زوجه تمکین خود را مشروط به دریافت مهریه نموده است با این وصف زوجه ناشزه محسوب نمی شود. . . « همچنین از خلاصه پرونده ۸-۷۲/۷/۲۴ شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور نیز که بیان می نماید. . . زن نمی تواند در صورت عدم تسلیم مهریه از وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط به حال بودن مهر، این امتناع مسقط نفقه نخواهد بود. . . « استنباط می گردد که زن در دوران اعمال حق حبس استحقاق مطالبه و دریافت نفقه را دارد. لذا در صورتی که زوج از پرداخت آن خودداری کند می تواند با مراجعه به دادگاه خانواده الزام زوج را به پرداخت نفقه ایام گذشته و ایام جاری بنماید. ۴- در صورت خودداری زوج از پرداخت نفقه، زوجه حق شکایت کیفری از زوج خواهد داشت.

در نظر مشهور فقهاء اگر زوج در حال ایسار (توانائی مالی) از پرداخت مهریه خودداری کند، اولاً معصیت کرده است ثانیاً زوجه می تواند از تمکین خودداری نماید در حالی که حق نفقه وی نیز ساقط نشده و برای گرفتن

حقوق خویش به دادگاه صالحه مراجعه، و دادگاه زوج را نسبت به عدم انجام وظیفه شرعی مؤاخذه و او را به پرداخت مهریه ملزم نماید. . . .^۱ مقصود از مواخذ، تعزیر زوج می باشد و به همین جهت در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد. . . دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید» اکثریت قریب به اتفاق اعضای کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضائی دادگستری استان تهران در ۱۳۷۷/۷/۱ در این مورد چنین اظهار نظر نموده اند: «با توجه به مواد ۱۰۸۵ و ۱۱۰۸ قانون مدنی چون زوج به علت مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع می کند و این امتناع مسقط حق نفقه او نیست، به عبارت دیگر مستحق دریافت نفقه از شوهر می باشد، چنانچه شوهر با داشتن استطاعت، نفقه او را ندهد مطابق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است. » باید توجه داشت در اینجا مقصود از «استطاعت» قدرت پرداخت نفقه جاریه زن است. این امکان وجود دارد که مردی قادر به پرداخت مهریه نباشد.

ولی استطاعت پرداخت نفقه جاریه را داشته باشد. که در این حالت زوج مکلف به پرداخت نفقه جاریه زوج بوده که در صورت امتناع از پرداخت قابل تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود.

شکایت ترک نفقه زوج با عتذار عدم تسلیم مهریه از سوی زوج فاقد وصف کیفری است. در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این اختیار به زوج داده شده است که تا وصول تمامی مهریه از تمکین و ایفای وظایف زناشویی خودداری نماید این امتناع مسقط حق نفقه وی نخواهد بود در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تاءدیه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. پس تعقیب جزائی زوج را با ۲ شرط قانونگذار

^۱ حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، قم، دار التبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰، ص ۷۴.

جایز دانسته اول استطاعت مالی و دوم تمکین زوجه. برخی از محاکم اعتقاد داشتند مراد از تمکین، تمکین بمعنای عام است و زوجه می تواند در صورت عدم پرداخت مهریه از تمکین بمعنای خاص امتناع ورزد و با فرض مذکور شکایت کیفری زوجه با توجه بماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و ماده ۶۴۲ قابل استماع است چون حداکثر مجازات مقرر قانون تجدیدنظر خواهی را از ناحیه محکوم ممتنع نموده بود نهایتاً موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردید و نهایتاً امتناع زوجه از تمکین را مسقط تعقیب کیفری زوج دانست.^۱

نکته: نماینده دادستان محترم کل کشور در جلسه وحدت رویه قضائی عقیده داشت که مراد از تمکین که در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده تمکین در مقابل نشوز است بنابراین عدم تمکین از شوهر مادامی که مهر به زن تسلیم نشده باشد موجب نشوز او نیست و از جهت کیفری قابل تعقیب می باشد. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده، در صورت حال بودن مهر، زن می تواند از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزائی بالحاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای باز دارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی که بموجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تاءدیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر براءت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی

^۱ امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۶، ص ۳۴۷.

تشخیص می شود. این رأی وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

۲-۴ حد و مرز حق حبس زوجه در مطالبه مهریه

از حقوقی که در قانون مدنی برای زوجه مقرر شده حق حبس می باشد. ماده ۱۰۸۵ ق.م. این حق را چنین تعریف می کند: زن می تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. و ماده ۱۰۸۶ ق.م. در ادامه آورده است که: اگر زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند مع ذالک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

حق حبس از نظر حقوقی در عقود معوض مثل عقد بیع وجود دارد به این نحو که دو تعهد هم زمان در مقابل هم قرار می گیرند و هر دو حال هستند و متعهدین اجرای تعهد خود را متوقف بر انجام تعهد متقابل می کنند. مثل تسلیم مبیع و ثمن در مهریه هم مثل عقد بیع زن به استناد ماده ۱۰۸۵ ق.م. می تواند از انجام تکالیف خود را در مقابل همسرش استنکاف کند تا تمام مهریه به وی پرداخت گردد و این اعمال حق موجب سقوط حق مطالبه نفقه نمی باشد. شرایط اعمال حق حبس در مهریه به این نحو است که مهریه باید حال باشد یعنی مدت دار نباشد معین باشد زن قبلا به تکالیف خود در مقابل همسرش عمل نکرده باشد به این ترتیب در صورتی که مهریه مدت دار باشد یا نامعین باشد و یا زن قبلا به وظایف خود عمل نموده باشد حق حبس وی ساقط می گردد. معمولا وقتی که زن به تکالیف خود عمل نمی کند و در واقع نشوز می کند مرد دعوی تمکین را طرح می کند

زمانی که زن از حق حبس خود استفاده می کند دادگاه در صورت احراز شرایط حق حبس دیگر دعوی تمکین را استماع نمی نماید اعم از اینکه دعوی طرح شده تمکین بصورت عام باشد یا بصورت خاص . و در نتیجه این حکم زن به راحتی می تواند نفقه خود را مطالبه نماید و حتی طرح شکایت کیفری ترک انفاق بنماید. از طرفی بموجب آراء وحدت رویه مثل و رای وحدت رویه ۷۱۸ مورخ ۹۰/۲/۱۳ تقسیط مهریه موجب سقوط حق حبس زوجه نمی گردد. در بین فقها هم عده ای براین اعتقاد دارند که تقسیط موجب سقوط حق حبس وعده ای هم قایل به این هستند که حق حبس تا پرداخت کامل مهریه ساقط نمی گردد^۱.

گفتیم که حق حبس در عقود معوض می باشد ولی اینکه آیا عقد نکاح واقعا عقدی معوض مثل بیع می باشد تردید وجود دارد: زیرا رابطه زن و مرد فراتر از یک رابطه تجاری و مادی صرف می باشد. و جایگاه نهاد خانواده نیز اجازه چنین تصویری را نمی دهد از طرفی در روابط زوجین چه چیزی را می توان معوض مهریه دانست؟ موضوع دیگر در خصوص انواع مهریه از نظر نحوه مطالبه و جنس و نوع آن می باشد. در اسناد ازدواج معمولا مهریه را عندالمطالبه ذکر می کنند یعنی هر وقت که زن بخواهد می تواند آن را مطالبه نماید. جدیداً در اسناد ازدواج کلمه عندالاستطاعه را می نویسند یعنی زن زمانی می تواند مهریه خود را مطالبه نماید که مرد توانایی پرداخت را داشته باشد. در صورتی که در زمان عقد مهریه مشخص نشده باشد و یا تعیین آن به عهده زوجین و یا شخص ثالثی واگذار شده باشد یا نوع و مبلغ و میزان آن معین نباشد استفاده از حق حبس با مشکل مواجه می گردد. لذا به نظر می رسد که حق حبس صرفا زمانی است که مهریه عندالمطالبه و حال و معین باشد و در سایر موارد قابل اعمال نیست. مثلا در مهریه عندالاستطاعه زن از همان ابتدا پذیرفته که مرد معسر است و زمانی می تواند مطالبه کند که توانایی پرداخت داشته باشد.

^۱ صفریور، محمدجعفر، مهریه در حقوق ایران، مجله حقوق روز، شماره ۶۳، ۱۳۷۸، ص ۳۱.

به این ترتیب در این نوع مهریه حق حبس وجود ندارد ممکن است مهریه انجام یا خودداری از انجام عملی باشد یا ممکن است سفر زیارتی و سیاحتی باشد و در این نوع مهریه ها هم اعمال حق حبس با مشکل مواجه است مثلا ممکن است بنا به دلایلی قانونی امکان انجام آن عمل نباشد یا امکان مسافرت نباشد. در این صورت اعمال حق حبس چه نتیجه ای می تواند داشته باشد و آیا اصولا می توان بار یک توافق دوطرفه را صرفا بریک نفر بار نمود؟ زیرا مهریه متناسب با وضعیت زمانی و شخصیتی و توانایی افراد باتوافق طرفین تعیین می گردد. و در صورتی که امکان وصول آن نباشد لذا بایستی مسئولیت آن را هر دو طرف بپذیرند، نه اینکه صرفا تمام ضررهای آن را متوجه مرد بدانیم^۱. به هر حال در زمان فعلی رویه قضایی این است که حق حبس مطلق در مهریه پذیرفته شده و تقسیط مهریه هم موجب سقوط آن نمی گردد. در حالی که به نظر این جانب این رویه خصوصا رای وحدت رویه ۷۱۸ برخلاف قاعده لاضرر - قانون اعسار و اصل ۴۰ قانون اساسی می باشد. زیرا این اصل بیان می کند که: هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. حق حبس یکی از قواعد پذیرفته شده حقوقی می باشد و ما نمی گوئیم که زن حق مطالبه حقوق خود را نداشته باشد بلکه نظر ما این است که در بسیاری از ازدواجها زوجها می دانند که همسرشان در زمان عقد حقوقش کمتر از بهاء یک سکه است ولی مهریه خود را چند صد سکه تعیین می کنند و ایشان با علم به این وضعیت ازدواج می کنند لذا با تقسیط مهریه از طرف مرد عقل و انصاف حکم می کند این حق ساقط گردد خصوصا اگر تصور کنید که در مهریه ۱۰۰۰ سکه ای مرد باید فرضا در صورت تقسیط به ماهی یک سکه بعد از پرداخت ۱۰۰۰ سکه قادر به اجبار زنش به تمکین باشد لذا تمام این دلایل موجب می شود که ما تاکید کنیم بعد از تقسیط مهریه حق حبس ساقط می گردد.

^۱ صفایی، سیدحسین وامامی، سیداسدا...، پیشین، ص ۹۷

۳-۴- قانون جدید نحوه وصول مهریه

به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مزاد، فقط ملائت (توانایی مالی) زوج ملاک پرداخت است.

رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.»

البته هم اکنون به جهت نسخ ماده ۲ قانون قدیم نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷ مذکور، ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ به جای آن اعمال می شود.

۳-۵- آغاز و پایان حبس ناشی از محکومیت های مالی مهریه

به موجب ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «اگر استیفای محکوم به (در اینجا: مهریه) از طرق مذکور در این قانون ممکن نشود، محکوم علیه (در اینجا: زوج) به تقاضای محکوم له (در اینجا: زوجه) تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له (در اینجا: زوجه) حبس می شود.»؛ بنابراین بر خلاف «حبس ناشی از مجرمیت»، «حبس ناشی از محکومیت های مالی» علی القاعده تا روز تادیه محکوم به (در اینجا: مهریه)؛ یوم الاداء، ادامه خواهد داشت مگر اینکه محکوم علیه (در اینجا: زوج) بتواند به هر طریقی رضایت محکوم له (در اینجا: زوجه) را اخذ کرده و یا اینکه اعسار خود را ثابت کند.

به موجب ماده ۶ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.»

قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ ضمن منسوخ کردن ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ در ماده ۲۹ خود، مستثنیات دین را در ماده ۲۴ به شرح ذیل اعلام کرده است:

«مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف) منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه (در اینجا: زوج) در حالت اعسار او باشد؛

ب) اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه (در اینجا: زوج) و افراد تحت تکفل وی لازم است؛

ج) آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه (در اینجا: زوج) و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود؛

د) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها؛

ه) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفل شان لازم است؛

و) تلفن مورد نیاز مدیون؛

ز) مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب

عسر و حرج شود و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.»

در نتیجه این بحث از منظر کسی که باید اعسار یا عدم اعسار را ثابت کند، بسیار اساسی می شود زیرا اگر امکان اخذ رضایت محکوم‌له نباشد، تنها راه توقف اجرای حبس ناشی از محکومیت های مالی اعلام اعسار محکوم‌علیه است.^۱

۴-۶- اثبات اعسار در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی جدید

پاسخ این پرسش دقیقاً بر کانون تفاوت این قانون جدید با قانون قبلی راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی مستقر است.

به موجب ماده ۲ قانون قبلی نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷: «هرگاه محکوم‌علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد».

ولی به موجب ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت (توانایی مالی) وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار بر عهده اوست؛ مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است؛ در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خوانده دعوای اعسار نتواند ملائت (توانایی مالی) فعلی یا سابق او را ثابت کند، یا ملائت (توانایی مالی)

^۱ صفریور، محمدجعفر، پیشین، ص ۹۸

فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.^۱

همانطور که مشخص است به موجب ماده ۲ قانون قبلی اثبات اعسار بدون هیچ تفکیکی، در هر صورت بر عهده محکوم‌علیه به عنوان مدعی اعسار بود ولی در ماده ۷ قانون جدید این امر با تفکیکی انجام پذیرفته است.

از آنجا که این تفکیک خیلی پیش تر از زمان تصویب این قانون جدید، توسط رییس قوه قضاییه با اعمال اصلاحیه بند (ج) ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قبلی مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۹۱ اجرا شده بود، از مفاد بند (۲) ماده ۱۷ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ برای تفصیل بیشتر تفکیک مقرر در ماده ۷ قانون جدید می توان استفاده کرد:

«در خصوص ادعای اعسار محکوم‌علیه و درخواست بازداشت وی حسب درخواست محکوم‌له به جهت امتناع از پرداخت محکوم‌به، دادگاه با بررسی ادله ابرازی و توجه به نکات زیر اتخاذ تصمیم خواهد کرد:

الف) هرگاه وضعیت سابق محکوم‌علیه از نظر اعسار یا ایسار معلوم بوده و دلیلی که تغییر حالت سابقه را اثبات کند ارایه نشده باشد؛ دادگاه با استصحاب حالت سابقه دستور یا حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ب) در صورتی که منشأ دین قرض یا معاملات معوض بوده مادام که تلف مال مکتسبه ثابت نشده باشد، دادگاه با استصحاب وجود مال و تمکن محکوم‌علیه، نسبت به صدور حکم رد اعسار اقدام خواهد کرد؛ مگر آن که مدعی اعسار خلاف آن را ثابت کند.

ج) چنانچه وضعیت سابق محکوم‌علیه مجهول بوده و دین مورد حکم دادگاه ناشی از اخذ و تحصیل مال به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نباشد، مانند «مهریه» یا «ضمان ناشی از مقررات مربوط به دیات»، ادعای اعسار

^۱ پولادی، ابراهیم، مهریه و تعدیل آن، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۶۹.

محکوم علیه مطابق اصل بوده و مادامی که خلاف آن ثابت نشده موجبی برای بازداشت محکوم علیه به عنوان ممتنع نخواهد بود.^۱

بدین ترتیب در کلیه دعاوی مطالبه مهریه، ادعای اعسار زوج مطابق اصل بوده و مادامی که خلاف آن توسط زوجه ثابت نشده است به هیچ وجه موجبی برای بازداشت او به عنوان ممتنع وجود نخواهد داشت.

ولی هنوز این ابهام باقی است که با توجه به ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفند ماه ۱۳۹۱ که در آن صرفاً مهریه تا سقف یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن را مشمول ماده ۲ قانون قبلی نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷ (هم اکنون ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳) دانسته و در خصوص مازاد، ملات (توانایی مالی) زوج را ملاک پرداخت دانسته است و با توجه به مفاد ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ که در آن به نوعی در مورد مطالبه مهریه اصل بر اعسار زوج قرار داده شده و به همین دلیل زوجه می باید بدو توانایی مالی زوج را اثبات و سپس تقاضای اعمال ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ را کند.

۴-۷- قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه

بدون تردید آخرین نظر قانونگذار بر این قرار گرفته است که به طور کلی در مورد تعهد به پرداخت مهریه «به هر میزان» چه کمتر و چه بیشتر از یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن، در فرض عدم اطلاع از اعسار یا ایسار زوج، اصل بر اعسار زوج است و خلاف آن نیاز به اثبات توسط زوجه دارد. بدین ترتیب با ناتوانی زوجه

^۱ باباخانی، زرین، مهریه (حقوق خاصه زوجه)، تهران، رامین، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۷.

در اثبات استطاعت مالی زوج در پرداخت مهریه، قانون اصل اعسار و نتیجتاً منتفی شدن حبس ناشی از مدیونیت و تقسیط پرداخت مهریه را بر زوج حاکم ساخته است.

در نظریه مشورتی شماره ۷/ ۹۲/ ۵۴۰ مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۹۲ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه نیز به صراحت بر این نظر تاکید شده است.

۴-۸- روند زوجه ها در دعاوی مطالبه مهریه

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخه ۱۳/ ۱۰/ ۱۳۹۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «دعوی اعسار که مدیون در اثنای رسیدگی به دعوی داین اقامه کرده، قابل استماع است و دادگاه به لحاظ ارتباط آنها باید به هر دو دعوا یکجا رسیدگی و پس از صدور حکم بر محکومیت مدیون در مورد دعوی اعسار او نیز رای مقتضی صادر نماید».

به موجب بند (۱) ماده ۱۷ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها مصوب ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲: «هرگاه خواننده دعوا (در اینجا: زوج) دین خود را پذیرفته ولی تقاضای مهلت یا تقسیط و یا ادعای اعسار داشته باشد دادگاه در اجرای رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخه ۱۳/ ۱۰/ ۱۳۹۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت به رسیدگی توأمان دعاوی خواهان اصلی (در اینجا: دعوی مطالبه مهریه مطروحه زوجه) و خواننده پرونده (در اینجا: دعوی اعسار مطروحه زوج) اقدام و نسبت به صدور حکم مقتضی اقدام نماید».

بدین ترتیب اکثر زوجه هایی که اقدام به مطالبه مهریه خود می کنند یک انتظار محقق الوقوع به شرح ذیل، بیشتر نمی توانند داشته باشند:

طرح دعوی ادعای اعسار زوج در اثنای رسیدگی به دعوی مطالبه مهریه و النهایه صدور حکم به پرداخت مهریه به نفع زوجه البته به صورت تقسیط؛ به جهت جاری ساختن اصل اعسار به نفع زوج است؛ مگر توانایی زوجه در اثبات توانایی مالی زوج که در غالب موارد این امکان از اساس منتفی است.

البته در صورت عدم ارایه دادخواست اعسار توسط زوج ظرف مدت رسیدگی به دعوی مطالبه مهریه، به موجب ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «... چنانچه محکوم علیه (در اینجا: زوج) تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارایه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی شود؛ مگر اینکه دعوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱: چنانچه محکوم علیه (در اینجا: زوج) خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارایه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم له (در اینجا: زوجه) آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه (در اینجا: زوج) به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به (در اینجا: مهریه) ارایه کند، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه (در اینجا: زوج) خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می کند...»^۱.

۴-۹- ممنوع الخروجی زوج با صدور حکم اعسار و تقسیط پرداخت مهریه

تا قبل از تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی بعضاً قضات، صدور حکم به تقسیط پرداخت مهریه را موجب رفع ممنوع الخروجی زوج نمی دانستند؛ حتی این امر در نظریه مشورتی شماره ۷ / ۹۳ / ۱۹۳۷ مورخ ۱۷ آبان ماه ۱۳۹۳ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه نیز به نوعی مورد تاکید قرار گرفته بود.

^۱ پولادی، پیشین، ص ۳۶۲

ولی هم اکنون به موجب ماده ۲۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم^۱له (در اینجا: زوجه) قرار ممنوع الخروج بودن محکوم^۱علیه (در اینجا: زوج) را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم^۱علیه (در اینجا: زوج) یا جلب رضایت محکوم^۱له (در اینجا: زوجه) یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.»

بدین ترتیب با لغو قرار ممنوع الخروجی پس از صدور حکم تقسیط پرداخت مهریه بواسطه احراز اعسار، مشکل سفرهای تفریحی خارج از کشور زوج نیز به روش مقتضی مرتفع شده است!

به سادگی می توان فهمید که ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی به سابقه ذهنی منفی ناشی از چانه زنی های زمان تعیین مهریه باز می گردد.

اصرار زوجه و خانواده او برای افزایش و چانه زنی های زوج و خانواده او برای کاهش هر چه بیشتر میزان مهریه، این اشخاص را در همان آغاز ایجاد یک رابطه جدید، مستعد گرفتار شدن به اولین سوء تفاهمات نسبت به همدیگر می کند^۱.

^۱ باباخانی، پیشین، ص ۹۳

نتیجه گیری

از یک طرف مطالبه مهریه چه بیشتر از یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن؛ به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱، و چه کمتر از این میزان؛ به موجب ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳، منوط به اثبات توانایی مالی زوج توسط زوجه است و از طرف دیگر با اصل قرارداد عدم استطاعت مالی زوج در همین ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی، نتیجتاً حبس ناشی از محکومیت مالی مقرر در ماده ۳ این قانون به جهت عدم پرداخت محکومیت به «هر میزان از مهریه» منتفی شده است و صرفاً برای «مهریه کمتر از میزان یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن» نسبت به تقسیط پرداخت مهریه با لحاظ توانایی مالی زوج اقدام می شود. این در حالی است که نسبت به «بیشتر از این میزان مقرر» در صورت ناتوانی زوجه در معرفی اموال زوج، حتی همین تقسیط در پرداخت نیز امکان پذیر نیست.

بدین ترتیب با لحاظ عدم استطاعت مالی زوج در پرداخت مهریه در غالب موارد و توجه به این سیر تغییرات قانونی منجر به تضعیف امکان وصول مهریه، به عنوان تعدیل کننده حقوق زوجه در برابر حقوق زوج، از یک طرف و بلا تغییر ماندن سایر عناوین تقویت کننده حقوق زوج در برابر حقوق زوجه از طرف دیگر؛ بی شک در حال حاضر حقوق خانوادگی زوج بسیار مؤثرتر از حقوق قانونی زوجه است؛ بنابراین برای جلوگیری از ایجاد اولین سوء تفاهمات زندگی مشترک ناشی از چانه زنی های بی فایده برای تعیین مهریه بلا وصول و برای تقویت تعدیل حقوق زوج و زوجه در روابط خانوادگی با همدیگر پیشنهاد می شود که؛

زوجه با گذشت معنادار از تعیین میزان زیاد این مهریه تضعیف شده در امکان وصول، شرط ازدواج خود را گذشت زوج از حقوق خانوادگی مقرر برای او منطبق با موارد ذیل قرار دهد: -اعطای وکالت بلاعزل به زوجه

در جاری ساختن صیغه طلاق از جانب زوج؛ -اعطای حق حضانت فرزندان به زوجه پس از طلاق؛ -شرط تقسیم مساوی اموال میان زوج و زوجه بدون توجه به نوع طلاق؛ -اعطای وکالت بلاعزل به زوجه در صدور جواز خروج از کشور خود از جانب زوج؛ -اعطای اختیار به زوجه در تعیین مکان تشکیل زندگی مشترک؛ -اعطای اختیار به زوجه در تشخیص سطح ادامه تحصیل؛ -اعطای اختیار به زوجه در انتخاب نوع شغل خود

ارائه فرضیه و پیشهادات براساس تجارب محقق

از آنجایی که موضوع در مورد رسیدن حق به محق و بررسی و امکان بازداشت بدهکار مهریه و اجرای احکام مدنی است و با صرف نظر از مقدمات و اصول کلی باید گفت که همه اصول و مواد کنوانسیون بیع بین المللی مرتبط با چگونگی تسلیم و تسلیم که به معنای همان ایفا است و تعهد هم به خاطر اینکه ایفاپذیر صورت می گیرد چره که اگر ایفا نباشد تعهد هم صورت نمی گیرد و لذا به همین دلیل هم در حقوق و فقه اگر امکان تسلیم و تسلیم وجود نداشته بشاد معامله را باطل می کند و اگر هم تسلیم و تسلیم از بین رفته باشد معامله را قابل فسخ می دانند و به علاوه از لحاظ رفتاری هم از طرف دیگر امری (ما لا یطاق) را بر دیگری تحمیل می کند و موارد دیگر...

دیدگاه و نظر اینجانب بر این است که در هنگام توافق مهزیه توسط زوجین اولاً: آنها مهریه ای و امر نظر و توافق یکدیگر قرار دهند که زوج بتواند قادر به پرداخت باشد که در اینجا بزرگان و ریش سفیدان در نهایت تصمیم عاقلانه زوجین نقش به سزائی دارد که ناگفته نماند که در چند سال اخیر قانونگذار در قوانین ثبتي در امر ازدواج در کنار عبدالمطالبه، عندالاستطاعه بودن را نیز برای پرداخت مهریه گنجانده است و گاه هم در بعضی از موارد از سوی زوج و خانواده اش ملاحظه شده که بعضی از افراد در هنگام توافق مهریه با آنکه از نظر مالی مستطیع بوده اند و حتی قدرت مالی زیادی نیز داشته اند ولی متاسفانه با روشهای فریبکارانه و قانون گریزانه از جمله با

انتقال مل و اموال خود به نزدیکان و با افراد مورد وثوقشان خود را معبر نشان داده اند و از پرداخت مهریه وارد کرده و حقوق همسرشان را پایمال کردند البته ناگفته نماند که بعضی از زوج ها هم با سوء استفاده در افراد ازدواج و با ازدواج های مکرر طلاق گرفتند و هر بار با شرایط مهریه های بالا با افراد ثروتمند و هدف از پیش تعیین شده ازدواج کرده و بعد از مدتی با بهانه های مختلف در زندگی و با ایراد گرفتن از زوج به عناوین مختلف سر ناسازگاری را باز نموده و مهریه ی خود را به اجرا گذاشته و پول هنگفتی را به جیب زدند که در این موارد قانونگذار و مجریان قانون باید برخورد جدی تر و محکم تری را اعمال کنند.

اما با این وجود در بیشتر موضوع و برری در امار طلاق و دعاوی مطروحه در دادگاه ها این زوج ها هستند که در اخذ حق و حقوق و مهریه خود دچار مشکل و حتی در بعضی از موارد زوج آنچنان از زندگی مشترک خود به اصطلاح سیرمی شود که تمامی حق و حقوق خود را به زوج بزل می کند تا طلاق گیرد که به قول معروف می گویند «محترم حلال جونم آزاد»

دوماً: در سند نکاحیه در هنگام توافق و قرارداد مهریه شرایطی برای زوجین در نکاحیه درج شود که مثلاً زوج پس از آغاز مشترک برای ادای دین و پرداخت مهریه مبلغ یا ملی را به صورت تقسیط و به صورت شرعی و قانونی و با در نظر گرفتن مقوله در آمد و دارایی زوج همراه با زندگی مسالمت آمیز به نحوی که چه از نظر اقتصادی و چه از نظر مادی و روحی و روانی فشار به زندگی زوج وارد نشود پرداخت کند به قول معروف موازین پرداخت بر اساس قاعده «لا ضرر و ضرار» و مبنای قانونی باشد.

سوماً: در هنگام توافق مهریه و در زمانی که مقدار آن در سند نکاحیه (قباله) ازدواج درج شد و سند ازدواج که یکی از اسناد لازم الاجرا نیز می باشد در انتهای کار یک شخصی را از بستگان زوج که دارای تمکن مالی نیز می باشد و یا یک از والدین زوج و یا یکی از شهود و یا معرفین را انتخاب نموه و نام او را در سند نکاحیه و بعد از

امضاء زوجین در قسمت صداق (مهریه) و یا در قسمت ملاحظات در سند ازدواج و با ذکر تعهد در امر ضمانت در پرداخت مهریه توسط زوج نام آن شخص را همراه با امضاء درج نمائید که چه بسا زوج در زندگی مشترک زناشویی و تداوم و استحکام زندگی خود نسبت به زوجه مسئولیت پذیرتر و محکم تر عمل کند و لا اقل از روند سهولت طلاق و در هنگام بروز مشکل و شقاق بین زوجین اهرم فشاری بر روی زوج وجود داشته باشد تا به راحتی تصمیم به طلاق نگیرند و آن شرط ضمن عقد را بجا می آورد .

پس باید در نظر داشت که بیشتر زوجه ها در دریافت و وصول مهریه خود دچار مشکل می شوند و یا اصلاً چیزی دریافت نمی کنند و لذا بعضی از زوجه ها با علم به اینکه شوهرش دارای استطاعت مالی زیادی هست و اگر از شوهرش در زندگی طلب مهریه کند و حتی اگر زوجه نیز بخواهد مهریه خود را برای امری خدایسندانه خرج کند زوج ساز و آهنگ بی وفائی را برای زوجه سر می دهد و او را به سر خود بودن و بی حقی معرفی می کند و شیوه زندگی و همسراری زنان دوران گذشته را به رخ آنها می کشد که نسبت به حق و حقوق و مهریه خود را ادعائی نداشتند و از شوهران خود چیزی در مورد حق و حقوق و مهریه طلب نمی کردند و چنانچه اگر زنان امروز مهریه خود را طلب کنند شوهران می گویند: به محض اینکه مهریه ات را گرفتی از همان راه دادگاه که به خانه بر می گردی به خانه ام نیا و به خانه پدرت برگرد و لذا هنوز این موضوع در خواست مهریه که از حق مسلم و واقعی زنان و مادران و دختران و با خواهرانمان هست در بین افراد جامعه ی جای خود را پیدا نکرده و گاهاً در هنگام توافق مهریه دیده می شود که می گویند: مهریه را کی داده و کی گرفته که این حرف از نظر شرع مقدس اسلام اشتباه است و این جمله را شدیداً رد می کند چرا که در سند ازدواج مهریه بر ذمه زوج دین است را قد می کنن یعنی زوج باید آنرا کاملاً پرداخت کند و تازمانی که زن آن را با رضای خاطر و کامل خویش آنرا به همسرش بخشید آن مهریه نه تنها در این دنیا بلکه در آن دنیا هم گریبان گیر مرد خواهد بود و در

صورت فوت زوج باید آن مقدار مهریه را از اموال زوج کسر نمود و اگر چیزی باقی ماند به ورثه داده شود چراکه همانو طر قبلاً گفتیم مهریه از دیون ممتاز می باشد و اگر چنانچه زوجه زودتر از همسر فوت کند ورثه او می توانند آن مهریه را از زوج دریافت بدارند چراکه در مباحث قبل هم گفته شد پیامبر عظیم نشان اسلام می فرماید خداوند در روز قیامت فرد بدهکار به مهریه را نمی بخشد.

و در نهایت از اندیشمندان فہمی و متفکران و دکترین حقوقی انتظار آن می رود کہ باید بہ فکر چارہ و راہ حل های بہتر و محکم تر می باشند چرا کہ در ہر دورہ از زندگی افراد با نیازهای گوناگون و با مقتضای زمانی آن دورہ از جامعہ و بستہ بہ نیازها و خواستہ ها و مشکلات بوجود آمدہ در عصر خود نیازمند بہ قوانین موضوعہ و پیش آمدہ عصر خود می باشد بہ عنوان مثال نیازمندی و الگوی زندگی افراد دہہ پنجاہ و شصت با نحوہ الگوی زندگی و نیازمندی افراد دہہ ہفتاد و ہشتاد متفاوت می باشد و لذا در ہر دورہ از زندگی افراد دانشمندان و متفکران فقہی و حقوقی باید بر مبنای نیازمندی های موجود و لازم در ہر دورہ دست بہ تحول قوانین و یا کامل کردن آن پردازند بہ عنوان مثال جامعہ ما تا دہہ شصت و اوایل دہہ ہفتاد هیچ قانونی در مورد تخلف (رایانہ ای) یا کامپیوتری نداشتیم کہ بنا بہ نیاز جامعہ دانشمندان و متفکران فقہی و حقوقی قوانین کار آمد و متفکرانہ تقویم بہ جامعہ داشتند مثلاً اگر شخصی از طریق کامپیوتر (رایانہ) موجب تخلف یا جرمی شود پلیس فتا با آنها مطابق با قوانین موضوعہ برخورد خواہد کرد مثل برخورد با دزدان کامپیوتر (رایانہ ای) کہ افراد متخلف با ورود غیرمجاز بہ شبکہ بانکی افراد پولدار، حسابهای بانکی آنها را در چند دقیقہ خالی می کنند کہ بہ این گونه از افراد دزد (یقہ سفید) می گویند کہ در دہہ شصت و ہفتاد و دہہ های ما قبل آن قانونگذار در این مورد و یا قانونی در مورد آن بیان نداشتہ است و بعدہا قانونگذار با روی کار آمدن کامپیوتر قوانینی کارساز بیان داشتہ است و با اینگونه افراد برخورد شدہ است.

یکی دیگر از مواردی که باید به آن پرداخته شود، پائین بودن سن قانونی ازدواج در کشورمان می باشد. همانطور که می دانیم سن ازدواج در خانم ها حداقل (۱۳ سال شمسی) و آقایان (۱۵ سال شمسی) می باشد. گرچه افراد در این سن به بلوغ شرعی میرسند اما بیشتر آنها به بلوغ قانونی نمی رسند فلذا درمورد انتخاب همسر و حتی انتخاب مقدار مهریه زوجین هیچ انتخابی ندارند و بزرگان حاضر در مجلس ازدواج و خواستگاری بدون در نظرگرفتن استطاعت و شرایط مالی و زندگی زوجین برای آنها مهریه تعیین می کنند.

و همین موارد بعدها باعث بروز مشکل در زندگی زنشویی بیشتر آنها می شود چرا که در تحقیقاتی که در پرونده های موجود دادگاه خانواده و مشاوره هائی که از زوجین به عمل آمد صورت گرفت اکثر این افراد که در سن پایین ازدواج نمودند در ابتدای شروع زندگی خود هیچ درکی از ازدواج و زندگی مشترک نداشتند و حتی عده ی زیادی از زوج ها هیچ شغلی جهت کسب درآمد و پرداخت نفقه نداشتند، حالا چه رسد اگر زوجه بخواهد مهریه اش را طلب کند. که در اینجا مشکلات بیشتری را بوجود خواهد آورد ولذا باید تمهیداتی در این مورد از سوی قانونگذاران انجام پذیرد. چرا که ازدواج یکی از مهمترین مرحله های زندگی هر انسانی می باشد و باید به آن توجه اهم و ویژه ای داشت.

منابع

منابع فارسی:

۱. آقازاده، محمدرضا، گفتارهای ساده حقوقی، مشهد، قاسمی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
۳. بیات، رقیه، بررسی مهریه و نفقه زوجه، زن روز، شماره ۱۲، ۱۳۸۷.
۴. پولادی، ابراهیم، مهریه و تعدیل آن، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ابن سینا، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶.
۶. جوانفکر، عباس، زندانیان مهریه، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۴.
۷. حائری، ایوب. عشرون سئوالات و شبهه حول المراه، ترجمه اسلام ملکی معاف قم، دارالتقلین، ۱۳۷۸: ۸۷.
۸. حر عاملی، محمد ابن الحسن: «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴.
۹. حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۲، انتشارات تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، قم، دار التبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰.
۱۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
۱۲. شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۳. صفایی، سیدحسین و امامی، سیداسد... مختصر حقوق خانواده، دادگستر، ۱۳۷۸.
۱۴. صفرپور، محمدجعفر، مهریه در حقوق ایران، مجله حقوق روز، شماره ۶۳.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، زن در اسلام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه، ۱۳۸۴.
۱۶. علی آبادی، علی، ایجاد سقوط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱. ش ۳۸۱.
۱۷. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۷، ۱۳۸۹.
۱۸. قادری، زهره. مهریه از دیدگاه اسلام. تهران: شمیم یاس. ۱۳۸۲.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، بهنشر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، چاپ سوم، ج ۱، ۱۳۷۸.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۱.
۲۲. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. ج ۱۹. قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۲۳. مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.

۲۴. موسوی کاشمیری، مهدی، مهریه مطلوب، پرسش و پاسخ، نشریه زن، شماره ۳۲، ۱۳۷۸.
۲۵. یوسف زاده، حسن، پایش جامعه شناختی مهریه، کتاب زنان، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۴.

منابع عربی:

۱. بدران، ابوالعینین، ۱۴۱۰. *الفقه المقارن للأحوال الشخصیه*، دار الهضه العربیه، ج ۱.
۲. جبعی عاملی، زین الدین بن احمد (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة* (شرح لمعه) جامعه النجف الدینیة، بی جا، چاپ اول، بی تا.
۳. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین عبدالله، *کافی فی الفقه ضمن سلسله الینابیع الفقهیه*، به کوشش علی اصغر مروارید، موسسه فقه شیعه و دار الاسلامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق/۱۹۹۰ م.
۴. زحیلی، وهبه، *فقه الاسلامی و ادلته*، دارالفکر، دمشق، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ه.ق/۱۹۹۷ م.
۵. سیدمرتضی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰. *الانتصار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث، ۱۴۰۴ ق.
۷. موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی)، *تحریر الوسیله*، موسسه نشر اسلامی، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۸. موسوی خمینی، سید روح اله (امام خمینی)، *تحریر الوسیله*، ج ۳، انتشارات اسلامی، بی تا.
۹. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، بی تا، ج ۱۴۱۱.

سایت های اینترنتی:

سایت دایره المعارف اسلامی به آدرس:

www.usc.edu: glossary of Islamic terms & concepts: The encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1999

سایت مرکز فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم اسلامی به آدرس: www.usc.edu

www.mehreah.blogfa.com

www.ghavanin.com

Abstract

Dowry is the first financial debt that the couple pays for the realization of marriage. The wife has the right to ask for this debt from a couple and seize it. In the new law, the possibility of arresting the dowry is up to the ceiling of the amount of the dowry, and this issue raises many questions in many cases. After the adoption of the new family protection law, the prevailing notion is that collecting more than 110 coins in the entire spring of freedom, or equivalent, merely relates to the introduction of coupled property by a wife, but to force a couple to pay less than that amount, the possibility of imprisonment due to financial constraints remains. In some cases, if, after the wife's request, the couple claims that she is unable to pay, then the judicial procedure in our courts is such that they are sentenced to a couple's imprisonment to prove their sentences. The results of the research indicate that, on the one hand, the demand for dowry for more than 100 coins of the entire spring of freedom or its equivalent, in accordance with Article 22 of the Family Protection Act of February 1, 1391, or less than this amount, according to Article 7 The new law on the implementation of financial convictions of October 15, 2014 is subject to the proof of the couple's financial ability by the wife, and on the other hand, by introducing the lack of financial paired in the same article 7 of the new law on the implementation of financial penalties, consequently, imprisonment from conviction The financial obligation provided for in Article 3 of this law has been abandoned for not having paid the sentence to "any amount of money", and only for "less money" The amount of one hundred and ten coins of the whole of the spring of freedom or equivalent "is compared to the dividend payment with respect to the financial ability of the couple.

Key word: dowry, financial conviction, detention, law



Islamic Azad university

Behshahr Branch

Department of Law

Thesis for a Master's Degree in Law (M.A)

Title

**Investigating the possibility of arresting Mahrei's debtor in the
enforcement of civil sentences**

Supervisor

Alireza Nasiri Khalili (Phd)

By:

Ali asghar alizadeh Zoqalchali

Spring 2017